



پیمان ویان: در هر شرایطی حاضر به
دفاع از خلقمان می‌باشیم

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

سال چهاردهم، نوبی سوم، شماره‌ی سی و هشتم

تیرماه ۱۴۰۴

JUNE 2025

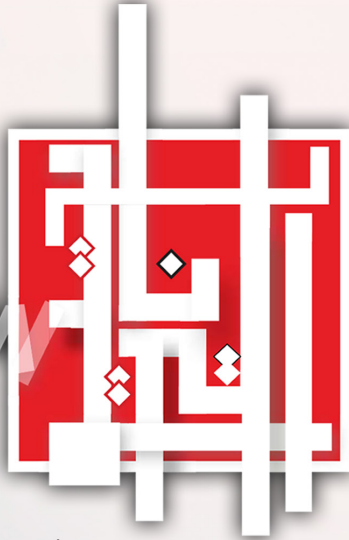
۳۸

زمزمه‌های تغییر در سایه‌های اقتدارگرایی

ملهوریم‌کانی رژیم ناگری شم‌ری هم‌لگ‌رساند

ئیران ده‌گورد‌ریت یا ده‌ی‌گورن؟!





ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/یزاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال چهاردهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی سی و هشتم

تیر ماه ۱۴۰۴



JUNE 2025



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram: jin_jiyan_azadi2022
mail: presspjak@gmail.com

آلترناتیو

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک



فهرست

- سخن آغازین ۵
- مبارزه‌ی سوسیالیسم علیه سرمایه‌داری (رهبر آپو) ۸
- پیمان ویان: در هر شرایطی حاضر به دفاع از خلق مان می‌باشیم ۱۱
- زمزمه‌های تغییر در سایه‌های اقتدارگرایی (رامتین صبا) ۲۲
- شکنجه‌های رنگین (بیستون مختاری) ۲۸
- تاوان سنگین سیاست اشتباه (دلیر توله‌لدان) ۳۵
- سده‌ی کورد آزاد (جوان تونج) ۳۹
- مهاجرت (زانا اورمیه) ۴۵
- ئه‌میر که‌ریمی: کاتی روخانی دیکتاتۆریه‌ته‌کانه ۴۹
- مله‌ورپیه‌کانی رژی‌م ناگری شه‌پری هه‌لگرساند (ئامه‌د شاهۆ) ۶۸
- ئێران له‌نیوان هێرشێ ئه‌مریکا و
- ده‌ستیپێشخه‌ری رێبه‌ر ئاپۆ (سه‌ردار ستار) ۷۵
- ئێران ده‌گۆڕدری‌ت یا ده‌یگۆڕن؟! (ئارام که‌ریم) ۸۵



پیامدهای اقتصادی شامل افزایش قیمت نفت و خطر اختلال در تنگه هرمز است، در حالی که موفقیت اسرائیل در تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند موازنه قدرت منطقه‌ای را تغییر دهد، اما خطر بی‌ثباتی رژیم ایران و گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه را نیز به همراه دارد. در ادامه، آسیب‌های این جنگ در داخل ایران و منطقه خاورمیانه بررسی می‌شود.

خسارات زیرساختی: تأسیسات کلیدی هسته‌ای، پایگاه‌های نظامی، سامانه‌های دفاع هوایی (مانند اس-۳۰۰) و زیرساخت‌های انرژی مانند انبار نفت شهران در غرب تهران هدف حملات قرار گرفته‌اند. تخریب زیرساخت‌های ارتباطی و نظامی، توانایی دفاعی ایران را تضعیف کرده و بازسازی این تأسیسات هزینه‌های هنگفتی به همراه خواهد داشت. گزارش‌ها حاکی از شنیده شدن انفجارهای مکرر در تهران و دیگر شهرها و مشاهده دود در آسمان است که نشان‌دهنده خسارات گسترده به زیرساخت‌هاست.

تأثیرات اقتصادی: حملات به زیرساخت‌های انرژی، از جمله انبارهای نفت، می‌تواند تولید و صادرات نفت ایران را مختل کند، که به افزایش قیمت جهانی نفت و تشدید بحران اقتصادی در ایران منجر می‌شود. نوسانات شدید در بازارهای جهانی نفت، طلا و بیت‌کوین به دلیل تحولات خاورمیانه گزارش شده است، که اقتصاد ایران را تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد. تعطیلی بازار بزرگ تهران و خروج مردم از پایتخت نشان‌دهنده اختلال در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری است.

تأثیرات اجتماعی و سیاسی: این حملات

آسیب‌های جنگ اسرائیل و ایران در داخل ایران و منطقه خاورمیانه چیست؟ جنگ میان اسرائیل و ایران که از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) با حملات گسترده اسرائیل به تأسیسات نظامی و هسته‌ای ایران آغاز شد، پیامدهای گسترده‌ای برای ایران و منطقه خاورمیانه داشته است. این درگیری، که به‌عنوان تشدید دشمنی چندین دهه‌ای بین دو کشور تلقی می‌شود، آسیب‌های متعددی در ابعاد انسانی، زیرساختی، اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی به همراه داشته است.

حمله اسرائیل به ایران، با هدف ضربه به برنامه هسته‌ای و توانایی‌های نظامی ایران، تنش‌های دیرینه را به سطح جدیدی از درگیری آشکار رسانده است. اسرائیل با بهره‌گیری از ضعف نیروهای نیابتی ایران (مانند حزب‌الله) و کاهش پدافند هوایی ایران، به دنبال وارد کردن خسارات تنبیهی و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است. ایران با حملات موشکی پاسخ داده و ممکن است از نیروهای نیابتی یا ابزارهای نامتقارن مانند سایبری و تروریسم استفاده کند. این درگیری خطر تشدید تنش‌های منطقه‌ای، بی‌ثباتی بازارهای انرژی، و تسریع جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران را افزایش داده است. ایالات متحده، ضمن محافظت از منافع خود، می‌کوشد بین جلوگیری از گسترش درگیری و مدیریت رقابت با چین و روسیه تعادل برقرار کند.

مانند عربستان سعودی، ترکیه یا مصر به دنبال تسلیحات هسته‌ای بروند.

تأثیرات اقتصادی منطقه‌ای: افزایش قیمت نفت به دلیل اختلال در تولید ایران، اقتصاد جهانی و به‌ویژه کشورهای خلیج فارس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر می‌تواند به تورم جهانی و فشار بر اقتصادهای منطقه‌ای منجر شود. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، از افزایش قیمت نفت سود می‌برد که منابع مالی بیشتری برای جنگ اوکراین فراهم می‌کند.

بی‌ثباتی و مهاجرت: تشدید درگیری‌ها می‌تواند به موج جدیدی از مهاجرت از ایران و دیگر کشورهای درگیر، به‌ویژه به ترکیه، منجر شود. لبنان، که خود درگیر تنش‌های داخلی و تأثیرات حزب‌الله است، این حملات را محکوم کرده و آن را تهدیدی برای ثبات منطقه دانسته است.

تضعیف محور مقاومت: گروه‌های نیابتی ایران مانند حماس و حزب‌الله در نتیجه حملات اسرائیل تضعیف شده‌اند، که می‌تواند نفوذ ایران در منطقه را کاهش دهد. با این حال، پاسخ موشکی ایران به اسرائیل نشان‌دهنده حفظ قدرت بازدارندگی ایران است، هرچند تحلیلگران غربی معتقدند ایران توانسته از بحران عبور کند. این وضعیت می‌تواند آمریکا را وادار کند که در جنگ شرکت و از اسرائیل حمایت کند.

ملیت‌های ایران

جنگ کنونی ایران و اسرائیل، که از یک جنگ نیابتی به درگیری مستقیم تبدیل شده، آسیب‌های گسترده‌ای به ایران در حوزه‌های انسانی، زیرساختی و اقتصادی وارد کرده و منطقه خاورمیانه را در آستانه

باعث ایجاد دوقطبی در جامعه ایران شده است. گروه‌های اپوزیسیون، امیدوارند این درگیری‌ها به تغییر رژیم منجر شود. اعدام افرادی مانند اسماعیل فکری به اتهام جاسوسی برای اسرائیل نشان‌دهنده تشدید فضای امنیتی و سرکوب داخلی است. خامنه‌ای قول «پاسخی سخت» داده که می‌تواند به تشدید تنش‌ها و افزایش فشار بر دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان منجر شود.

آسیب‌ها در منطقه خاورمیانه

تشدید تنش‌های منطقه‌ای: این درگیری خطر یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای را افزایش داده است. گروه‌های نیابتی ایران مانند حزب‌الله لبنان و شبه‌نظامیان در عراق، اگرچه تضعیف شده‌اند، همچنان فعال هستند و ممکن است به درگیری کشیده شوند. حملات اسرائیل به خاک ایران نقض حریم هوایی کشورهای همسایه مانند عراق و سوریه را در پی داشته که به اعتراضاتی از سوی عراق و محکومیت‌های دیپلماتیک منجر شده است.

پیامدهای ژئوپلیتیکی: کشورهای متحد ایران، از جمله روسیه، چین، ونزوئلا، کوبا، شیلی، بولیوی و نیکاراگوئه، حملات اسرائیل را محکوم کرده‌اند و از ایران حمایت دیپلماتیک کرده‌اند. این امر به تشکیل جبهه‌ای دیپلماتیک علیه اسرائیل منجر شده است. کشورهای غربی عمدتاً از ایران انتقاد کرده و برخی، مانند ایالات متحده، به‌صورت غیرمستقیم از اسرائیل حمایت کرده‌اند. این دوقطبی می‌تواند منطقه را به سمت بلوک‌بندی‌های جدید سوق دهد. نگرانی‌هایی درباره مسابقه تسلیحات هسته‌ای در منطقه وجود دارد، به‌ویژه اگر کشورهای

به اینکه پس از ایران نوبت به ترکیه می‌رسد، مسلماً شانس به کوردها در خاورمیانه رو کرده است. از این جهت، جنگ میان ایران و اسرائیل می‌تواند به نایل شدن کوردهای شرق کوردستان به آزادی‌شان منجر شود. زیرا اگرچه جنگ خانمان‌سوز است، اما کوردها به شیوه‌های عاقلانه و دموکراتیک و با مبارزات خود می‌توانند از این فرصت استفاده کرده و اراده سیاسی خود را در ایران و شرق کوردستان احیا کنند. جامعه کورد از این حیث برای رسیدن به نتایج پرثمر، آماده است. اپوزیسیون کوردی و جنبش آزادیخواهی کورد هم می‌کوشد بدون درگیر کردن جامعه خود به جنگ ویرانگر، حقوق سیاسی کوردها را بدست آورد و این در ایران، دور از انتظار نیست.

بی‌ثباتی بیشتر قرار داده است. در داخل ایران، این درگیری‌ها به تشدید فشارهای اقتصادی و اجتماعی منجر شده و در منطقه، خطر گسترش جنگ به کشورهای دیگر و تشدید تقابل‌های ژئوپلیتیکی را افزایش داده است. واکنش‌های بین‌المللی، از جمله محکومیت‌های گسترده و درخواست برای خویشتنداری، نشان‌دهنده نگرانی جهانی از پیامدهای این درگیری است.

دهه‌هاست که ملیت‌های ایران تحت ظلم و زور حاکمان آن قرار دارند. مبارزات آزادیخواهانه کوردها نیز در وحله کنونی به سمتی می‌رود که به نتایج نهایی مثبت خود دست یابد. پس از سوریه، رسیدن کوردها در شرق کوردستان و ایران به حقوق‌شان می‌تواند وضعیت کوردها در خاورمیانه را چند برابر بهبود بخشد و به آزادی کامل نزدیک سازد. با توجه





مبارزه‌ی سوسیالیسم علیه سرمایه‌داری

✍ رهبر آپو

که گفتیم، رئال سوسیالیسم، دموکراسی و معنویات را توسعه نداد و نتوانست قالب‌های مذهب گرایی کاپیتالیسم را در هم بشکند، این نیز با ایدئولوژی سوسیالیسم در تضاد است. ایدئولوژی سوسیالیسم هیچ گاه معیارهای کاپیتالیسم را برای انسانیت اساس نمی‌گیرد، هیچ گاه نخواهد گفت که «کاپیتالیسم این اندازه به شما می‌دهد، من نیز این قدر به شما خواهم داد»، بلکه سوسیالیسم به برخی چیزها واقعی نخواهد نهاد و چیزهایی را که هیچ سیستمی قادر به ارائه‌ی آن نیست، ارائه خواهد داد. باید راجع به این چیزها تحقیق کرد و این بر عهده‌ی سوسیالیسم است. کاپیتالیسم محیط زندگی را آلوده می‌سازد، طبیعت را تخریب می‌کند و جامعه را به سرطان دچار می‌سازد، تو نیز لازم است که راه‌حل‌های جلوگیری از آن را بیابی. در غیر این صورت اگر تحت نام تولید بیشتر از کاپیتالیسم، طبیعت و محیط زندگی را آلوده نمایی و معنویات و دموکراسی را به خفقان

آری، اینها مشکلاتی اساسی‌اند و آنچه که امروزه مطرح است، آنست که چگونه میتوان این مشکلات را به وسیله‌ی سوسیالیسم حل و چاره‌یابی نمود؟ پر واضح است که به شیوه‌ی رئال سوسیالیسم نمیتوان چنین مهمی را به انجام رساند. اگر بسان کاپیتالیسم نیز، تنها سیر کردن شکم‌ها اساس گرفته شود، انسان‌ها را به انسانی بسیار ارتجاعی‌تر از انسانی که کاپیتالیسم آفریده است، تبدیل خواهید ساخت. ما این حقیقت را در رئال سوسیالیسم مشاهده نمودیم. اگر معنویات را متلاشی سازید و دموکراسی را توسعه ندهید، شرایطی بسیار عقب مانده‌تر از شرایطی که کاپیتالیسم ایجاد نموده به وجود خواهد آمد و شما را به ارتجاع خواهد کشاند. همچنان

بکشانی، این نه تنها سوسیالیسم نخواهد بود، بلکه کاریکاتور آن نیز خواهد شد و به خوبی دیدیم که این هرگز سوسیالیسم نگشت.

بدون شک امروزه نیاز شدیدی به سوسیالیسم وجود دارد. زیرا اگر امروزه نیز همچون عصر برده‌داری و قرون وسطی، هر چیز به طبقه‌ای استعمارگر و حاکم محدود گردد، جانورانی به وجود خواهند آمد که به شکل غیر قابل تصویری از جانوران قرون اولیه خطرناک‌تر خواهند بود. این جانوران هم اکنون بسیاری از امور را در دست گرفته و انسانیت را به سوی فرسودگی و فنا می‌کشاند. به همین دلیل تو نیز باید بسان آموزگاران و

اگر تاریخ کاپیتالیسم ۱۰۰۰ سال طول بکشد، بگذار تاریخ پیشرفت سوسیالیسم نیز چند هزار سال طول بکشد. نباید از این امر گریزان بود، زیرا فشرده نمودن هر چیز در چند دهه از تاریخ غیر ممکن خواهد بود.

بانیان نخستین باشی که می‌گفتند: «تنها راه مقابله با کاپیتالیسم، سوسیالیسم است»، آنان اینگونه با روحیه و ادعایی بزرگ، مبارزه و زندگی می‌نمودند. باید با سوسیالیسمی بسیار نیرومندتر با جانوری که در حال بزرگتر شدن است، به مقابله برخیزی. این مقابله به چه شکل خواهد بود؟ این کار

بسیار دشواری نیست. زیرا شیوه‌های تخریب و مصرف کاپیتالیسم، قالب‌هایی نیستند که نتوان آنها را از هم فروپاشید. اما این کار به مبارزه نیاز دارد، آن هم مبارزه‌ای روحی و معنوی. همچنین سازماندهی و برنامه‌ریزی نوین همراه با بحث و گفتگوهای همه جانبه برای این مبارزه لازم و ضروریست. در غیر این صورت گفته‌ای نظیر: «سوسیالیسم از هم فروپاشید، به همین دلیل باید ورشکسته شدن آنرا قبول نمود»، تنها هجوم ایدئولوژیکی کاپیتالیسم را نشان می‌دهد و این چیزی است که امروزه بسیار توسعه یافته است.

کاپیتالیسم می‌کوشد محکومیت خویش از سوی سوسیالیسم را به بیگناهی مبدل سازد. در حقیقت در طول قرن بیستم کاپیتالیسم شدیداً مورد مواخذه قرار گرفته و محکوم گشت. به همین جهت پایان بخشیدن به کاپیتالیسم کار چندان دشواری نیست، اما به دلیل اشتباهاتی که قابل درک‌اند و بدان سبب که هنگامه‌ی آن کاملاً فرا نرسیده بود، این محکومیت به فروپاشی سیستم کاپیتالیسم نیانجامید و عمر آن اندکی طولانی‌تر شد. اما هیچ کس اینگونه نیاندیشد که کاپیتالیسم پا بر جاتر بوده و عمر بیشتری از آنچه تصور میشد خواهد داشت. در گذشته نیز می‌گفتند: «کاپیتالیسم قبل از پایان قرن، فرو خواهد ریخت و یا حتی کمونیسم نیز ایجاد خواهد شد» اما این اشتباه و انحرافی بیش نبود. در واقع این شکلی انحراف یافته از اتوپیا است، زیرا رئال سوسیالیسم از طرفی در

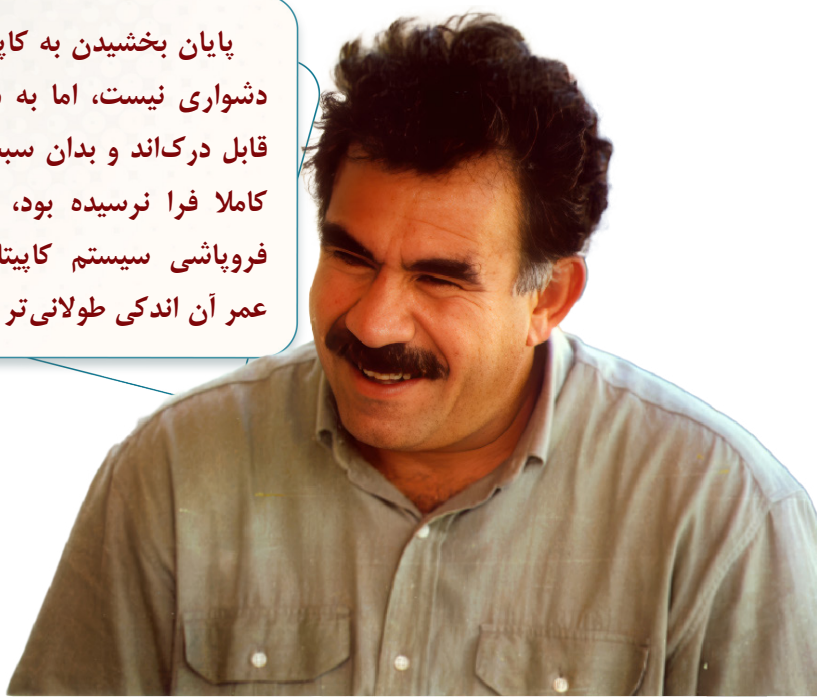
کاپیتالیسم معاصر، فاقد ایدئولوژی باشیم و یا با آن مبارزه نماییم و یا برای رسیدن به اقتدار با آن نجنگیم، بلکه ما مجبوریم جنبه‌ها و تاکتیک‌های مبارزه در مقابل کاپیتالیسم را به خوبی بشناسیم و آنها را درک کنیم.

به همین دلیل لازم است روزانه راجع به سوسیالیسم گفتگو نماییم. در این گفتگوها قبل از هر چیز باید راجع به مشکلاتی که کاپیتالیسم بر انسانیت تحمیل نموده است، بحث نمود. یعنی بحث و گفتگویی نیاز است که بتواند جلوی رخدادی را بگیرد که انسانیت و قبل از هر چیز ملت‌های ستمدیده و طبقات رنجیده را به نابودی می‌کشاند و طبیعت را به تمامی از بین می‌برد. حتی جوامع کاپیتالیستی در درون خود نیز چنین تخریباتی را انجام می‌دهند.

وضعیت بسیار عقب مانده‌تری از کاپیتالیسم قرار داشت و از طرفی دیگر ادعای حاکم نمودن سوسیالیسم را داشت. این انحراف را در حقیقت رئال سوسیالیسم به خوبی میتوان مشاهده کرد.

در واقع برای روبرو شدن با کاپیتالیسم مبارزه‌ای بسیار صبورانه‌تر لازم است.
آموزگاران و نخستین بانیان می‌گفتند که: «این مبارزه قرن‌ها ادامه خواهد داشت»، اگر تاریخ کاپیتالیسم ۱۰۰۰ سال طول بکشد، بگذار تاریخ پیشرفت سوسیالیسم نیز چند هزار سال طول بکشد. نباید از این امر گریزان بود، زیرا فشرده نمودن هر چیز در چند دهه از تاریخ غیر ممکن خواهد بود. سوسیالیسم نیز قدمتی به اندازه‌ی تاریخ انسانیت دارد و آینده‌ی آن نیز چنین خواهد بود. هنگامی که ما چنین می‌گوییم، بدان معنا نیست که در مقابل

پایان بخشیدن به کاپیتالیسم کار چندان دشواری نیست، اما به دلیل اشتباهاتی که قابل درک‌اند و بدان سبب که هنگامه‌ی آن کاملاً فرا نرسیده بود، این محکومیت به فروپاشی سیستم کاپیتالیسم نیانجامید و عمر آن اندکی طولانی‌تر شد.





پیمان ویان:

در هر شرایطی حاضر به دفاع از خلق مان می‌باشیم

برای جامعه چاره‌یابی و رهیافتی دموکراتیک به ارمغان بیاورد.

ریاست مشترک پژاک در ادامه‌ی گفتگوی ویژه با مجله آترناتیو می‌گوید: خلق مان باید در همه‌ی عرصه‌ها خود را سازماندهی نمایند. این را به صورت داوطلبانه انجام دهند تا بتوانند در این برهه‌ی تاریخی نقش آفرینی نمایند. چه از طریق سیاست مسالمت آمیز و چه از طریق نظامی برای احقاق حقوق خود توان دفاعی خود را پیشبرد داده و خود را سازمانی نمایند. ما نیز به عنوان حزب حیات آزاد کوردستان دارای نیرویی خلق محور در هر شرایطی حاضر به دفاع از خلق مان می‌باشیم.

مجله آترناتیو گفتگوی ویژه‌یی با ریاست مشترک پژاک پیمان ویان انجام داده است. پیمان ویان در این گفتگو جنگ مابین ایران و اسرائیل را ارزیابی نموده و این حملات را ناشی از نفوذ بسیار وسیعی از نیروهای موساد در ایران را بیان می‌نماید.

پیمان ویان در این دیدار تاکید بر آن دارند که خلق در آستانه انقلاب زن، زندگی، آزادی رویکرد و عملکردی را بیان داشتند که در هیچ مقطعی نیروی خارجی با مداخله نمی‌تواند

- چرا تنش میان دولت‌های اسرائیل - ایران منجر به جنگ و چنین وضعیتی شده است؟

* با توجه به اینکه جنگ میان اسرائیل - ایران در خاورمیانه به مرحله جدیدی رسیده است. یعنی جنگ میان دو نیروی هژمون‌گرا و اقتدارطلب که خواهان تحمیل نمودن حاکمیت خود در منطقه هستند، به مرحله نوینی رسیده است. در اصل جنگ خاورمیانه بعد از پدیدار شدن گروه‌های تبهکار داعش در کشورهای عربی، خصوصاً در سوریه، وارد فاز جدیدی از عملی نمودن دیزاین توسط نیروهای خارجی شد. یعنی بعد از ۲۰۱۰ نیروهای هژمون‌گرا با جنگ افروزی‌هایی در تلاش برای عملی نمودن سیاست‌هایشان در خاورمیانه بودند. سپس با شروع جنگ اسرائیل - حماس در غزه، اسرائیل - حزب الله در لبنان و سقوط رژیم بشار اسد در سوریه نیز در چارچوب ادامه‌ی جنگ‌های قبلی، جنگ‌هایی تدارک دیده بودند. یعنی از جنگ بین نیروهای افراطی با دولت‌های محافظه کار، به جنگ ما بین دولت‌های ابرقدرت با دولت‌های منطقه تغییر یافت. در واقع حمله به ایران را می‌توان اقدام به مرحله‌ی نهایی جهت گسترش جنگ

به بعد فرامنطقه‌ای توصیف کرد. مدت مدیدی بود که مذاکرات میان ایران - آمریکا صورت می‌گرفت. هر چند که بعد از سال ۲۰۱۵ این مذاکرات به حالت تعلیق درآمده بود. ولی در یک سال گذشته با از سرگیری مذاکرات به صورت فعالانه‌تر خصوصاً بعد از ۷ اکتبر می‌توان پی‌برد چه اهدافی در پی از سرگیری مذاکرات وجود داشته است. بدون شک می‌توان یکی از اهداف اساسی را تدارکات و آمادگی حمله به ایران برشمرد. بدلیل اینکه اهداف اسرائیل - آمریکا تضعیف و از میان برداشتن نیروهای نیابتی و وابسته به ایران قبل از حمله بود. چون ایران حزب الله را بعنوان یک نیروی ایدئولوژیک در منطقه سازماندهی کرده بود. بنابراین حمله به حماس و حزب الله و سقوط بشار اسد در سوریه عملاً اقدامی جهت گسترش جنگ به مرحله‌ی فرامنطقه‌ای و در راس آن به ایران بود. ایران از سویی تلاش می‌کرد از طریق مذاکرات با واگذاری امتیازات سیاسی، اقتدار و حکمرانی خود را از ورود به جنگ نجات دهد. بدین صورت نیروهای برون مرزی ایران در خاورمیانه دچار شکست و از هم پاشیدگی عمیقی شدند.

وابسته به خود، نظام ایران را سرپا نگه دارد. ولی هدف نهایی بعد از حمله نظامی به حماس و حزب الله این بود که ایران یا باید تسلیم خواسته‌هایشان شود یا فرو می‌پاشد. به هر حال ایران علی‌رغم احساس چنین خطری، منتظر حملات وسیعی در این سطح نبود که در عرض بیست و چهار ساعت، اکثر فرماندهان عالی رتبه نظامی، تأسیسات هسته‌ای و مراکز

حاکمیت ایران بعد از سرکار آمدن و سازماندهی و استقرار خود، دو راهکار اساسی را برگزید؛ ۱- در داخل ایران نهایت سرکوب و اختناق بر جامعه با نگرش دین سالاری شیعه‌گرایی، زندانی باز برای جامعه و خلق‌های ایران ساخته بود. ۲- در خارج از ایران نیز با گسترش پروژه هلال شیعه در کشورهای همسایه، نیروهای را بطور منسجم جذب و آموزش داده تا بتواند جهت تداوم جنگ و آشوب، اقدام به جنگ افروزی در خارج از مرزهای خود نماید. تا شاید بتواند از این طریق بقای عمر حاکمیت خود را تداوم بخشد.

ضروریست که خلق‌ها باید جهت حفاظت و امنیت شان تلاش و مبارزه نمایند. زیرا نه دولتمردان و نیروهای سرکوبگر حاکمیت می‌توانند امنیت خلق‌ها را تأمین نمایند و نه نیروهای مداخله‌گر خارجی می‌توانند چنین امنیتی را تأمین کنند.

آمریکا با تضعیف و فروپاشی نیروهای نیابتی، ایران را وادار به تسلیمیت و قبول خواسته‌هایش خواهد

نظامی مورد هدف قرار بگیرند. این حملات نشان از نفوذ بسیار وسیعی از نیروهای موساد در ایران می‌باشد. در حال حاضر با ادامه جنگ میان اسرائیل - ایران، تداوم و گسترش وسیع جنگ در منطقه باعث عدم توازن و تغییر معادلات سیاسی- نظامی در خاورمیانه خواهد شد.

کرد تا بتواند از لحاظ ژئوپولیتیک ایران را ناچار به تسلیمیت کرده تا بتواند سیاست‌هایش را بر ایران تحمیل نماید. بر این مینا با ایران وارد مذاکره و گفتگو شد. ایران نیز با احساس خطر، سعی در دادن امتیاز به ابر قدرت‌ها و عدم پشتیبانی از نیروهای نیابتی

- در صورت تداوم چنین وضعیتی، این جنگ چه تأثیراتی می‌تواند بر جامعه داشته باشد؟

* تداوم چنین وضعیتی بی گمان تأثیرات مخربی از لحاظ سیاسی - امنیتی بر جامعه و خلق‌های ایران خواهد گذاشت. حاکمیت ایران مدام با شعار ضرورت حفاظت و امنیت ملی و استقرار منطقه‌ای، سیاست‌های خود مبنی بر سازماندهی نیروهای نیابتی ادامه داده است. حتی واژه‌ی محور مقاومت را برای آنها بکار می‌برد. از چنین سیاست و نگرشی عیان است که هیچ گونه ارتباطی با حفاظت و امنیت خلق‌های داخل ایران نداشته است. بلکه تمامی ثروت‌ها، منابع زمینی و زیرزمینی داخل ایران را صرف خدمت به چنین نیروهای نیابتی در خارج از کشور می‌کرد و سال‌های متمادی خلق‌های ایران را بدون حفاظت و امنیت شغلی و جانی به حال خود رها کرده بود. تنها صیانت از دولت و حاکمیت در اولویت حکومت بوده است. امنیت خلق‌های ایران در حال حاضر مورد تهدید واقع شده، روزانه صدها انسان غیر نظامی کشته و زخمی می‌شوند. چنین جنگ افروزی‌هایی، جنگ برای تحقق اهداف و منافع جوامع و خلق‌های ایران نبوده، بلکه جنگ

با وقوع این جنگ باید درک نمود که سیستم دولت - ملت‌ها چه دستاوردی برای خلق‌ها به ارمغان می‌آورند. ایران در یک سده‌ی اخیر، با روی کار آمدن سلطنت رضا شاه جهت خدمت به سیاست‌های دول خارجی به صورت دولت - ملت اداره می‌شد. نظام اسلامی نیز بعد از ثبات و استقرار خود، تلاش برای سازماندهی نیروهایی در خارج کشور انجام داد که نشان از چگونگی عدم خدمت چنین نظام‌هایی با ذهنیت دولت - ملت به جامعه انسانی می‌باشند. با توجه به اینکه دولت‌های موجود در خاورمیانه با توسل به جنگ افروزی، قتل‌عام و شکنجه بوجود آمده‌اند. امروز نیز ابرقدرت‌های جهانی برای تسلیم گرفتن و تغییر چنین نظام‌هایی در خاورمیانه اقدام به جنگ‌طلبی و قتل‌عام می‌نمایند. درمی‌یابیم که جنگ افروزی‌ها و قتل‌عام‌های موجود در خاورمیانه بطور عام و خصوصاً سیاست‌های سرکوب اقشار جامعه توسط ذهنیت دولت - ملت بنیان گذاشته شده‌اند. همچنین وجود ذهنیت دین‌گرایی، مردسالاری و جنسیت‌گرایی از سوی حاکمان موجب بوجود آمدن چنین تهاجم و جنگ افروزی مداخله‌گرانه‌ای از طرف نیروهای کاپیتالیستی بر ایران می‌باشند.

افروزی نیروهای هژمونگرا می‌باشند. با گسترش و تداوم جنگ، تمامی اقشار جامعه صدمه و آسیب جانی و مالی خواهند دید و زیر ساخت‌های اقتصادی - اجتماعی دچار تزلزل و فروپاشی خواهند شد، بنابراین امنیت خلق‌ها بیشترمورد تهدید واقع شده است. **کلان شهری مثل تهران با جمعیت بیش از هجده میلیون نفر، چگونه دستور تخلیه آن از سوی جنگ طلبان صادر می‌شود!**

چنین وضعیتی در نتیجه‌ی ذهنیت و سیاست اقتدار طلبانه و جنگ افروزان‌هی دولت - ملت‌ها به وقوع می‌پیوندد. این جنگ نتیجه‌ی ذهنیت حاکمیت ایران می‌باشد، که با سرکوب جامعه بر اقتدارخود اصرار می‌ورزد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که خلق‌های ایران بایستی با اشراف کامل به این مسائل، دریابند که چنین وضعیتی در خدمت خلق‌ها و جوامع نمی‌باشد. ضروریست که خلق‌ها باید جهت حفاظت و امنیت شان تلاش و مبارزه نمایند. زیرا نه دولتمردان و نیروهای سرکوبگر حاکمیت می‌توانند امنیت خلق‌ها را تأمین نمایند و نه نیروهای مداخله‌گر خارجی می‌توانند چنین امنیتی را تأمین کنند. بایستی خلق‌ها بر حسب جغرافیایی که

در آن سکونت دارند، بتوانند با سازماندهی منسجم و همبستگی اجتماعی شان سیستم خود دفاعی خودشان را ایجاد نمایند. با توجه به جنگ‌هایی که در سال‌های گذشته در افغانستان، لیبی، تونس، یمن و سوریه روی داده‌اند. همگی نتیجه‌ی مداخلات و تهاجمات خارجی صورت گرفته‌اند. این خلق‌ها هستند که قربانی چنین مداخلات خارجی اند. دوباره یادآوری می‌نمائیم که نه نظام‌ها و حاکمان موجود و نه جنگ طلبان مداخله‌گر خارجی می‌توانند حفاظت و امنیت خلق‌ها و جوامع را تأمین نمایند. بلکه نیروی دفاع ذاتی خلق‌ها و سازماندهی‌شان توان چنین امری را دارا می‌باشند. برای خلّمان در شرق کوردستان نیز چنین راهکاری را ارائه خواهیم داد. خلّمان در شرق کوردستان سالیان متمادیست که تحت سیاست میلیتاریزه (نظامی‌گری) حاکمیت اسلامی قرار دارند. رژیم سرکوبگر ایران در شرق کوردستان نیز با ایجاد جو رعب و وحشت و دستگیری‌های خودسرانه جهت سرکوب هر گونه ناراضایتی اعتراضی از طرف جامعه اقدام به سرکوب خلق‌ها نموده است. خلّمان در شرق کوردستان مورد تهدیدی جدی از طرف رژیم سرکوبگر قرار گرفته و

دارای تجارب تاریخیست که در هر گونه شرایطی اجازه ندهد که نظامی سلطه‌گر خود را بر معیارهای آزادیخواهانه‌یشان تحمیل نماید.

- اگر چنین وضعیتی بدین منوال ادامه یابد وضعیتی اجتماعی، سیاسی و رفاهی خلق کورد چگونه خواهد بود؟

* سالهاست که دولت اقشار جامعه ایران را در حالت انتظار و سر در گمی رها کرده، که یا منتظر مداخلات خارجی باشند یا تسلیم سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی رژیم باشند. یعنی خلق را وادار به قبول یکی از این گزینه‌ها کرده است. ولی حالا خلق‌های ایران ناچار به انتخاب هیچ یک از این گزینه‌ها نیستند و خط مشی مختص به خود را دارا می‌باشند که با خط سوم شناخته شده و زنان و جوانان نقش پیشاهنگی آن را بر عهده دارند و به هیچ یک از این دو گزینه‌ای که از طرف جنگ‌طلبان ایرانی - اسرائیلی بر جامعه تحمیل می‌شود تن نمی‌دهند. خلق در آستانه انقلاب زن، زندگی، آزادی رویکرد و عملکردی را بیان داشتند که در هیچ

علی رغم اینکه خلقمان در شرق دارای تاریخی سرشار از تجارب سازمانی، نظامی و اجتماعی می‌باشند. ولی در انقلاب‌ها و قیام‌هایی که در گذشته در ایران صورت گرفته‌اند، بدلیل عدم وجود سازماندهی منسجم و عدم توان نیروی همبستگی فرا

انقلاب زن، زندگی، آزادی دارای خط سوم‌یست که می‌تواند نمایندگی تمامی خلق‌ها، مذاهب، ادیان و حتی اقشار مختلف جامعه را به عهده گرفته و اراده آنان را آزادانه منعکس ساخته و نمایندگی نماید.

حزبی جهت گذار از بحران و موانع در مقاطع حساس تاریخی از سوی نیروهای سیاسی موجود در آن زمان، نتوانسته‌اند خواسته‌های بر حق خودشان را محقق سازند. لذا منافع خلق در چنان مرحله‌ای از تاریخ بدلیل عدم اتحاد و همبستگی لازم تحقق نیافته است. اما امروزه خلق کورد در چنین وضعیتی قرار دارد که دارای نیروی عظیم دفاعی کار آزموده (متخصص)، دارای سازماندهی منسجم و جنبش آزادیخواهانه‌ی مختص به خود می‌باشد. خلق

مقطعی نیروی خارجی با مداخله نمی تواند برای جامعه چاره‌یابی و رهیافتی دموکراتیک به ارمغان بیاورد. انقلاب زن، زندگی، آزادی دارای خط سوم‌یست که می‌تواند نمایندگی تمامی خلق‌ها، مذاهب، ادیان و حتی اقشار مختلف جامعه را به عهده گرفته و اراده آنان را آزادانه منعکس ساخته و نمایندگی نماید. در خاورمیانه دیگر هیچ نیروی حاکمیتی نمی‌تواند به نیروی چاره‌یابی مبدل شود. خلق‌های خاورمیانه دارای چنین تجارب عظیمی هستند که چگونه حاکمان انقلاب‌ها را به نفع خود مصادره نموده‌اند. بدین لحاظ آماده نیستند اراده‌ی خود را به نیروهای سلطه‌گر خارجی تسلیم نمایند. دوباره تأکید می‌نمایم که خط سوم همان خط زن، زندگی، آزادی‌ست که همانند مانیفست عملکرده و دارای نگرشی فلسفی، دیدگاه و روش مبارزاتی خاص خود می باشد. خلق‌های ایران در این مقطع تاریخی بایستی در چارچوب سیاست دموکراتیک، جامعه دموکراتیک و اراده‌ی آزاد، توانمندی‌های انقلابی خود را ایجاب کنند. بایستی تمامی تنوعات ملی - مذهبی و فرهنگی ایران را نمایندگی کرده و بر خط سوم خود اصرار و پافشاری نمایند. یعنی خود را از لحاظ سیاسی -

اجتماعی و نیروی دفاعی سازماندهی نموده و سیستم دموکراتیک خود را بنیان نمایند. برای چنین خط فکری و مبارزاتی خلق کورد در شرق کوردستان توان رهبری و پیشاهنگی لازم را دارا می‌باشند. خلق شرق کوردستان خلقی نیستند که در ملی‌گرایی ابتدایی اصرار ورزند، بلکه جهت عملی نمودن سیاست دموکراتیک و همبستگی و اتحاد ملت‌ها در ایران دارای فعالیت و مبارزاتی موثر می‌باشند. همچنین خلقی سازماندهی شده هستند که در انقلاب زن، زندگی به عنوان منبع و خاستگاه مبارزاتی نقش آفرینی کردند. چون دارای سیاست دموکراتیک، فرهنگ غنی و مبارزاتی موثر می باشد.

- بسان پژاک وضعیت کنونی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

* بیش از ۲۱ سال از تأسیس پژاک می‌گذرد که استراتژی آن بر مبنای فکر و فلسفه رهبر آپو بوده و همچون جنبشی آپویی و رادیکال در شرق کوردستان فعالیت مبارزاتی خود را انجام می‌دهد. در شرق کوردستان تمامی نیروها، فعالین و حتی جامعه نیاز مبرمی به همبستگی و اتحادی فراگیر دارند. ما با اتحادی فراگیر می‌توانیم نقش نیروی چاره‌یابی و

پیروزی را بدست بیاوریم. در سال ۲۰۱۷ دکلراسیونی چند ماده‌ای برای افکار عمومی منتشر کردیم که در آن دکلراسیون نکات و موارد اساسی درج شده بودند. چنین شرایط بغرنجی را پیش بینی کرده بودیم. معتقد بودیم که ایران نیز بخشی از تغییر و تحولات منطقه و خاورمیانه می‌باشد. برای پیشگیری از تهدیدات پیش روی خاورمیانه درخواست اتحاد و همبستگی خلق‌ها به صورتی که حتی احزاب و نیروهای سیاسی در کوردستان بتوانند در آن مشارکت نمایند، نمودیم. چنین دکلراسیونی را برای افکار عمومی منتشر نمودیم که در جامعه مورد استقبال زیادی واقع شد. استراتژی ما به عنوان پژاک تنها برای خلق شرق کوردستان نبوده، بلکه برای تمامی خلق‌هایی که در جغرافیای سیاسی ایران می‌باشند نیز شامل می‌شود. زیرا هیچ خلقی بدون سایر خلق‌های دیگر ایران نمی‌تواند از حقوق و دستاوردهایش صیانت به عمل آورد. اگر خلقی همچون کوردها نتوانند از حقوق و آرمان‌های خود محافظت نمایند، خلق‌هایی همچون آذری، بلوچ، عرب و سایر خلق‌ها نخواهند توانست از حقوق و خواسته‌هایشان محافظت به عمل آورند. خلق‌ها دارای منافع مشترک زیادی بدلیل

حاکمرانی یک سیستم دیکتاتور بر ایران را دارند. بدین دلیل است که ما براتحاد و همبستگی خلق‌ها در ایرانی دمکراتیک اصرار می‌ورزیم. ما برای احقاق حقوق و خواسته‌هایمان فعالیت مبارزاتی شایسته‌ای انجام داده‌ایم و در این راه مبارزاتی شهدای گرانقدری به انقلاب نثار کرده‌ایم و در حال حاضر نیز در حال مبارزه هستیم. دهها تن از رفقایمان از سوی رژیم سرکوبگر ایران ترور و در زندان‌ها اعدام شده‌اند. بعضی از رفقایمان هنوز در خطر اعدام می‌باشند. علی‌رغم چنین هزینه‌هایی بدون هیچ تعللی بر مبارزه اصرار می‌ورزیم. چون خود را نیروی خلق می‌دانیم. ما در انقلاب زن، زندگی، آزادی درک نمودیم که نیروی فکری-فلسفی مان در میان جنبش دارای چه جایگاه ویژه‌ای می‌باشد. انقلاب زن، زندگی، آزادی تمامی مرزها و تعصبات ملی‌گرایی، مذهب‌گرایی و جنسیت‌گرایی را از میان برداشت. در عین حال مهر تاییدی بر ضرورت تاریخی اتحاد و همبستگی خلق‌ها، احزاب و تمامی نیروها بود. بنابراین خلق نیز باید آگاهانه نیروی آلترناتیو خود را برگزیده تا قربانی و ابزاری برای فرصت‌طلب‌ها و مداخله‌گران نباشند. خلق کورد دیگر خواهان

می‌توانند برای تمامی خلق‌های ایران نقش رهبری و پیشاهنگی را ایفا نمایند.

در حال حاضر ما به عنوان حزب حیات آزاد کوردستان برای هر گونه دیالوگ و دیدار با سایر احزاب و نیروها، بر مبنای سیاست دموکراتیکی که در خدمت آزادی خلق‌های ایران باشد آماده‌ایم.

- آیا تا به حال هیچ نیروی برای گفتگو با شما درخواستی صورت داده است؟

* بله، در حال حاضر بعضی نیروهای کوردی و سایر نیروها نیز در حال فعالیت می‌باشند. در میان نیروهای کورد، نیروهای خواهان گفتگو و تبادل نظر در رابطه با مرحله‌ی موجود هستند. خصوصاً پس از صدور بیانیه‌ای که ما صادر نمودیم، بعضی از نیروها با ما دیدار داشته و در مواردی همچون چگونگی برخورد و فعالیت‌های‌مان در رابطه با وضع موجود، خصوصاً در رابطه با چگونگی ایجاد اتحاد و همبستگی و نیازمندی‌های مرحله به بحث و بررسی پرداختیم. بایستی از تعصبات حزبی دوری گزیده و با نگرش و اندیشه‌ای فراحزبی برخورد نماییم. به طور مثال جهانبینی و دیدگاه ما مبتنی بر جامعه‌ی

حکمرانی و حاکمیت قدرت‌های سرکوبگر و خارجی نیستند. چون خلق کورد هزینه‌های گران‌بهای برای مقابله با نظام‌های سرکوبگر پرداخته و حاضر به قبول شهروند درجه دو و فرو دست که همچون ابزار جنگی برای منافع اشخاص و طبقه خاصی به کار گرفته می‌شوند نیستند. کردها دیگر موجودیت حقوقی - سیاسی خود را اثبات نموده و هیچ نیرویی نمی‌تواند کوردها را نادیده انگارند. همان طور که رهبر آپو نیز تاکید کردند، کوردها مراحل اثبات موجودیت ملی - اجتماعی را بدست آورده و بایستی برای تحقق آزادی خویش و پیروزی نهایی مبارزات را ادامه دهند. خلتمان برای رفع تهدیدات بایستی از لحاظ سیاسی - اجتماعی و دفاعی همچون کمیته‌های آموزشی، تندرستی و دفاع ذاتی بیشتر خود را سازماندهی نمایند.

به ویژه از لحاظ دفاع ذاتی نیز چگونگی ایجاد یگان‌های خود جهت حفاظت و دفاع از خود را بر عهده بگیرند. در انتظار قدرت‌های خارجی برای رهایی نباشند. بلکه نیروی دفاعی برای خلق ضرورتی انکار ناپذیر است تا بتوانند در برابر هر گونه تهاجم و حملات احتمالی از خود دفاع نمایند. بدین صورت

دموکراتیک، اکولوژیک و آزادی‌خواهی زن بنیان گذاشته شده است. شاید جهان‌بینی ما با سایر احزاب متمایز باشد، ولی نکات مشترک بسیاری در شرایط تاریخی موجود وجود دارند که می‌توان به صورت پلتفرم، و دیالوگ و اجتماعات دیدارهای متنوعی در این رابطه انجام دهیم و از مبدل شدن به قربانی برای نیروهای خارجی جلوگیری نماییم. بایستی سیاست و استراتژی خود در کوردستان را بنیان نهیم. بایستی نیرویی دفاعی که بتواند در خدمت منافع خلق مان باشد، ایجاد نماییم.

- پژاک چه پروژه‌ای برای حل مسألت آميز خلق‌های ایران و خلق کورد را پیشنهاد می‌نماید؟

* انقلاب زن زندگی آزادی انقلاب خلق‌ها بود. انقلابی بود که خلق‌ها با ابتکار عمل خود بر علیه ذهنیت زن ستیز و ستم حاکمیت ابتدا در کوردستان و سپس در سایر شهرهای ایران به عنوان قیام خلق‌ها تجلی یافت. بدون شک چنین انقلابی به پایان نرسیده است. خصوصیات فعال و دارایی عکس‌العمل اجتماعی در کوردستان از این انقلاب منشا گرفته است. حزب حیات آزاد کوردستان

نیز بر مبنای مانیفست زن زندگی آزادی مدت بیست و یک سال است که فعالیت مبارزاتی خویش را ارتقا بخشیده است. با حمایت خلق‌های ایران و شرق کوردستان از این فلسفه و اندیشه، نیروی سازمانی ما در بین اقشار جامعه‌ی ایرانی را عیان داشته و قدرت چاره‌یابی فلسفه و اندیشه‌ی رهبر آپو جهت حل مسائل سیاسی و اجتماعی را نشان داده است. در گنگره‌ی هفتم حزب حیات آزاد کوردستان نیز از نواقص و ضعف‌های صورت گرفته از جانب کادرهای ما در انقلاب زن زندگی آزادی، خود انتقادی سازمانی صورت دادیم که در آینده بتوانیم خواسته‌ها و انتظارات خلق‌مان را برآورده سازیم.

بر این باوریم بر اساس سیاست دموکراتیک خلق‌ها، می‌توان تمامی مشکلات سیاسی و اجتماعی خلق کورد در چارچوب خلق‌های ایران قابل حل و چاره‌یابی خواهند بود. همچنین مشکلات حقوقی و سیاسی بر اساس برخورد و نگرش دموکراتیک قابل حل می‌باشند. ما تمامی تلاش و فعالیت مبارزاتی خود را انجام داده و همزمان در این راستا، برای حفاظت و امنیت خلق‌مان تلاش‌های انجام داده‌ایم. بر این باوریم مشکلات از طریق مبارزه‌ی

مسلحانه به چاره‌یابی نخواهد رسید، ولی متقابلاً در این خصوص دولت ایران کوچک‌ترین گامی برنداشته و مدام بر سیاست انکار و امحای پافشاری کرده است. در انقلاب زن زندگی آزادی کسی مداخله‌ی نظامی صورت نداد، بلکه این خود خلق بود که ابتکار عمل را به دست گرفته و در چارچوب دفاع ذاتی فعالیت‌های مبارزاتی خود را ادامه می‌دادند.

حزب حیات آزاد کوردستان دارای نیروی فلسفه‌ی بر مبنای حیاتی آزاد و اراده‌ای مستقل می‌باشد. حزب حیات آزاد کوردستان در شرق کوردستان برای خلق دارای هویت انقلابی بوده و خلق خود جهت دستیابی به هویت ملی-دموکراتیک به سوی حزب حیات آزاد کوردستان گام برمی‌دارند. ضروریست که هر کس این واقعیت را بدون نگرشی مغرضانه دیده و از تبلیغات منفی و دشمن‌گرایانه بر ضد حزب حیات آزاد کوردستان دست بکشند. ما به عنوان بخشی از جامعه با این تصور که جامعه خود توانایی حل مشکلات را داشته است. همچنین یادآوری می‌نمایم که خلق‌مان از هیچ قدرت مداخله‌گر و فرصت طلب انتظار پشتیبانی و کمک‌رسانی ندارد. خلق‌مان باید در همه‌ی

عرصه‌ها خود را سازماندهی کنند. این را به صورت داوطلبانه انجام دهند تا بتوانند در این برهه‌ی تاریخی نقش آفرینی نمایند. چه از طریق سیاست مسالمت‌آمیز و چه از طریق نظامی برای احقاق حقوق خود توان دفاعی خود را پیشبرد داده و خود را سازمانی نماید. ما نیز به عنوان حزب حیات آزاد کوردستان دارای نیرویی خلق‌محور در هر شرایطی حاضر به دفاع از خلق‌مان می‌باشیم. در هر حال بدون دفاع ذاتی امنیت پایدار میسر نخواهد شد. خلق کورد با هیچ خلقی یا مذهب، ادیان، اندیشه‌ای در تضاد نبوده و جنگ طلب نیست. تنها در چارچوب حفاظت و دفاع از خود مبارزه می‌نماید.

لازم به ذکر است که خلق باید در هر شرایط برای هرگونه وضعیتی آمادگی لازم را داشته باشد، تا قربانی هیچ نظام و سیستمی نشده و به شهروند درجه دو تنزل نکند و دستاویز هیچ نیروی قرار نگیرد. بر اساس جهان‌بینی خط سوم خود را سازماندهی کرده و بدون شک در صورت هر گونه رویداد مناسب به نیرویی برای تحقق اهداف و آزادی در قرن بیست یکم مبدل خواهد شد.



از ایران تا چین: استفاده از داده‌های اجتماعی برای تشخیص زوال رژیم‌های اقتدارگرا

مقدمه:

**زمزمه‌های تغییر در
سایه‌های اقتدارگرایی**

رامتین صبا 

روبه فروپاشی این روزهای ایران را نمی‌توان صرفاً بر آن الگوریتم‌هایی که جنسن و دیگران ردیف کرده‌اند، انجام داد. لذا توجه به روش‌هایی که پژاک هم می‌تواند بعنوان یک جنبش مدرن و معاصر به میان آورد، با توجه به شناخت آن از حقایق ایران و کوردستان، محوری‌تر است.

فروپاشی یک رژیم اقتدارگرا نه با رژه تانک‌ها در خیابان‌ها، بلکه با خیزش مردمانی آغاز می‌شود که در همه‌جای ایران نظاره‌گرند. این نجواها، که در گفت‌وگوهای روزمره، رفتارهای اجتماعی، و حتی در لابه‌لای طنز و موسیقی نهفته‌اند، نشانه‌های اولیه‌ای از تحولات عمیق و غیرخطی در جامعه هستند. در هفته‌های اخیر، هزاران ایرانی از تهران گریخته‌اند؛ برخی در امان ماندن از حملات هوایی

می‌کوشیم مقاله‌ی حاضر را مطابق نظریات «بنجامین جنسن»، محقق آمریکایی ارایه دهیم که این روزها چگونه می‌توان وضعیت شدیداً متغیر ایران را تشریح کرد. اگرچه نظریات جنسن خیلی به روش‌های دانشگاهی و پوزیتیویستی عادت دارد، اما می‌کوشیم از نارسایی‌های آن برهیم. تحلیل روند

اسرائیل، و برخی دیگر، به گواه تحلیل داده‌های اجتماعی، با ترک شهر و تغییر در زبان و بیان خود، به نوعی علیه نظام «رأی» داده‌اند. این رفتارها و نشانه‌ها، که از کاهش اعتماد به جمهوری ولایی ایران برای حفاظت از مردم حکایت دارند، زنگ خطر خاموشی را به صدا درآورده‌اند: تغییر در گفتمان عمومی، کاهش مشارکت

به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از داده‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین، نشانه‌های زوال اقتدارگرایی را در کشورهایی مانند ایران شناسایی کرد و از این دانش برای ترویج دموکراسی بهره برد. همچنین، با نگاهی به محدودیت‌های روش‌های سنتی پیش‌بینی ناآرامی، پیشنهادهایی برای توسعه ابزارهای جدید و حمایت از جامعه مدنی ارائه می‌دهد.

**فروپاشی یک رژیم اقتدارگرا
نه با رژه تانک‌ها در خیابان‌ها،
بلکه با خیزش مردمانی آغاز
می‌شود که در همه‌جای ایران
نظاره‌گرند.**

**چالش‌های پیش‌بینی سنتی:
چرا مدل‌های کلان کافی نیستند؟**

طی دهه‌ها، دولت‌ها و پژوهشگران علوم اجتماعی تلاش کرده‌اند تا با استفاده از شاخص‌های کلان مانند نوع رژیم، تولید ناخالص داخلی سرانه، هزینه‌های نظامی، یا فشارهای جمعیتی، احتمال بروز ناآرامی را پیش‌بینی کنند. یکی از اولین تلاش‌ها در این زمینه، پروژه کموت بود، برنامه‌ای که در سال ۱۹۶۴ توسط ارتش ایالات متحده تأمین مالی شد تا مدل علمی برای پیش‌بینی انقلاب‌ها ارائه دهد. این پروژه، هرچند جنجالی، نشان‌دهنده تمایل به استفاده از روش‌های علمی برای درک تحولات سیاسی بود. در دهه ۱۹۹۰، به درخواست معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا، آل گور، سازمان سیا

اجتماعی، و هدایت انتقادهای به شخص خامنه‌ای.

این تحولات، که در نگاه نخست ظریف و پراکنده به نظر می‌رسند، از منظر نظریه سیستم‌های پیچیده معنایی عمیق دارند. فروپاشی رژیم‌های اقتدارگرا به ندرت خطی است؛ این پدیده‌ای نوظهور است که از حلقه‌های بازخورد اجتماعی، شکایات زنجیره‌ای، و تغییر در نحوه تفکر و گفت‌وگوی مردم درباره قدرت سرچشمه می‌گیرد. این مقاله

پیش‌زمینه بسیج اجتماعی هستند، شناسایی کنند. این محدودیت‌ها نشان داد که برای درک واقعی تحولات اجتماعی، نیاز به رویکردی جدید و متمرکز بر داده‌های محلی و پویا وجود دارد.

فناوری‌های نوین: دریچه‌ای به قلب جوامع

پیشرفت‌های فناوری، به‌ویژه در حوزه پردازش زبان طبیعی (NLP)، مدل‌سازی موضوعی، و طبقه‌بندی متنی، امکان تحلیل داده‌های اجتماعی را در مقیاسی بی‌سابقه فراهم کرده است. این ابزارها می‌توانند تغییرات ظریف در زبان روزمره مردم را ردیابی کنند؛ از احساسات زیربنایی گرفته تا چارچوب‌های نوظهور برای عمل جمعی. به عنوان مثال، تحقیقات نشان داده‌اند که تحلیل متون می‌تواند ترجیحات سیاسی را پیش از ظهور آن‌ها در انتخابات یا اعتراضات آشکار کند. حتی در جوامع سرکوب‌شده، که مردم ناچارند نظرات خود را از سانسورچی‌ها پنهان کنند، گفتار روزمره مملو از احساسات، باورها، و نشانه‌های سیاسی است که می‌توان آن‌ها را تحلیل کرد. جالب‌تر اینکه، این فناوری‌ها فراتر

گروه ویژه‌ای به نام گروه اجرایی شکست دولت تشکیل داد تا دلایل و زمان‌بندی فروپاشی دولت‌های مدرن را بررسی کند. این مدل‌ها نشان دادند که عواملی مانند رژیم‌های نیمه‌دموکراتیک (آنوکراسی)، نرخ بالای مرگ‌ومیر نوزادان، کاهش اقتصادی، و تفرقه میان نخبگان، خطر ناآرامی و فروپاشی را افزایش می‌دهند.

برای مواجهه با چالش‌های قرن بیست‌ویکم، نیاز به بازنگری در روش‌های ترویج دموکراسی وجود دارد. رژیم‌های اقتدارگرا، از جمله جمهوری اسلامی ایران، همچنان تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک و جوامع آزاد به شمار می‌روند.

با این حال، حتی پیشرفته‌ترین مدل‌های کلان نیز در پیش‌بینی دقیق زمان و محرک‌های ناآرامی‌ها ناکام ماندند. این مدل‌ها، که عمدتاً بر همبستگی‌های آماری تکیه داشتند، در درک دینامیک‌های محلی و غیرخطی، مانند نحوه تبدیل شکایات فردی به اقدام جمعی، ضعیف عمل کردند. به عنوان مثال، آن‌ها قادر نبودند چارچوب‌های عمل جمعی یا اقدامات روزمره مقاومت را که اغلب

تغییراتی در زبان عمومی است: کاهش اعتماد به توانایی جمهوری اسلامی برای حفاظت از شهروندان، کاهش مشارکت اجتماعی، و هدایت انتقادهای به شخص خامنه‌ای به جای کلیت رژیم. این نشانه‌ها، هرچند ضعیف، از منظر نظریه سیستم‌های پیچیده می‌توانند پیش‌درآمد تحولات بزرگ‌تر باشند.

با این حال، پیش‌بینی اینکه آیا این سیگنال‌ها به ناآرامی گسترده منجر خواهند شد، با روش‌های سنتی اطلاعاتی غیرممکن است. چارچوب‌های قدیمی، که بر هشدارهای استراتژیک و تحلیل‌های ساختاری متکی بودند، قادر به درک تغییرات ظریف و غیرخطی نیستند. در مقابل، رویکردهای مبتنی بر داده‌های اجتماعی، که زبان، رفتار، و حتی هنر را تحلیل می‌کنند، می‌توانند تصویر دقیق‌تری از خلق‌وخوی جامعه ارائه دهند. به عنوان مثال، تغییر در لحن گفت‌وگوهای اتاق‌های چت یا افزایش استفاده از طعنه در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند نشانه‌ای از نارضایتی رو به رشد باشد، حتی در شرایطی که نظارت دولتی مداوم است.

پیشنهادهایی برای آینده: دموکراسی

برای مواجهه با چالش‌های قرن بیست‌ویکم، نیاز به بازنگری در

از زبان عمل می‌کنند. الگوریتم‌ها اکنون می‌توانند طعنه و کنایه را در گفت‌وگوهای آنلاین تشخیص دهند، که اغلب به عنوان شکلی ظریف از ابراز نارضایتی در رژیم‌های اقتدارگرا ظاهر می‌شود. این توانایی‌ها، که تا چند سال پیش غیرقابل تصور بودند، اکنون به پژوهشگران و فعالان اجازه می‌دهند تا نبض جوامع را در لحظه بگیرند و نشانه‌های زوال رژیم‌ها را زودتر شناسایی کنند. چنین روش‌هایی را می‌توان برای روزهای کنونی ایران اگرچه اینترنت را قطع کرده‌اند تا از خارج با مردم ارتباط برقرار نشود، کاملاً هویداست. زیرا از طریق کامنت‌ها و نظرات مردم در صفحات مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توان نظرات آنها در مورد بقای نظام ولایی ایران یا نابودی آن را فهمید.

ایران در آستانه تحول؟

ایران، به عنوان یکی از برجسته‌ترین رژیم‌های اقتدارگرا، نمونه‌ای روشن از پیچیدگی‌های تحلیل ناآرامی ارائه می‌دهد. در هفته‌های اخیر، خروج گسترده مردم از تهران، چه به دلیل حملات هوایی اسرائیل و چه به دلیل نارضایتی عمیق‌تر، توجه تحلیلگران را جلب کرده است. تحلیل داده‌های اجتماعی، از جمله پست‌های آنلاین و گفت‌وگوهای دیجیتال، نشان‌دهنده

پراکنده در برنامه‌های آژانس توسعه بین‌المللی (USAID) و مرکز تعامل جهانی انجام می‌شد، نیازمند تمرکز و منابع بیشتری است.

حمایت خبریه‌ها از فناوری:

نهادهای خیریه می‌توانند با تأمین مالی ابزارهای دیجیتال جدید، به فعالان کمک کنند تا بهتر سازماندهی شوند و رژیم‌های اقتدارگرا از جمله ایران را به چالش بکشند. این حمایت باید با ردیابی تعاملات

روش‌های ترویج دموکراسی وجود دارد. رژیم‌های اقتدارگرا، از جمله جمهوری اسلامی ایران، همچنان تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک و جوامع آزاد به شمار می‌روند. با این حال، ابزارهای موجود برای تحلیل روندهای اجتماعی و حمایت از فعالان کافی نیستند. در این راستا، متفکران جهان چند پیشنهاد کلیدی ارائه می‌شود:

توسعه ابزارهای دیجیتال امن:

طراحی جعبه‌ابزارهای آنلاین که با شبکه‌های خصوصی مجازی (VPN) ایمن شده‌اند، می‌تواند به رهبران جامعه مدنی و دیپلمات‌ها کمک کند تا روندهای اجتماعی را تحلیل کنند. این ابزارها باید قادر باشند داده‌های محلی را با الگوهای بزرگ‌تر حاصل از تحلیل احساسات ترکیب کنند و از نظارت مخرب و بدافزارها در امان باشند.

تقویت ظرفیت‌های تحلیلی:

برخی کشورها مانند آمریکا می‌کوشند ظرفیت تحلیل داده‌های اجتماعی را در جوامع سرکوب‌شده تقویت کند ولی از نتایج حاصله برای رسیدن به منافع خود مثلاً در ایران، استفاده نکنند. این وظیفه، که پیش‌تر به‌صورت

در ایران، نشانه‌های زوال در زبان، رفتار، و کاهش اعتماد مردم به رژیم نمایان شده‌اند. با این حال، برای درک این نشانه‌ها و استفاده از آن‌ها برای ترویج دموکراسی، نیاز به ابزارها و روش‌های جدیدی است که داده‌های اجتماعی را در لحظه تحلیل کنند و پیچیدگی‌های جوامع را در نظر بگیرند.

محلی و حلقه‌های بازخورد آغاز شود، که اغلب جرقه‌های ناگهانی نارضایتی را ایجاد می‌کنند.

هشدار زودهنگام مبتنی بر

پیچیدگی: دیپلمات‌ها و فعالان به رویکردی جدید برای هشدار زودهنگام نیاز دارند که پیچیدگی‌های اجتماعی را در نظر بگیرد. به جای مدل‌های

ایستا، باید جامعه را به‌عنوان موجودی زنده تحلیل کرد که در برابر شوک‌های کوچک ممکن است به نقطه عطفی برسد.

از این نظر، عملکرد جنبش آزادیخواهی کوردستان که پژاک در چارچوب آن قرار دارد، به ابعاد تئوریک و عملی آن مجهز است و این ویژگی در سایر احزاب اپوزیسیون وجود ندارد و یا کاملاً یک نسخه از الگوریتم‌های منسوخ‌شده می‌باشند.

رژیم‌های اقتدارگرا و اکوسیستم‌های شکننده ایران

رژیم‌های اقتدارگرا، مانند اکوسیستم‌هایی در آستانه فروپاشی، تا لحظه‌ای که شوکی کوچک آن‌ها را به ورطه نابودی می‌کشانند، پایدار به نظر می‌رسند. در ایران، نشانه‌های زوال در زبان، رفتار، و کاهش اعتماد مردم به رژیم نمایان شده‌اند. با این حال، برای درک این نشانه‌ها و استفاده از آن‌ها برای ترویج دموکراسی، نیاز به ابزارها و روش‌های جدیدی است که داده‌های اجتماعی را در لحظه تحلیل کنند و پیچیدگی‌های جوامع را در نظر بگیرند. با اینحال، پژاک می‌کوشد به راهکارهایی متوسل شود که خارج از این رفتارها و عملکردهای پوزیتیویستی و شدیداً رئال دانشگاهیان جهان باشد.

زیرا درصدد است از کنژکتور منطقه و کوردستان و ایران برای رسیدن به حدفاصلی از نتایج است که از تا وقتی که مجبور نباشد، از طریق جنگ به دست نیاید و راهکارهای دمکراتیک را امتحان کند. این راهکارها اگر به نتایج مثبت برسد، در آینده پایه‌های پویایی و بقای مستحکم خواهد داشت. راهکارهای پژاک برای رهیدن از روش‌هایی است که اکثر راه‌ها را به درون میدان جنگ جهانی سوم ختم می‌کنند. در ایران هم بدون اینکه وضعیت محشرآسای جنگ جهانی سوم به میان آید، لازم است گام‌هایی با اراده سیاسی مستقل و لحاظ همه جوانت مؤلفه‌های تأثیرگذار خارجی، برداشت و به نتایج یک تغییر بنیادین در ایران رسید.

این مقاله نه تنها دعوتی است به بازاندیشی در روش‌های تحلیل ناآرامی در رژیم‌های اقتدارگرا، بلکه فراخوانی است برای اقدام: توسعه فناوری‌های نوین، تقویت جامعه مدنی، و ایجاد ظرفیت‌های تحلیلی و راهکارهای دمکراتیک (همانند آنچه پژاک می‌خواهد) که بتوانند نبض جوامع را در تاریک‌ترین لحظات بگیرند. آینده دموکراسی در گرو توانایی ما برای شنیدن زمزمه‌های تغییر در خارج از سایه‌های اقتدارگرایی است.



شکنجه‌های رنگین

بیستون مختاری

تهدید می‌نماید.

به اندازه تنش جنگ‌افروزانه از سوی ایران، سیاست نسل‌کشی فرهنگی – اجتماعی و بحرانهای لاینحل افزایش خواهند یافت. ایران فراتر از بحران در دوره کائوس قرار دارد. فقر، بیکاری، تورم و فروپاشی ساختار اجتماعی، جامعه ایران را وارد فاز تحول ذهنیتی و فرهنگی قرار داده است. دستاورد این روزهای مردم، تغییر ذهنیت بخش بزرگی از جامعه و آماده‌ساختن آن برای آغاز یک دوره نوین است. این جامعه در دوره تمرین انقلابی برای ایجاد تغییر و تحول ساختارین بزرگ قرار گرفته و هم‌اکنون خویش را در این مسیر با همه ظرفیتهای محک می‌زند.

اعتراضات و ناراضی‌های خلقی کماکان در قالب تجمعات اصناف مختلف کارگری و کارمندی، تحرکات

امروزه رخدادهای ایران به دلیل راهبردهای خشونت‌محور نظام حاکم در یک بن‌بست سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی محیط‌زیستی قرار گرفته است. نظم سیاسی نظام ایران بر محوریت سرکوب جامعه و آزادیخواهان با هدف ابقا بر سر قدرت تداوم دارد. سیاست انکار موجودیت خلق‌ها و ملیت‌ها بزرگترین مانع فراوری گشایش‌های دموکراتیک و آزادیخواهانه است. با توجه به اوضاع جاری، ایران پیش‌اروی بزرگترین مخاطرات خارجی و داخلی قرار گرفته که بیش از همه طبقات تحت ستم جامعه و زنان را

جوانان معترض در فرصت‌های مختلف، اعتراضات زنان بعلاوه مقاومت زندانیان، و گسترده‌تر از همه‌ی این‌ها اعتصاب ادامه‌دار و بسیار موثر رانندگان کامیون ادامه دارد. به دلیل این موضع‌گیری جامعه مدنی، آمار اعدام‌ها و صدور احکام سنگین زندان توسط نظام فاشیستی که تنها راه باقی‌مانده برای

ایران فراتر از بحران در دوره کائوس قرارداد. فقر، بیکاری، تورم و فروپاشی ساختار اجتماعی، جامعه ایران را وارد فاز تحول ذهنیتی و فرهنگی قرار داده است.

قرار داده است. معاملات منفعت‌پرستانه دول هژمونی جهانی با فاشیسم ایران نیز شرایط را برای جامعه مدنی معترض در داخل سخت‌تر کرده است. تورم و بیکاری و فقر ناشی از فساد نظام فاشیستی، بسیاری از اقشار و توده‌ها را بسوی اتخاذ مواضع انقلابی سوق می‌دهد. به همین دلیل اوضاع کنونی در داخل ایران بخاطر منازعات میان مرکز و پیرامون خصوصا حق‌خواهی و دموکراسی‌طلبی خلق‌ها و ملیت‌ها در پرتنش‌ترین حالت قرار گرفته است. سیاست انکار، ارعاب، شکنجه و اعدام راهبرد ایدئولوژیک حبس زنان در زندان جامعه به اسارت گرفته شده، شمار زیاد تهدیدات علیه ایران را به فرصت تبدیل نمی‌کند. چه‌بسا سرچشمه‌ی همه گرفتاری‌ها، فقر و فساد و تنش‌های نابودگر، خود نظام فاشیستی حاکم بر ایران است.

سرکوبگری و تداوم فشارها بر اقشار و توده‌های جامعه از سوی نظام فاشیست ایران با هدف تقلا برای بقا بر سر قدرت، حد و مرزی نمی‌شناسد. این استراتژی سرکوب، شکنجه و خفقان در رویارویی با خواست و اراده جامعه جهت ایجاد تحولات بنیادین در حاکمیت کشور و دمکراتیزه کردن آن، در تصادم شدید با هم قرار گرفته‌اند. افزایش ابربحران‌هایی چون بحران فقر و بیکاری و گرسنگی، بحران بی‌آبی و

او است، افزایش یافته است. لذا لازم است کمپین‌ها و کارزارهای منع شکنجه و اعدام بعنوان یک وظیفه انسانی، سیاسی و اخلاقی به اوج برسد. با مواضع خصمانه فاشیسم، آزادی، دموکراسی و برابری جامعه مدنی توسط دولت ایران در داخل و حتی در روابط خارجی مورد معامله قرار می‌گیرد. صدور احکام اعدام‌های اخیر اثبات کرد که نظام فاشیست میل به ایجاد تحولات بنیادین برای آزادی جامعه را ندارد. حفظ نظام را در اولویت با نجات جامعه، اقشار و توده‌های آن بویژه زنان

زنان، فعالان مدنی، رانندگان، روشنفکران و زندانیان سیاسی ادامه دارد.

درحالی که از بحران دارو و تورم و فقر گرفته تا بحران محیط‌زیست و بی‌آبی و بی‌برقی جامعه تحت فشارهای کمرشکن قرار گرفته، نظام

فاشیست بیش از هر زمان دیگر مردم را در تنگنای شکنجه قرار داده که نشانه ترس نظام از اراده و خواست جامعه برای تغییر و تحول می‌باشد.

در برهه کنونی، قطعاً موقعیت جامعه به نسبت مرکز و پیرامون، بخاطر تفاوت فاحش اوضاع وخیم خلق‌هایی چون کورد و بلوچ

و سایر خلق‌ها با اوضاع در مرکز حاکمیت، آشکارا بحران‌های بزرگتری را نمایش می‌دهد. موج بازداشت‌ها و ایجاد خفقان و سرکوب فعالان سیاسی و مدنی، صنفی و محیط‌زیستی در اکثر نقاط، ماهیت منفی برنامه‌ریزی‌های سیاسی سرکوب‌گرانه رژیم را بخوبی ترسیم کرده است. تا به امروز، اگرچه برنامه‌های سیاسی رژیم بصورت روزانه در همه حوزه‌ها اجرایی می‌شود، اما مقاومت مردم با آگاهی و بیداری

تخریب و نابودی محیط‌زیست، بحران دارو، نان و برق و معیشت مردم همه منبعت از سیاست‌های ضدبشری و قدرت‌طلبانه نظام جمهوری ولایتی ایران است. وضعیتی که هم‌اکنون ایران بدان رسیده، رویارویی جامعه و نظام علیه یکدیگر است که می‌رود

**با اتخاذ و اعمال سیاست‌های
تمامیت‌خواهانه و اقتدارطلبانه
داخل و خارج از ایران کل جامعه
را در یک شکنجه روانی فراگیر
گرفتار نموده است.**

سرنوشت کل کشور و خلق‌های آن را تعیین نماید.

فوق‌بحران‌های گسترده موجب رادیکال‌ترشدن آحاد و اقشار و توده‌های جامعه برای ایجاد تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده‌است. آنچه تحت نام انقلاب خلق‌ها در چارچوب جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی آغاز شده بود امروز به یمن پایداری اعتراضات و تجمعات بازنشستگان، طرفداران محیط‌زیست،

علیه موج‌های نسل‌کشی فرهنگی و اجتماعی و محیط‌زیستی علی‌رغم مشکلات بسیار، موفقیت‌آمیز بوده است. اعتقاد به این تسلیم‌نشدن این مردم در برابر نظام زورگو، برای ادامه راه مبارزات یک پایه اساسی است. موج بازداشت‌ها و تلاش نظام برای نابودی محیط‌زیست و سرکوب اعتصاب‌ها، نشان از هراس و بیچارگی رژیم در برابر خلق‌های آزادی‌خواه دارد. برنامه‌ی دیگر رژیم به منظور شکنجه‌ی مردم نیز این است که قصد دارد با توجه به بحران فراگیر اقتصادی، سیاسی و امنیتی، تدابیر امنیتی و نظامی را در اولویت برنامه‌های خویش قراردهد. از جمله این بحران‌ها، ترس از بروز بحران کمبود برق و گاز است. حاکمیت برای تمامی این دوره در شرف تدارک است.

جدا از این‌ها بی‌شک بزرگترین مسئله‌ی امروز ایران، مسئله ملیت‌ها و زنان و ساختار ظالمانه اقتصادی و سیاسی است. امروز بخوبی دیده می‌شود که برخورد نظام فاشیست با مسئله ملیت‌ها تغییری نکرده و سطح سرکوب‌ها در بلوچستان و کردستان نشان‌دهنده عدم تغییر رفتار فاشیستی است. قطعا با توسل به زندان، شکنجه و اعدام جوامع خاموش نمی‌شوند. خصوصا توده‌های جوامع بلوچستان و کردستان بصورت سیستماتیزه و از

پیش برنامه‌ریزی شده مورد حمله قرار می‌گیرند و خسران‌های آن نیز به کل خلق‌های ایران آسیب می‌رساند. این وضعیت وخیم و بحرانی نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد لذا با سرکوب خشن نه؛ بلکه با خیزش تحول‌خواهانه ریشه‌ای به پایان خواهد رسید. به دلیل اینکه بازگشت جامعه و ملیت‌های ایران به اوضاع وخیم قبل از انقلاب ژن، ژیان، آزادی مرگبار خواهد بود، پس جامعه خیزشی حاضر به بازگشت نیست و به راه خود مصرانه ادامه خواهد داد. دستاوردهای خیزش‌ها هم‌اکنون بزرگترین توشه راه مبارزاتی جامعه مدنی و نیروهای دموکراتیک شده است.

در مسیر چند دهه‌ی حاکمیت ایران خودکامگی در عرصه‌ی حاکمیت و میل وافر در جهت‌دهی به معیارها موجب شده که خواسته‌ها و مطالبات خلق‌ها، ارکان فعال جامعه، نخبگان، روشنفکران، مجامع فکری، فرهنگی، هنری، دینی، علمی، جوانان، زنان، کارگران و معلمان موجودیتی نیابد و هرگونه تلاش برای رسیدن به خواسته‌ها را در چهارچوب اغتشاش و تلاش برای سلب امنیت ملی تعریف می‌نمایند و همین امر موجب شده که اعتراضات با آرامش نسبی و مسالمت‌آمیز حل و فصل نگردد، بالعکس به بروز خشونت‌های قهری، زندان، شکنجه و قتل‌عام منتهی

می‌گردد. زیرا هرگونه گفتمانی که در آن از هویت، شناسنامه، دین و مذهبی جدای از نظام بحث شود به شدت مورد انکار قرار خواهد گرفت. هرچه بر طول عمر نظام افزوده می‌شود به همان اندازه مرکزی‌تر و نظامی‌تر گردیده و عملکردی استعمارگرانه‌تر در پیش می‌گیرد. در حال حاضر شاید برای خود ایران وضعیتی عادی باشد اما وضعیت تمامی خلق‌های ایران به سوی شرايطی بحرانی میل می‌نماید. این وضعیت را می‌توان به کودتای دایم نیز تشبیه کرد. در حال حاضر ایران تحت فشار اقتصادی بالایی قرار دارد. تحریم‌های چند دهه‌ای علیه ایران چرخه‌ی تخریبی را به همراه دارد و موازی با آن مدیریت ضعیف و خودمحوری باعث می‌شود آسیب‌های جمعی به مردم تشدید گردند. ایران هم اکنون در یک کپسول نفس‌گیر محبوس می‌باشد که راه هرگونه کنشی را ندارد. دامنه‌ی آسیب‌ها آنقدر وسیع است که کاهش و یا دیدن راهی برای چاره‌یابی ممکن نیست مگر با تغییر بنیادین در ساختار و سیاست حاکم و دیدن کارنامه‌ی بیش از چهل سال سیاست ناکارآمد. حکومت چاره‌یابی را در سرکوب شدید جامعه خلاصه نموده و در این راستا از هر تاکتیکی استفاده می‌نماید. خواسته‌های مشروع را تداخل خارجی نامیده و اعتراض را

اغتشاش. به صراحت می‌توان گفت که نظام قدرت برقرار شده به صورت مداوم در راستای تخریب اراده‌ی خلق و نابودی جنبش‌های دموکراتیک فعالیت می‌نماید.

صفحه‌های تاریخ حاکمیت ایران مملو از شکنجه، انکار، سرکوب و به‌کارگیری اشکال گوناگون خشونت در مقابل خواسته‌ها و مطالبات خلق‌ها است.

و اما دیگر زمان آن فرا رسیده است که جمهوری اسلامی این نکته را بفهمد که با راهکارهای محافظه‌کارانه، ترس و تردید و شکنجه نمی‌تواند مسائل و مشکلات را حل نماید، بدین شیوه صرفاً فرصت‌ها را برای دستیابی به راه حل دموکراتیک از دست داده و حلقه محاصره را حول خود تنگتر می‌کند. ایستار تمرکزگرایانه دولت و مسیر ملی‌گرایانه برخی از گروه‌های ناراضی در مخالفان رژیم، هیچیک نمی‌تواند به دستیابی به راه حل منجر گردد و گذار از هر دو سیاست و ایستار، نکات مهم حل مسائل هستند. لازم است نظام جمهوری ولایی ایران خود را از سیاست فشار، سرکوب، دستگیری، شکنجه، ممنوعیت و به‌دار آویختن، ایجاد ارباب و گسترش فضای امنیتی و میلیتاریزه کردن جامعه به دور نگاه دارد که تمامی این موارد علیه سیاست‌های دموکراتیک هستند. به هر اندازه دولت از ایستارها و سیاست‌های

امنیتی گذشته دور و پشیمان شود، به همان اندازه می‌تواند اعتماد خلقها و گروههای مختلف را کسب کند. همین مسئله نیز به نوبه خود می‌تواند زمینه و فرصتی را برای حل مسائل و مشکلاتی ایجاد کند که سالیان درازی است تداوم یافته‌اند. اما هم اکنون به دلیل فقدان اراده و جسارت حاکمیت برای دستیابی به راه حل دموکراتیک مسائل، راه دیگری برای مبارزه عمومی و خیزش در تمامی مسائل برای خلق باقی نمانده است.

با این اوصاف از شکنجه‌ی خلقهای ساکن در جغرافیای ایران توسط حاکمیت مرتجع و به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی مبارزه علیه شکنجه و شکنجه‌گری گریزی نیز خواهیم زد به تاریخ شکنجه در نظام ولایی جمهوری اسلامی؛

قبضه کردن قدرت از سوی جمهوری اسلامی و به انحصار درآوردن رنج و مبارزه خلقها پس از انقلاب ۱۳۵۷ به مدت بیش از چهار دهه متمادی یک سیستم شکنجه‌گر در حوزه‌ی فردی و عمومی، با رویه‌های خشک و عریان، نرم و هدفمند از لحاظ روانی و جسمی دامنگیر خلقها و جوامع به استعمار و استثمار کشیده شده نموده است.

این رژیم در همان اوان کسب قدرت، با تمام وجود یک فضای زجرآور و توأم با رعب و وحشت ایجاد نمود، زندانهای

پیشین و نوساخته را مملو از مخالفین و منتقدین کرد، رویه‌های جدیدی از شکنجه را به روشهای کلاسیک شکنجه در سنت قدرتگرایی ایرانی و رویه‌های مدرن دوره‌های گذشته از خود افزود. اعدامهای نمایشی، انواع شکنجه‌های جسمی و روحی، تجاوز به زندانیان، تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام، حقارت‌های کلامی و... از شگردهای این رژیم شکنجه‌گر از بدو تاسیس تاکنون بوده است. این رژیم نه تنها درون زندانها و بیرون آن برای خانواده‌های زندانی، بلکه کل حوزه‌های حیات جامعه را به حوزه شکنجه جمعی مبدل کرده است. با اتخاذ و اعمال سیاستهای تمامیت‌خواهانه و اقتدارطلبانه در داخل و خارج از ایران کل جامعه را در یک شکنجه روانی فراگیر گرفتار نموده است. امنیت روانی جامعه را نیز با ایجاد رعب و وحشت در داخل و ترس از وقوع جنگ و آسیب‌پذیری در خارج مورد تحدید قرار داده است. جنگ افروزی‌های رژیم در منطقه، باعث عدم استقرار و ثبات جسمی و روانی در میان خلق‌های ایران و مردم منطقه گردیده است. بیکاری، فقر، عدم وجود امنیت موجب اختلالات روانی و تحمل زجر مضاعف بر مردم گشته است. بی‌مسئولیتی عمیق و هدفمند در برابر محیط زیست در چارچوب اهداف نظامی رژیم از جمله در زمینه ساخت

سلاحهای موشکی و تلاش برای دست یافتن به سلاحهای اتمی، همچنین سدسازیهایی بی رویه و موارد دیگر موجب عدم استشمام هوای سالم برای فرد و جامعه گشته است. آلودگیهای تحمیلی رژیم بر محیط زیست، در کنار آلودگیهای اجتماعی که دولت مستبد و فاشیست ایران مسبب آن است، شکنجه را به تمامی لحظه‌های حیات اجتماعی تعمیم داده است. از سوی دیگر با سیاستهای مردسالارانه و ملی‌گرایانه‌ی خود حیات را برای زنان و ملتهای غیرفارسی به بزنگاهی دهشتناک و وخیم تبدیل کرده است، با تلفیقی از سیاستهای سرمایه‌دارانه که "ابژه شدگی زن" را به عنوان کالایی جهت کسب سود و قدرت میسر گردانده، با قوانین و مفاهیم مذهبی و مردسالارانه حجیم‌ترین فشار و شکنجه را بر زنان وارد می‌سازد. همچنین با منع آموزش به زبان و فرهنگ مادری، محروم گردانیدن ملتها از حق تعیین سرنوشت خود، ایجاد حس خود کم‌بینی و خود بزرگ‌بینی در چارچوب روابط کاراکتر استعمارگر و استعمار زده، برای ملتهای مستعمره در برابر استعمار دولت - ملت ایرانی موجبات عمیق‌تر شدن بحران شده است. تحقیر روزافزون طبقات فرودست و کارگران در برابر طبقات فوقانی و مرفه سبب ساز یک شکنجه عمومی و روانی گردید که تنها مبارزه

می‌تواند معنابخش رهایی از آن باشد. آن هم مبارزه‌ای منسجم و مستمر برای فروپاشی و براندازی این سیستم شکنجه‌گر و استقرار سیستمی دموکراتیک که تعارضات و نابرابری‌های جنسیتی، طبقاتی و ملی را از میان بردارد تنها راه برون‌رفت از بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود است.

و جان کلام اینکه باید شکنجه را با مفهوم کلی آن و نحوه اعمال آن بر فرد و جامعه مورد واکاوی قرار دهیم و صرفاً درک از شکنجه را محدود به پشت دیوارهای زندان و بازداشتگاه‌های مخوف که جهت شکستن اراده مخالفین و اعتراف‌گیریهای اجباری و وادار کردن فرد به قبول اتهامات وارده جهت پرونده سازی تصور ننماییم. درواقع نیروهای استیلاگر می‌خواهند این تقلیل‌دهی در مورد مفهوم شکنجه را بر فرد و جامعه بقبولانند تا شکنجه با مفهوم کلی آن درک نگردد. دولت و حکومت استعمارگر و استیلاگر اسلامی ایران نه تنها دارای مخوفترین بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها برای اعمال هولناک‌ترین شکنجه‌ها است؛ بلکه تمام حوزه‌های حیات اجتماعی خلقها و جوامع ایران را به یک زندان و شکنجه‌گاه تبدیل کرده است که در این نوشتار سعی گردید نظری بر جنبه‌های متعدد آن افکنده گردد.

زن، زیان، نازادی

WOMEN, LIFE, FREEDOM



تاوان سنگین سیاست اشتباه

در دو دهه‌ی اخیر، زمام داران جمهوری اسلامی با پشت بستن به سیاست دفاع از مرزها در خارج از کشور خود به سرمایه‌گذاری وسیعی برروی نیروهای پاراملیتر اقدام نمودند. که ماحصل آن سازماندهی حشدالشعبی در عراق، فاطمیون و زینبیون در سوریه، حوثی‌ها در یمن، حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین گشت. این سازماندهی‌ها

و مدیریت آنها که از طریق مستشارانی چون قاسم سلیمانی و امثال وهم صورت می‌گرفت دست آورد بزرگ و شورانگیزی برای جمهوری اسلامی بود که موجب مسرت و سرخوشی سران و مسولان حکومت گشته بود. با شروع جنگ داعش و درگیرشدن کشورهای همسایه‌ی ایران دراین جنگ و نقش آفرینی نیروهای تحت فرمان جمهوری اسلامی دراین جنگ‌ها که در زیرنام دفاع ازحرمین انجام می‌گرفت خاک ایران را در کیلومترها دورتر از مرزهای خود ازاین حملات و تهاجم‌ها مصون می‌داشت. و این مهر تائیدی بود تا دراین راه اشتباه مسمم‌تر گام برداشته و تمامی سیاست‌های خود اعم از اجتماعی و اقتصادی را بر این مبنا پایه‌گذاری نمایند. اما غافل از آنکه این سرمایه‌گذاری‌ها در خارج از مرزها منجر به فشارهای داخلی زیادی گشته است. رکود شدید اقتصادی، تورم کمرشکن، تحریم‌های دارویی و تکنیکی شیرازه ایران را ازهم پاشید. ایرانی که در دهه‌ی ۶۰ و علیرغم نوپا بودنش درجنگ با عراق با حمایت مردمی توانست هشت سال بجنگد. اما امروز همان مردمی که در آن سال‌ها از هرچیز خود گذشته بودند، دست به اعتراض و نارضایتی زدند. ولی زمام داران رژیم سرخوش‌تر از آن بودند که صدای این نارضایتی‌ها و اعتراضات را بشنوند و کماکان سیاست فشار داخلی

و مخالفان ابتدایی جمهوری اسلامی که در همان اوایل بر سر کار آمدن جمهوری اسلامی در تقابل و مبارزه علیه آن بودند. ولی به دلیل توحش غیر قابل تصور و رفتار ددمنشانه جمهوری اسلامی در آن سال‌ها زبان اعتراض فرو بسته بودند، بار دیگر به سنگر واقعی خود یعنی خیابان‌ها باز گشتند. دستاورد دیگر نیز آن بود که بدنه نظام نیز دچار شکاف گشت. به طوری حامیان و نزدیکان حکومت نیز دست به نارضایتی

و اعتراض زدند تا این حد که بالاترین مقام دینی و مذهبی شیعه در ایران (علی خامنه‌ای) که تا آن زمان تابوی شیعیان ایران بود مورد اعتراض واقع گشت. تا پیامی آشکار به سران جمهوری اسلامی باشد. اما بی‌اعتنایی و نمایش پوپولیستی سران رژیم نه تنها مردم را از مطالبات بر حق خود باز نداشت بلکه آتش زیر خاکستری بود که در اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ شعله‌ورتر شد. تمامی این اعتراضات هشدار خلق به رژیم بود تا در سیاست خود بازنگری نماید.

همسو و همگام با خلق نیز نیروهای دموکراتیک و خط سوم که اندیشه‌های رهبر آپو را نقشه‌ی راه دموکراتیک نمودن ایران و خط مشی مبارزاتی خود قرار دادند. پیاپی به رژیم ایران هشدار دادند که تنها رهیافت از کائوس در ایران، کنفدرالیسم دموکراتیک است. اما اصرار بر سیاست اشتباه، جو جامعه

را در راستای منافع سیاست خارجی در بر گرفتند. همین سبب شد تا همه‌ی راه‌ها برای نفوذ موساد در ایران گشوده شود. هرچند که نفوذ و تاثیر یهودیت و صهیونیسم در ایران ریشه‌ی تاریخی دارد اما بازهم اتفاقاتی که در دو دهه‌ی اخیر در ایران روی داد زمینه‌ی را فراهم نمود تا اسرائیل سیستم اطلاعاتی خود را در سری‌ترین لایه‌های رژیم ایران سازماندهی نماید. جمهوری اسلامی با

ایرانی که در دهه‌ی ۶۰ و علیرغم نوپا بودنش در جنگ با عراق با حمایت مردمی توانست هشت سال بجنگد. اما امروز همان مردمی که در آن سال‌ها از هرچیز خود گذشته بودند، دست به اعتراض و نارضایتی زدند.

خیال اینکه از طریق سازماندهی نیروهای پارامیتر در منطقه طرف اصلی توازن قدرت در معادلات خاورمیانه است؛ سیاست فشار و سرکوب را بر مردم به اوج رسانید. که نتیجتاً منجر به عکس العمل مردم و استارت اعتراضات در سال ۸۸ به بهانه‌ی جنبش سبز گشت. اما این اعتراضات سال ۸۸ دو دستاورد بسیار مهم را شامل بود؛ یکی آن دسته از مردم که به طور کل با ماهیت جمهوری اسلامی مخالف بودند، یعنی احزاب چپ و سوسیالیست، خلق کورد

ایران را به خفقان، سرکوب، اعدام، قتل، فشار اقتصادی کمرشکن، فقر و... تبدیل نمود. این فشارها بر جامعه و مرم سبب گشت تا خلق از هر فرصتی برای ابراز نارضایتی در چهارچوب تحصن و اعتصابات صنفی استفاده نماید. حکومت نیز هر بار به بهانه‌ی آنکه این اعتصابات و اعتراض‌ها کار عوامل خارجی یعنی آمریکا و اسرائیل است، مطالبات مردم را نادیده و لیدرهای آنان را به اعدام محکوم می‌نمود. غافل از آن که همین وصله‌ها و تهمت‌ها سبب گشت تا اسرائیل فرصت را غنیمت شمرده و از این خلاء به وجود آمده در بدنه ناراضی نظام، سیستم اطلاعاتی خود را سازماندهی نماید.

با شروع انقلاب ژن، ژبان، آزادی که نشان از عزم راسخ خلق برای تعیین سرنوشت خود به دست خود بودند، نظام جمهوری اسلامی زنگ خطر داخلی را این بار کاملاً حس نمود. اما به جای شنیدن صدای خلق، سرکوب، خفقان، زندان اعدام و ملیتاریزه کردن را به تمامی جامعه القا نمود. سیاست‌های زن ستیز و آنتی دموکراتیک که حاکمیت در پیش گرفت، کمر به نابودی ایران بست. این نیز سبب گشت تا شکاف میان مردم و حاکمیت دوچندان شود و حتی دیگر ارق ملی و مذهبی نیز نتوانست این شکاف را به هم بدوزد؛ به همین دلیل اسرائیل به راحتی توانست نیروهای اطلاعاتی خود را در ایران استتار نماید. که کشتن قاسم سلیمانی دال بر

نفوذ موساد در بدنه حاکمیت بود. با شروع جنگ اسرائیل و حماس که بهانه‌ای برای طراحی خاورمیانه‌ی جدید و اعمال شیوه نوین استعمار از طرف آمریکا و اسرائیل بود. تمامی سرمایه گذاری‌های خارجی ایران یک به یک مورد هدف قرار گرفتند و دست ایران را از مداخله در منطقه کوتاه نمودند. زنگ خطر اما این بار بسیار جدی‌تر برای ایران به صدا درآمد. سیاست‌های آنان در سوریه منجر به شکست شد. حماس و حزب الله تضعیف و به ورطه‌ی نابودی کشیده شدند. مرگ مشکوک رئیسی و ترور اسماعیل هنیه در تهران و حملات اسرائیل، رژیم را به یک باره در شوکی باور نکردنی فرو برد. کاملاً مشخص بود بعد از فروپاشی سوریه کشورهای دیگر نیز در امان نخواهند ماند.

تحلیلات و ارزیابی‌های رهبر آپو در این باره که به طور کاملاً شفاف این خطرات و وضعیت اسفبار بعد از آن را پیشبینی نموده بود. موجب گشت تا با گامی تاریخی به رسالت خود که بنیاد نهادن سوسیالیسم دموکراتیک است برآید. رهبر آپو با تمام توان سعی در بیدار نمودن ترکیه و ایران نمود که چه کائوسی در پیش روی آنها و خلق‌های خاورمیانه است در این راستا با یک پیام تاریخی که مانیفست قرن نام گرفت، پروسه‌ای را در ترکیه آغاز نمود. و هم اکنون نیز در حال پیشروی است هرچند موانعی از سوی دولت ترکیه در سر راه این پروسه قرار گرفته اما رهبر

از بی‌اعتمادی رژیم جمهوری اسلامی به خلق‌های ساکن ایران و ملت ایران است.

بعد از حمله‌ی همه‌جانبه اسرائیل به ایران که به تمامی نشان از رسوخ اطلاعاتی و نفوذ موساد در بدنه حاکمیت است؛ این سوال مطرح است که موساد چگونه تا این حد در سیستم حاکمیت و لایه‌های ایران نفوذ نموده است؟

پاسخ کاملاً آشکار است؛ اعمال سیاست فشار، سرکوب، سرپوش، اعدام، خفقان، زندان و ملیتاریزاسیون جامعه موجب بی‌اعتمادی خلق‌ها و ملت به سیستم و نظام گشت. همچنین شکاف عظیمی در بدنه رژیم نیز ایجاد گشت که فضا را برای نفوذ موساد کاملاً مهیا نمود. و اکنون برای کاملاً به زانو درآوردن رژیم ایران از آن استفاده نموده، تا تمامی معادلات رژیم را برهم بزند. هرچند که در نهایت این جنگ و تعارض به خاک ایران در راستای منافع خلق‌های ایران نیست و با جنگ و خشونت هیچگونه راه‌حلی میسر نمی‌گردد، اما بازهم نظام حکمران بر ایران با تحولات بنیادین در سیستم و سیاست کلی خود می‌تواند، با اعتماد به خلق و ملت خویش، و در بر گرفتن سیاستی دموکراتیک و عدالت اجتماعی گام در مسیر رهیافت دموکراتیک بردارد تا ملت ایران نیز به مانند غزه -فلسطین قربانی قدرت طلبی سران این کشور نشوند.

آپو با اتکا به نیروی ارادی و بینش تاریخی خود در پیش برد این پروژه مسمم است. هرچند که حرکت آزادی سال‌هاست به حاکمیت ایران گوش زد می‌نماید؛ که راه چاره برای همزیستی خلق‌ها در ایران تنها کنفدرالیسم دموکراتیک است. و حتی بعد از فروپاشی سوریه رهبر آپو به صورت مبرهن و آشکار اعلام نمود که مطلقاً نوبت به مداخله در ترکیه و ایران رسیده است. و سرانجام آن، غزه‌ای دیگر و قتل‌عام خلق است. اما زمامداران رژیم ایران بازهم با

با شروع انقلاب ژن، ژیان، آزادی که نشان از عزم راسخ خلق برای تعیین سرنوشت خود به دست خود بودند، نظام جمهوری اسلامی زنگ خطر داخلی را این بار کاملاً حس نمود. اما به جای شنیدن صدای خلق، سرکوب، خفقان، زندان اعدام و ملیتاریزه کردن را به تمامی جامعه القا نمود.

انتخابی اشتباه، به جای اعتماد به ملت و در پیش گرفتن سیاست دموکراتیک، مسیر مدرنیته کاپیتالیسم یعنی مذاکره و سازش با آمریکا را در پیش گرفت. که آن هم جز تن دادن و تسلیمیت در سیاست خارجی چیز دیگری نیست. ازطرفی فشار و سرکوب‌های داخلی که نمونه بارز آن، اعدام‌های بی‌شمار در این مدت زمان کوتاه مذاکره می‌باشد، نشان



سدهی کورد آزاد

✍ جوان تونج

روش رهبر آپو به گونه‌ای است که همیشه پ.ک.ک و خلق کورد را برای تغییر و تحول آماده می‌نماید. شک مبتنی بر علم و عشق به فلسفه‌ی حقیقی همیشه راه را بر جستجوی عمیق معنا، آزادی و حقیقت زندگی می‌گشاید. زمانی که تاریخ و حقیقت رهبر آپو مورد تحقیق قرار بگیرد، این واقعیت آشکار می‌گردد.

به دلیل ویژگی‌های اصیل و سرشت انقلابی رهبر آپو بعضاً رویکردهایش موجب مبهوت ماندن رفقا و خلق می‌شود. عملکردهای تاریخی‌اش به روش شوک است. رهبر آپو در مسئله جنس و جنسیت بسیار شفاف، صریح و دارای تحلیلاتی عمیق است. شخصیتی است که به راحتی می‌تواند تا اندازه‌ای که به ذهن هیچکس خطور نکند، منعطف و هم‌زمان، برای تحول بسیار رادیکال باشد. این متد و روش پریدن و پرواز است. یعنی زمانی

مبارزین انقلابی از تغییر و تحول نمی‌هراسند. وظیفه و نقش مبارز در جامعه پیشاهنگی تحولات انقلابی است. شاید این یکی از ارکان‌های مبارزه‌گری و گردونی باشد. اما زمانی که موضوع مبارزه‌گری و پیشاهنگی در تغییر و تحولات است، این مسئله در شخصیت رهبر آپو حقیقتی بنیادین است.

پ.ک.ک نام انقلابی‌ترین جنبش ۵۰ سال اخیر است. مبارزه آزادی کوردستان، همیشه با یک حمله انقلابی به وجود آمده است که در میان آن رهبر آپو خالق پروسه‌ی انقلاب در درون انقلاب است. دیالکتیک موجودیت پ.ک.ک متد و

که دشمنانش خیال می‌کنند به لبه پرتگاه رسیده و هیچ راهی برای خلاصی ندارد همچو عقاب پر زده و به فراز آسمان پرواز می‌کند. مثال بارز آن توطئه‌ی بین‌المللی ۱۵ شوبات ۱۹۹۹ بود که در آن زمان بریتانیایی‌ها

این خطر اکنون نیز در بیخ گوش ایران است که تنها ره یافت آن تحولی دمکراتیک و بنیادین در زمینه‌ی سیاست‌های خود و شنیدن صدای خلق‌های ساکن ایران است که آن هم با پیروی از پروژه‌ی کنفدرالیزم دمکراتیک رهبر آپو میسر می‌گردد.

برسی قرار بگیرد. زیرا در ۵۲ سال گذشته مهر پ.ک.ک بر هر گونه توسعه و پیشرفت در منطقه زده شده است. بدون شک این تصمیم پ.ک.ک بر آینده تمامی کوردستان، ترکیه و خاورمیانه تاثیر گذار است. در شمال کوردستان و ترکیه از ۲۳ اکتبر ۲۰۲۴ تا کنون وضعیتی متفاوت در جریان است. رییس م.ه.پ، دولت باغچلی در مجلس ترکیه سخنرانی کرد و گفت: بگذار رهبر پ.ک.ک عبدالله اوچالان به مجلس آمده و سخنرانی نماید و راه را بر پروسه‌ی نو باز کند. البته این ناگهانی نبود این مرحله‌ی

است که ما در ۸-۹ ماه گذشته شاهد آن بودیم چرا؟ چگونه؟ در انجام چه چیزی آغاز گردید؟

جمهوری ترکیه مبتنی بر اتفاق فاشیست آ.ک.پ - م.ه.پ در سال ۲۰۱۴ پلان به (زانو در آوردن) را طرحریزی نموده بود. بر اساس این پلان و برنامه، رهبر آپو، پ.ک.ک و خلق کورد بایستی از موضوع و بحث سیاست ترکیه خارج می‌گشت. از آن به بعد می‌بایستی ملاقات و دیدار با رهبر آپو به وجود نیاید، گریلا به طور کامل امحاء گردد و سیاست دمکراتیک باید تصفیه می‌گشت و سرانجام خلق کورد

ادعا کردند که عمر آپو ۶ ماه است، اما رهبر آپو بیش از ۲۶ سال است که در حال مبارزه و مقاومت است.

این پروسه نو چگونه و چرا شروع شد؟

جنبش آزادی کوردستان پ.ک.ک. در تاریخ ۵-۷ می ۱۲همین کنگره خود را انجام داد. بر اساس فراخوان و درخواست رهبر آپو تصمیماتی تاریخی گرفته و خود را منحل نمود. کنگره پ.ک.ک از بسیاری از زوایا مورد بحث و بررسی قرار گرفت و این گونه مشخص است باز هم مورد بحث و

باید قتل عام می‌گشت. بدین شکل ترکیه نیز به یک نیروی هژمونیک تبدیل می‌شد. امپراطوری عثمانی از نو برپا می‌شد و سلطان آن نیز اردوغان می‌باشد. حتی پلان تاجایی بود که وزیرفاشیست وقت سلیمان سویلو مرده داده بود که تا سال ۲۰۱۶ دیگر هیچکس حتی اسم پ.ک.ک را نشنود. درانجام این پلان قتل‌عام، جنگی بسیار سخت و نابودگر شروع شد. همان طور که انتظار می‌رفت ، پ.ک.ک و خلق کورد با پیشاهنگی رهبر آپو و گریلا مقاومت می‌نمود. درانجام جنگی ۱۰ ساله تقریباً ده هزار انسان جان خود را از دست دادند؛ اما جمهوری ترکیه به هدف خود نرسید. به دلیل اینکه هدفشان در راستای نابودی موجودیت خلق و از بین بردن طبیعت بود، اگر صد سال دیگر هم این جنگ ادامه پیدا می‌کرد، باید در جایی متوقف می‌شد. یا به توافق می‌رسیدند یا اینکه به تجزیه شدن ترکیه می‌انجامید. بر اساس اینکه نه کردها می‌توانند به تمامی ترکها را از بین ببرند که در واقع در هدف و نیت کردها هم از بین بردن خلق ترک وجود ندارد و نه ترکها می‌توانند به تمامی خلق کورد را از بین برده و حذف کنند. از این رو رهیافت تنها از راه عقل، اخلاق و سیاست دموکراتیک می‌گذرد.

حال هدف نهان جمهوری ترکیه در این مسئله چیست؟ ما نمی‌دانیم؛ اما اینطور که معلوم است، رهبر آپو با صبر، هوشمندی سیاسی و موضع‌گیری انقلابی خود دولت را به چاره‌یابی فرا می‌خواند. همراه با توسعه و پیشرفت داخلی برای جمهوری ترکیه تحولات و پیشرفت‌های هم در خاورمیانه با به انجام رسیدن این پروژه رهبر آپو به عمل می‌پیوندد.

بعد از جنگ اسرائیل و حماس و مداخله اسرائیل در وضعیت سوریه که منجر به انحلال پیمان سایکس پیکو و فروپاشی رژیم سوریه گشت؛ تحلیلات و پیش‌بینی‌های رهبر آپو به صورت تمام و کمال و یک به یک شکل گرفتند و سرانجام رهبر آپو با ارزیابی ده سال گذشته و تحلیل آن به باغچلی نیز پاسخ مثبت داد به طوری که رهبر آپو نشان داد که در مسئله صلح، دوست و دشمن را می‌پذیرد و تا کنون دست صلح‌طلبی هیچکسی را رد نکرده و رد هم نمی‌کند.

برادر زاده رهبر آپو و نماینده کنونی دم پارتی شهر رها، عمر اوجلان بعد از گذشت ۴۳ ماه پیام رهبر آپو را از امرالی آورد. رهبر آپو بیان داشته بود که: "من میتوانم این مسئله را از زمین جنگ و درگیری به زمین سیاسی و حقوقی بکشانم. من دارای همچنین توان و اراده‌ای هستم" و واقعا

و مطالبات دمکراتیک خود از هر فرصتی برای رسیدن به اهدافش که در راستای منافع خلق و دمکراسی است سود میگیرد. برای رهیافت مسائل و تحول در کشور ترکیه همانطور که رهبر آپو میگوید: "برای هر نوع تحول ابتدا لازم است که در ذهنیت دولت و زمامداران دولت تحول ایجاد گردد". اگر نه تلاش به فریب باشد شاهد تحولاتی در

هدف، تسلیم گرفتن ایران است که باشکستن و برچیدن بال و پرایران از لحاظ نظامی و هسته‌ای خواهند که نهایتاً او را در برابر سیستم کاپیتالیسم جهانی به تسلیم درآوردند.

دیالوگ مسولان و نمایندگان دولت ترکیه هستیم. هرچند که با توجه به تلاش‌های رهبر آپو و پ ک ک تلاش‌ها و گام‌های دولت ترکیه بسیار ناچیز است؛ اما بازهم نمیتوان نادیده گرفت. هرچند نسبت به شرایط موجود در کوردستان، ترکیه و خاورمیانه این سرعت تحولات بسیار کم است.

نیز این را عملی نمود در حال حاضر هرچقدر پرواکاسیون، تهاجم و تعارض هم وجود داشته باشد، تا اندازه‌ای زبان سیاست توسعه یافته. بعد از چند دیدار با هیئت امرالی، رهبر آپو پروسه را به گونه‌ی تزئین نمود که هم پ ک ک و هم جمهوری ترکیه را برای شروع این پروسه آماده نمود. در ۱۲همین کنگره پ ک ک ما نیز به عنوان جمعی روزنامه نگار شرکت

نمودیم. میتوان گفت سازماندهی کنگره بسیار عالی بود از یک طرف سالن‌ها و یکدست بودن حروف شعارها و عکس شهدا نمای زیبایی را آفریده بود. در کوهستان‌های کوردستان بر فراز قله‌های بلند با یک سازماندهی بی نقص، پ ک ک کنگره ۱۲همین خود را انجام داد و ما نیز همچون روزنامه‌نگار از نزدیک شاهد

گفتگو و مباحث بودیم تا راوی بر حق از آن باشیم.

ممکن است چه چیزی روی بدهد؟

فارغ از هر چیزی که پیش آید سرانجام رهبر آپو به نام نیروی آزادی و دمکراسی فرصت پیش آمده را غنیمت می‌شمارد؛ زیرا رهبر آپو به دلیل شخصیت، ذهنیت، اصالت، آرمان

شاید جمهوری ترکیه به این می‌اندیشد که با همکاری ایالات متحده آمریکا و دولت اسرائیل حمله‌ی همه‌جانبه‌ی را برای قتل‌عام و حذف فیزیکی خلق کورد انجام دهد. اما اگر اندک درک سیاسی وجود داشته باشد به خوبی میدانند که این خیال واهی است. تلاش‌های اینچنینی تنها منجر به افزایش تنش‌ها، تجزیه ترکیه، ریختن خون‌های بیشتر و تبدیل کردن منطقه به دوزخ میشود. و این در راستای هرگونه تلاش برای نادیده گرفتن خلق کورد است. زیرا خلق کورد با پیشاهنگی رهبر آپو و جنبش آزادی توانسته تا اندازه‌ی خود را سازمان دهی نموده و در تحولات منطقه نقشی اساسی و دینامیک داشته باشد.

در چند دهه‌ی اخیر جنگ‌هایی چون کوبانی، شنگال، عفرین و ۴۲ سال مبارزه در شمال کوردستان و هر چهار بخش کوردستان خلق کورد تحمیل شده که خلق کورد با اتکا به نیروی ذاتی و مشارکت افراد آزادی خواه و دموکراسی طلب و انترناسیونالیست توانسته موجودیت خود را حفظ کند و موجودیت خود را به مثابه یک خلق اثبات نماید.

اگر از زوایای دیگر به این مرحله که رهبر آپو همه‌ی ما را به مشارکت در آن فرا میخواند نگاه کنیم بدون

شک به ضرورت تغییراتی درون سازمانی که خیلی وقت است رهبر آپو آن را مورد بحث قرار داده می‌رسیم اما با این فرخوان تاریخی و پیشوازی پ ک ک از آن این تغییرات گام به مرحله عمل برمی‌دارد. برای مثال حزب کارگران کوردستان - پ ک ک ابتدا مبارزات خود را بر مبنای رئال سوسیالیسم که از اندیشه‌های مارکس و لنین الهام می‌گرفت شروع نمود اما بعد از تحول در پارادایگما و ارائه جهانبینی نو از طرف رهبر آپو که مبتنی بر جامعه دموکراتیک، اکولوژیک و آزادی زن است رهبر آپو خود را تبدیل به رهبری گردونی و سازماندهی لازم را تبدیل به سیستمی فراتر از حزب و پلاریستی نمود. اکنون با این فراخوان و مرحله‌ی که رهبر آپو شروع نموده زمان اجرایی نمودن فرا رسیده و بدون شک خلق کورد و حرکت آزادی کوردستان نیز با توجه به شرط و مرجع نو خود را سازماندهی می‌نمایند.

جمهوری ترکیه لازم است چگونه عمل کند؟

وضعیت اکنون جمهوری ترکیه به مانند ترکیه‌ی مابین ۱۹۱۹-۱۹۲۴ است. در آن زمان که جنگ جهانی اول در جریان بود امپراطوری عثمانی از هم فروپاشید و هر روز بخشی از عثمانی تجزیه می‌گشت. در آن زمان مصطفی کمال دست به دامان پیشاهنگان

کورد شد و در زمینه بین المللی نیز سیاست توازن در بر گرفت. حتی لنین را نیز دوست و همراه خطاب نمود همزمان به بریتانیا و آمریکا نیز چشمک می زد. که سرانجام آن پروژه به قتلعام کوردها ختم شد. اکنون نیز ترکیه در حالت تضعیف قرار دارد از این رو بازهم دست به دامن کوردها گشت؛ اما این را باید خوب بداند که کورد اکنون، همان کورد بدون سازماندهی و ناتوان قبل نیست که اگر جمهوری ترکیه چراغ سبز آمریکا و اسرائیل را بگیرد کوردها را قتلعام نماید. کوردهای حال حاضر با پیشاهنگی رهبر آپو و جنبش آزادی در منطقه دارای استاتوی است که از بسیاری جوانب پیشنهادهای را دریافت نموده است.

جنگ میان ایران و اسرائیل و تأثیرات آن

اینطور که معلوم است جنگ میان ایران و اسرائیل شعله ورتر میشود. هرچند اگر نه به اندازهی جنگ میان روسیه و اکراین باشد، اما تا مدتی هر دو طرف قدرت و توان تسلیحاتی و نظامی خود را آزموده و به رخ هم خواهند کشید. هدف، تسلیم گرفتن ایران است که باشکستن و برچیدن بال و پرایران از لحاظ نظامی و هسته‌ای خواهانند که نهایتاً او را در برابر سیستم کاپیتالیزم جهانی به تسلیم درآورند.

اما دراین میان روسیه و چین تا چه اندازه به این امر اجازه خواهند داد و یا اینکه ایران تا چه اندازه ممکن است مقاومت نماید در حال حاضر نمیتوان تخمین نمود. زیرا تاکنون چین، روسیه و نیروهایی که ایران سالهاست آنها را از هر لحاظ فینانسه می‌کند به کمک ایران نیامده و این توان مقاومت ایران را ضعیف میکند. درسایه‌ی جنگ اول و دوم جهانی ایران اشغال و تسلیم سیستم کاپیتالیزم جهانی گشت. این خطر اکنون نیز در بیخ گوش ایران است که تنها رهیافت آن تحولی دمکراتیک و بنیادین در زمینه‌ی سیاست‌های خود و شنیدن صدای خلق‌های ساکن ایران است که آن هم با پیروی از پروژه‌ی کنفدرالیسم دمکراتیک رهبر آپو میسر میگردد. البته این جنگ میان ایران و اسرائیل زنگ خطری جدی برای ترکیه است. که جمهوری ترکیه را به واهمه واداشته و آنان را دچار سراسیمگی نموده. زیرا به خوبی میدانند که وضعیت موجود، وضعیت چند ماه قبل نیست و نمیتوانند تحت لوای جنگ با پ ک ک برای خود مشروعیت به دست آورند و اگر پیشاهنگی رهبر آپو برای مداخله در جمهوری ترکیه نبود، عاقبت آنان نیز بسیار به دور از عاقبت ایران نبود.



مهاجرت

کلیه زانا ارومیه

در گذشته تغییرات اقلیمی و عوامل طبیعی باعث می‌شد که انسان‌ها از مکانی به مکانی دیگر کوچ کنند نه عواملی چون جنگ، فقر، بیکاری، تبعیض، بحران‌های اجتماعی، فحشا، انکار هویتی و ... که با سیستم مدرنیته‌ی سرمایه‌داری به بالاترین حد رسیده است. به طور مثال در تاریخ، هلال حاصل‌خیز، مکانی مناسب جهت تداوم حیات انسانیت بوده و به دلیل مساعد بودن شرایط اقلیمی و خاک حاصل‌خیز مقصدی مناسب برای انسان‌ها جهت تداوم زندگی و انقلاب زراعی بوده، که برای انسانیت نقش گهوارگی را ایفا کرده است.

رنسانس و توسعه‌ی غرب سبب جذب و کشش به اروپا تحت تاثیر تبلیغات و بمباران‌های ایدئولوژیکی لیبرالیسم و جزم‌گرایی در شرق به

پدیده‌ی مهاجرت از همان ابتدای تاریخ وجود داشته و در طول زندگی بشریت تا به امروز به شیوه‌های گوناگونی تداوم داشته است. مهاجرت به عنوان یکی از ارکان تغییر بافت جمعیتی در هر منطقه و جغرافیا بوده و علل ایجاد تغییرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و تاثیرات مثبت و منفی به همراه داشته است.

هر چند که پدیده‌ی مهاجرت به درازای هزاران سال است که وجود دارد اما در مفهوم امروزی به تغییر مکان یا جابجایی از یک کشور به کشور دیگر به کار برده می‌شود

ویژه در خاورمیانه و عدم توسعه یافتگی علت سیر عظیم مهاجرت به غرب و اروپا شد به ویژه پس از توسعه‌ی سیستم دولت ملت در خاورمیانه و سیاست‌های انکار و تبعیض راه را بر پدیده‌ی مهاجرت هموارتر ساخت. بعد فرهنگی نیز تاثیر به سزایی در پدیده‌ی مهاجرت دارد از یک سو با نگاهی مرفه به زندگی اروپا و غرب

بیشتر کسانی که به اروپا و غرب می‌گریزند نیز سرنوشتشان نامعلوم است اکثرا یا در دریاها غرق می‌شوند و یا اگر هم به مقصدشان برسند نیز با زندگی غیر از بردگی چیز دیگری نصیبشان نمی‌شود.

کشورهای غربی فراهم کند با تحت کنترل داشتن ابزار تبلیغاتی در حوزه‌های سینما و تکنولوژی این سیاست را به ماهرانه‌ترین شکل پیش می‌برد. در صنعت سینما با ساخت فیلم‌ها زندگی در غرب را همچون زندگی در بهشت جلوه می‌دهد و متأسفانه هستند کسانی که این گونه فریب سیاست‌های غرب را می‌خورد. ما هیچ وقت زندگی کارتون خواب‌های امریکایی‌ها را در فیلم و رسانه‌های لیبرالیستی نمی‌بینیم، یا شش میلیون بی خانمان در امریکا، در عوض در سینما و رسانه‌ها، امریکایی‌های را می‌بینیم که تماشای در پشت بام خانه‌هایشان استخر دارند یا در لندن دو میلیون کارتون خواب در حاشیه شهر را هیچوقت نمی‌بینیم.

سیاست‌های دولت‌های خاورمیانه نیز در بروز این موارد دخیل هستند سیاستی که فقر و بیکاری و تبعیض نژادی و جنسی را به سطحی رسانده که فرد برای رهای از این وضعیت راه‌حل را در مهاجرت و ترک دیار می‌بیند.

افغانی‌های که ۵ دهه است با جنگ و کشتار روبرو هستند تمام سرزمینشان میدان نبرد ابر قدرت‌ها

نگریستن و از طرفی دیگر با حملات فرهنگی لیبرالسم و به ویژه با نگاه اورینتالیستی، فرهنگ و حیات شرق و به ویژه خاورمیانه را منحط و عقب مانده دیده و تنها راه سعادت را در غرب می‌بینند این نیز سبب گریز از سرزمین مادری و فرهنگ هزاران ساله گشته است.

غرب با تحریک و تبلیغات سعی می‌کند نیروی کار ارزان برای

و نیروی ارتجاعی همچون طالبان شده است تمام رویا و آرزویشان رفتن به سوی غرب می‌باشد این نیز همان سیاست غرب برای جذب نیروی کار ارزان می‌باشد.

افغانی‌های که به جای مبارزه با استعمار و ارتجاع در سرزمین مادریشان در خارج از وطنشان با بی رحمانه ترین شکنجه‌ها روبه رو می‌شوند.

یا همان سیاستی که در قبال کوردها در شمال کوردستان توسط ذهنیت فاشیست ترکیه صورت می‌گیرد. کوردهای که در سرزمین مادریشان که کهن‌ترین خلق و نقش اجتماعی بودن انسان در تاریخ را داشته، مورد انکار و ستم قرار می‌گیرد و این نیز موجب کوچ صدها هزار کورد به اروپا و نقاط مختلف جهان شده است نکته حائز اهمیت اینکه این وضعیت نه سیاست جذب و کشش غرب و نه رانده شدن بلکه برای کوچاندن با پدیده‌ی زور خشونت عیان رو به رو هستیم به عنوان مثال سوزاندن چهار هزار روستا در شمال کوردستان به دست رژیم ترکیه در دهه‌های نود میلادی و قتل‌عام هزاران انسان به اسم فاعل مجهول توسط دولت ترکیه در کوچاندن و مهاجرت اجباری نقش اصلی را داشته است.

یا همان سیاستی که با تاسیس کشور اسرائیل موجب کوچ اجباری

فلسطینیان شد و در این اواخر با ایجاد جنگ در فلسطین و خاورمیانه این زمینه را گسترده‌تر کرد این همان سیاست سیستم مدرنیته‌ی سرمایه‌داری برای تغییر دموگرافی منطقه توسط نماینده‌ی هژمونیک خود می‌باشد همان چیزی که دولت ترکیه در مورد عفرین و سره‌کانی در پیش گرفت.

در ایران نیز این سیاست به شیوه‌های مختلفی در جریان است پس از انقلاب مردمی و مصادره‌ی آن، حکومت با اتخاذ سیاست‌های همچون صدور انقلاب و جنگ افروزی در منطقه و تغییر ساختاری در داخل، دامنه‌ی مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را بیشتر و شکاف طبقاتی در جامعه را گسترش داد. به دلیل سیاست‌ها و شیوه‌ی حکمرانی رژیم، ترس از آینده و ناامیدی در میان ایرانیان به بالاترین سطح رسیده، تا آنجای که طبق آمار فقط ۱۶ درصد ایرانی‌ها به مهاجرت فکر نمی‌کنند و آمار ایرانیان خارج از کشور بالاتر از پنج میلیون نفر تخمین زده می‌شود همچنین به دلیل نگاه ایدئولوژیکی و امنیتی رژیم در شرق کوردستان نیز، باعث بالارفتن آمار مهاجرت شده است طوری که تنها راه امرار معاش برای بعضی مناطق کورد از راه تن دادن به کولبری است که آن هم بیشتر



است اکثرا یا در دریاها غرق می‌شوند و یا اگر هم به مقصدشان برسند نیز با زندگی غیر از بردگی چیز دیگری نصیبشان نمی‌شود. این را در ویدیوهای از کمپ‌ها و اردوگاه‌های کار اجبار که به بیرون درز می‌کنند میتوان دید.

امروز نیز همان سیاست‌ها با شعله ور کردن جنگ در خاورمیانه ادامه دارد جنگ در غزه، لبنان، ایران و در ادامه عراق و ترکیه جهت تحمیل قدرت هژمونی، باعث بروز ویرانی‌ها و ناامیدی مردم از زندگی خواهد شد. باید با دانش و آگاهی در مقابل چنین سیاست‌های ایستاد و با مبارزه در راستای جامعه‌ی آزاد و دموکراتیک گام برداشت.

مواقع مورد هدف ماموران رژیم قرار می‌گیرند.

البته در مورد کورستان و بعضی از مناطق ایران، رژیم عامدانه در پی کوچاندن به ویژه جوانان است. چرا که جوانان محرکه‌ی اصلی اعتراضات به ویژه انقلاب زن زندگی آزادی بودند. حکومت عامدانه در پی ناامیدی جوانان از سرزمینشان است و با تزریق مواد مخدر و فحشا در ایران و بالاخص در کوردستان جامعه را به سمت نابودی می‌برد این نیز باعث تن دادن جوانان به هرچیزی جز مبارزه با حکومت و عاملان این سیاست‌ها می‌باشد.

بیشتر کسانی که به اروپا و غرب می‌گریزند نیز سرنوشتشان نامعلوم



ئەمىر كەرىمى: كاتى روخانى دىكتاتورىيەتمەكانە

دۆخى ئىستاي رۇژھەلات و ئىران
بەگونجاومان زانى كەوا دەقى
ناوەرۇكى بەرنامەكەتان پېشكەش
بكەين.

ناوەرۇكى رېورتاژەكە بەم شېۋە
خوارەوئە:

- لە ۱۳ى حوزەيرانەو جەنگ
و مللانىيەكى گەورە لەنئوان
ئىران و ئىسرائىلدا دەرکەوتووە،
ئەم جەنگە لە ئەنجامى چى
سىياسەتیکەو بەرپا بوو؟

* پېش ھەموو شتېك سەرەخۇشى
خۆم ئاراستەى ئەو خەلكە مەدەنيە،
ئەو منداڵ و ژن و كەسە مەدەنيانەى
كە زۆر بى گوناھانە لە شەردا گيانيان

لەبەرنامەيەكى تايبەتدا كە
لەئارىيەن تېقى بىلاو كراوئەتەو
ھاوسەرۇكى پەژاك، ئەمىر كەرىمى
جەنگى نىوان ئىسرائىل و ئىران
تاوتوئ دەكات و لەو بەرنامەيەدا
سەرنج دەخاتە سەر دۆخى
شەپكە و ئەگەر و پېشەھاتەكان
دەخاتەبەر باس. ھاوكات جەخت
لەسەر رۆل و پېگەى حىزب و
لايەنە سىياسىيەكان، رېكخراو
مەدەنييەكان لەم سەردەمەى
شەپ دەكات. لەھەمان كاتدا رۆل و
پېگەى پەژاك و ھەلوئىست و پلان
و بەرنامەكانى پەژاك دەخاتە بەر
باس.

ئىمە وەك ستافى گۆڤارى
ئالئەرناتىو لەبەر گرنگى بابەتەكە و

لە دەست داو، سەرەخۆشی خۆم ئاراستەى بنەمالەکانیان دەکەم.

ئەو شەرىى كە ئىستا لە ئارادايە بەشیکە لە شەرىكى كۆن، لەوەتەى كۆمارى ئىسلامى ئىران دامەزراو، سیاسەتیک لە ھەرىمەكە بەرپۆو دەبات، سیاسەتەى دەستیۆەردان و ھەژمونگەراییه. گروپى وابەستە بەخۆى دروست دەكات و لەمیزە ھەم گروپى شیعە ھەم گروپى تری توندپەوى لە ھەرىمەكە بەرىكخستن دەكات، بۆ نمونە حیزبۆلای لوبنان و بەشیک لەو گروپانەى كە لە عىراق یەمەن و... ھتد. بەرنامەىەكى ھەبوو بەناوى ھىلالى شیعى كە خۆى بگەيەنیت بە دەریای سپی؛ ھەلبەتە ئەو خەونیکى كۆنە، خەونیکى ئیمپراتۆرییە كە لە سەردەمى سەفەویيەكانەو ھەبوو. ھەم خۆیان بگەيەنن بە دەریای رەش و ھەم دەریای سپی ئاوا ھەژمونى خۆیان لەسەر ھەرىمەكە داسەپینن. لەگەل ئەو ھەناردەکردنى ئایدۆلۆژى توندپەوانە، یان خەياللى ئەوێ كە ببنە دەسەلاتیکى گەورە بە واستەى بە دەستخستنى چەكى ناوەكى. بىگومان ئەوانە بۆ سیستەمى جیھانى و ھەروەھا لە ھەرىمەكەیش جىگای مەترسى و ناكۆكیە. ھىچ شەرىك لە رۆژھەلاتى ناوەرەست روى نەداوە كە بە جۆرىك كۆمارى ئىسلامى ئىرانى لە پشت نەبیت. گەلانى ھەرىمەكە بە دەست

سیاسەتەكانى كۆمارى ئىسلامیەو ھەنالیینن. دەستیۆەردانەكانى لە عىراق و سوریا و ھەموو ئەو ھەرىمانە بۆتە ھۆى ئەوێ كە كیشەكان زۆر ئالۆزتر بن. دەبى بلاین كە ھەموو شتیک تەنیا كۆمارى ئىسلامى نەیکردو بەلام رۆلێكى سەرەكى ھەبوو لە گەورەبون و ئالۆزونى كیشەكان و لە ئیش و زەحمەتیەكانى كە خەلكى ناوچەكە بینویانە.

سیستەمىكى جیھانى ھەيە، ئەو سیستەمەیش بەرنامەىەكى ھەيە و گۆرانكارى گەورەى جیھانى لە سیستەمى سەرمایەداریدا لە ئارادايە بەتایبەت بۆ رۆژھەلاتى ناوەرەست بەرنامەىەکیان ھەيە. ئەو بەرنامەىە سەد سالى دواى سايكس بيكو دەيەویت ھەندیک پەيمانى نوێ دروست بکات، دەيەویت ھەم لە بواری ساختاریو ھەم لە بواری ناوەرۆکیو ھەم لە ھەرىمەكە گۆرانكارى دروست بکات. ئىران يەكێك لە ئاستەنگیە سەرەکیەكانى ئەو پرۆژەيەيە ھەم وەكو دەولەت - نەتو ھەم وەكو سیستەمى ئایدۆلۆژى و ھەم وەكو چالاکیانەى كە ھەيىو ھەم لە ناوچەكەدا. لە ئىستادا بەرنامەكانى سیستەمى جیھانى و سیاسەتەكانى كۆمارى ئىسلامى لیک دەدەن و ھەروەھا خەلكى ھەرىمەكەش ئەیانەویت لەو دەستیۆەردان و ئیش و زەحمەتیەى كە كۆمارى ئىسلامى دروستى

کردوه رزگاريان ببيت. بيگومان
سيستمى داهاتووى رۆژه لاتى
ناوه پراست بهو جوړه كې هيزه
جيهانيه كان و سيستمى سه رمايه دارى
جيهانى بهرنامه ي بۆ دارپشته له سهر
ميجوهره تى هيزى سهره كى ئيسرائيله
واتا ئيسرائيل ده بيته هيزى سهره كى
ناوچه كه له گهل هاوپه يمانى ده ولته
عهره بيه كان؛ په يمانى ئيراهيمى ده بيته
په يمانى سهره كى ناوچه كه و ئيران
له بهرام بهر نه وه دا ئاستهنگى گه وريه و
مه ترسى دروسته كات.

پاراستنى بهر ژه ونه ديه كان و نه منيه تى
ئيسرائيل بۆ نه مريكا و سيستمى
جيهانى خاليكى ستراتيژيه كه كۆمارى
ئيسلامى ليره دا هه ره شه يه، نه وانه
نه گهر كۆى بكه يته وه نه وه دينيته ئاراهه
كه نه وه شه ره ئيدى قوناخى كوتاييه بۆ
نه وه كې نه وه هه مووه فشار و ناكوكى
و شتانه ي كه چل ساله كۆمارى
ئيسلامى له گهل هيزه جيهانيه كان و
هه ريميه كان دروستى كردوه، ئيدى
كه يشتوته قوناخى كوتايى و ئيستا نه م
شه ره قوناخى كوتايى و دياريكه ره.
ميژوو سه رله نوئى دنوسرپته وه، نه وه
ميژوه نه م جاره گهل ده بنوسپته وه،
ناهيليت كه س ميژووى بۆ بنوسيت.

**- ئايا له م قوناخه ي شه ردا كه
باسى قوناخيكى نوپتان كرد هيج
ئاسويه كى ئازادى به دى ديت؟**

* خوئى شه ر به ته نيا ناتواني ت ئازادى
به ديه يني ت. ئيمه ناتوين بليين
بوخوئى ئازادى لئى ده كه وپته وه. هيج
شه ريك ئازادى لئى ناكه وپته وه مه گهر
نه وه كې شه ر و تيكوشانى گهلان بۆ
ئازادى خوئيان بكهن. نه م شه ره شه رى
بهر ژه ونه ديه، شه رى ده ولته كانه.

ئيمه وه ك گه لى كورد و بزوتنه وه ي
ئازادى به شيك نيين له و شه ره و
لايه نيك نين و له گهل نه وه شه ره يشدا
نين. ئيستا ده بينين كه نه وه شه ره
چى كيشه و گرفتيكى بۆ گهل و
ژيانى گهل دروسته كات و ده زانين چى
قوربانیه كى لئى ده كه وپته وه، نه وه كې له
ده ستماندي ت نه نيا نه وه نيه كه بيين به
په رسيكتيفيكى نه خلاقيه وه ته ماشاى
شه ر بكه ين يان باس له وه بكه ين
كه شه ر له بوارى نه خلاقيه وه چى
كاره ساتيك له گهل خويدا دينيت.

نه وه كې گه رنكه له مه وودا نه وه بيه
كه ئيمه چۆن وابكه ين كه نه وه
شه ره كارى گه ريه كى كه م ترى له سهر
كۆمه لگه ي ئيمه هه بيت، چۆن
نیه لين كه له نه نجامى نه وه شه ردا
كۆمه لگه ليه ك هه لوه شيته وه، نه يه لين
له نه نجامى نه وه شه ردا جاريكى
تر شه رخوازان و بازارگانانى شه ر
و ده سه لاتخوازان بينه وه و خوئيان
له سهر گهل حاكم بكه نه وه و جاريكى
تر چه رخي هه كى تر له ده سه لات
و بهر خودانى گهل له بهرام به ريان

برېښته وه. ئېتر له سەدەيە كى دىكەداين
 لىم سەدەيە داهاتوو دەبىت سەدەي
 ئازادى و دىموكراسى بىت؛ نابىت
 سەدەي دىپانكرندنەوى دىكتاتورىيە تەكان
 و بەرزەوندى خوازىيەكان بۆ گەل بىت.
 ئىستا ئەوئەي كە ھەيە شەپ ناتوانىت
 ئەوئە دەستەبەر بىكات كە دىموكراسى
 بىتە ئاراو، ھىچ شەپىك ناتوانىت ئەوئە
 دەستەبەر بىكات. ئەوئەي كە دەتوانىت
 ئازادى و دىموكراسى دەستەبەر بىكات
 تىكۆشانى گەل بۆخۆيەتى. ھەربۆيە زۆر
 زۆر گرنگە كە ئىمە بە پەرسپىكتىفى
 گەلەوئە تەماشاي ئەم قۇناخە بكەين،
 ئەوئەي كە گەل چۆن لىم قۇناخە
 تىپەپىت و خۆي بەپىكخستىن بىكات و
 خاوەن بپىار بىت نەيەلىت كە كەس
 بپىارى جوداى بۆ بدات.

ئەو ھىزانەي كە ئىستا لىم شەپدان
 ھىچ يەك لەوانە خىتابىكى دىموكراتىك
 يان بەرنامەيەكىان بۆ چارەسەرى
 كىشەكە نىيە، ئەوان لەشەرى
 دەسەلات و ھەژمونى و بەرزەوندەيەكانى
 خۆياندان، ئىمە ناتوانىن ئاواتەكانمان
 لەسەر ئەو شەپ ھەلچىن، ئەوئە زۆر
 بەرونى زۆر بە ئاشكرا دەللىن. بۆيە
 ئىمە لەگەل شەپ نىين، ئىمە لەگەل
 چارەسەرى و دىموكراسى و داهاتووداين؛
 ئەوئە شتىكە كە بە ھىزى گەل
 دادەمەزرىت. بىگومان گۆرانكارىيەك
 كە شەپ دىيەننىتە ئاراو لىم نىيكەوئە
 چاودپىرى دەكەين و ھەر گۆرانكارىيەك

گەل دەستىوئەردانى تىدا دەكات، گەل
 ناھىلىت كە بۆشايەكان (ئەو بۆشايەنى
 كە لىم ئەنجامى شەپ دەرەكەوئىت)
 ھىچ ھىزىكى شەپخواز يان ھىزىكى
 ھەلپەرىست بىقۆزىتەوئە.

مىژوو سەرلەنوئە دەنوسرىتەوئە، وئە
 مىژوئە ئەم جارە گەل دەنوسرىتەوئە،
 ناھىلىت كەس مىژووى بۆ بنوسىت.

**- لىم رۆژانى رابردوودا وەك پەژاك
 ئىوئە بەياننامەيەكتان دەرخت،
 باستان لىم قۇناخى نوئى شۆپشى
 ژن ژيان ئازادى كرەبوو، مەبەست
 لەوئە چىيە؟ يان پىويسىتەكانت
 لىم قۇناخى نوئەدا گەلان بە
 چى شىپوزىك نىيكى شۆپشى ژن
 ژيان ئازادى بىنەوئە؟**

* ئىمە ھەر لىم شۆپشى ژن ژيان
 ئازادى خىتابمان ئەوئەبوو: شۆپشى ژن
 ژيان ئازادى شۆپشىكى دىرژخايەنى
 بەردەوامى گەلە. تەنبا راپەرىن نىيە،
 بەشى راپەرىنى شۆپشى ژن ژيان
 ئازادىمان دىت، راستە ئەو راپەرىنە دواى
 ماوئەيەك كەمبۆوئە كەمپەنگ بۆوئە، بەلام
 ئەوئە ناياتە ئەو واتايەي كە شۆپشى
 ژن ژيان ئازادى كۆتايى پىپەتوئە،
 كەس ناتوانىت كۆتايى بە شۆپشى ژن
 ژيان ئازادى بىننىت. شۆپشى ژن ژيان
 ئازادى دەستكەوتى زۆر گەورەي ھەبوو،
 دەستكەوتى ھەرى گەورەيشى ئەوئەبوو
 كە گەلى ئىمە تواناكانى خۆى ناسى،
 واتا ئەو توانايەي ناسى كە دەتوانىت

پېشەنگايەتى بۇ گۇرۇنكارى و ئازادى و ديموكراسى بكت. ژنان تواناكاريەكانى خۇيان ناسى، ئەو ھىزە چۇن خۇى بەرپنكخستن دەكات، ئەو ھىزە چۇن خۇى وەكوو نھاد وەكو سازمان لەناو كۆمەلگەى گەلى كورددا خۇى مەترەح دەكات و چۇن داھاتوو ساز دەكات، چۇن سىستەم پىكدىنىت.

شۇرشى ژن ژيان ئازادى شۇرشى پىكھىنەرە؛ تەنيا شۇرشى روخىنەر نىيە، واتا دەبىت ئەوە بزائىن. بۇيە ئىمە لەو باوەرەداين كە كاتى ئەوە ھاتوۋە كە بەشى پىكھىنەرى شۇرشى ژن ژيان ئازادى بكەۋىتە دەورەو. ئىمە لەو باوەرەداين كە خاۋەنان و پىشەنگانى راستەقىنەى شۇرشى ژن ژيان ئازادى ئىستا لەسەر ئەوە كاردەكەن كە چۇن كۆمەلگەيەك و سىستەمىك و رىوہبەرىك بونىاد بنىين، چۇن داھاتوو بنوسنەو، وە ھەتائەو كاتە ئەو شۇرشە ھەر بەردەوام دەبىت، شۇرشىكە كە ھەتا پىنداۋىستىەكانى كۆمەلگە ھەبىت ھەتا پىۋىستى بە گۇرۇنكارى و خىتابى ئازادى و تىكۇشان و لابردنى دەسەلات ھەبىت، ھەتا پىۋىستى بە مسۇگەرکردنى ئازادى لە بوارى نەتەۋەيى و لە بوارى جنسىەتى ھەبىت، شۇرشى ژن ژيان ئازادى بەردەوام دەبىت، ھەتا كۆمەلگە و ژىنگەى خۇمان لە مەترسى دەسەلاتدارى و داگىركەرى و دەستىۋەردان ئازاد

بكەين، شۇرشى ژن ژيان ئازادى ھەر بەردەوام دەبىت وە ئىستا يەككە لە ھەستىارتىن قۇناخەكانە كە پىشەنگانى شۇرشى ژن ژيان ئازادى كە ئىمە بزوتنەۋەى خۇمان بەشىكى سەرەكى لەو دەبىنن. ئىدى پرپارى ئەوە بدەين كە چۇن داھاتوۋەك رەقەم لى بدەين.

- لە راگەياندرارەكەتاند ئىۋە باستان لەوۋە كەردبوو كەوا يەكگرتنى لايەنە كوردىەكان دروست بىت، ئەو يەكگرتنە چۇن دەبىت يان پىۋىستە بەچى شىۋازىك بىت؟

ئەمىر كەرىمى: لەم قۇناخەدا ھەلۋىست و سىاسەتى گەلى كورد زۇر زۇر دىارىكەرە، گەلى كورد دىنامىكىكى سەرەكى گۇرۇنكارى و ديموكراسىيە لە ھەرئىمەكەدا. ئىمە باش دەزائىن كە كىشەى كورد لە ئەنجامى نەبونى ديموكراسى، لە ئەنجامى نەبونى ئەقلىەتتىكى چارەسەر كەر و ديموكراتىك ھاتۆتە رۇۋەقەۋە. لە ئەنجامى سىاسەتى نكولى كردن و بە ئەمنى كردن و سەر كوتكارىدا كىشەيەك ھاتۆتە ئاراوە كە بۇ چارەسەرى ئەو كىشەيە گەلى كورد ئەوە سەد سالى خۇراگرى دەكات، وە ئىستا كاتى ئەوە ھاتووۋە كە چارەسەرى كىشەكان بىتە ئاراو؛ چارەسەرى كىشەكەيش لە سىستەمىكى ديموكراتىكدا مسۇگەر

دەبىت، بۆيە گەلى كورد، ھىزە كوردىيەكان (كاتىك باس لە ھىز دەكەم تەنيا باس لە حزبەكان ناكەم باس لە ھىزى كۆمەلگەى مەدەنى دەكەم، باس لە ھەموو چىن و توژەكانى كۆمەلگە دەكەم، ۋە پارتە سىياسىيەكان بەشكىن لەۋە) كاتى ئەۋە ھاتوۋە كە ئىمە شىۋازى چارەسەرى و نەخشەرى چارەسەرى بخەينەروو و بۆ ئەۋە كاربكەين. بەلام بۆ ئەۋە دەبىت خۇمان خاۋەن سىستەم بىن.

لە سەدەى رابردوۋ ھىزەكان رۆلگى سەرەكىان ھەبوۋە بۆ راپەرىن و خۇراگرى، ئىمە ناتوانىن نكولى لەۋە بكەين، بەلام لەمەودوا ئىدى خىتاب تەنيا خۇراگرى و راپەرىن نىيە؛ خىتاب بونىدانەن. بونىدانان كاتىك دەخىتەرۋو و دەتوانىت پىكىت كە ھىزى بونىدانەر بۆخۆى خۆى رىكخستن بكات و خۆى بونىاد نابىتەۋە. پىش ھەرشىك ئەركى سەرشانمان ئەۋەيە كە كۆمەلگەى كوردى سەرلەنۆى بونىاد بنىنەۋە، لە كاريگەرى روخىنەرى داگىركەرى و دەسەلاتدارى دوورى بخەينەۋە. بۆيە پىۋىستە خاۋەن سازى دىموكراتىك بىن، خاۋەن سازى دىموكراتىكى ژوور حزبى بىن، ھىزب بە تەنيا ۋەلامدەرۋە نىيە، ئىمەيش ھىزبىن بەلام ئەۋە دەزانىن كە ھىزب بە تەنيا ۋەلامدەرۋە نىيە. ئەۋە راست نىيە كە دواى سەد سال لە تىكۆشان ئىمە گەلى كورد

بىننىنەۋە سەر قۇناخى چل بۆ پەنجا سال لەمەۋبەر. ئەۋە كاتە لە جىھاندا ئاۋا بوو واماندەزانى كە تەنيا بە ھىزب و بەراپەرانى ھىزبى و بە راپەرىنى چەكدارى دەتوانىن ھەموو شتىك چارەسەر بكەين؛ بەلام ئەمرو دۇنيا لە قۇناخىكى تردايە. ئىمە پىۋىستەم بە رىكخستى دىموكراتىكى سەرۋەى ھىزب ھەيە، با ھىزبەكان تىيدا ھەبن بەلام دەبىت ھەندىك رىكخستن ھەبىت كە بتوانىت چاۋدىرى لەسەر ھىزبەكان بكات، بتوانىت ئىرادەيەك لەسەر ھىزبەكان دابىت.

- ئايا بەرەۋ پىرى راگەياندرۋەكەى ئىۋەۋە ھاتوۋن؟ لەنىۋ شەقامى كوردى و ھەم لەنىۋ خۆى ئىرانىش گشتىدا بەرەۋ پىرى ئەۋە بانگەۋازەى ئىۋەۋە ھاتون؟ يان ئەۋانى تر بە چى شىۋازىك بىر دەكەنەۋە لەسەر شىۋازى يەكگرتنىك كەۋا لەم دۆخەدا پىۋىست بكات؟

* كۆمەلگەى كوردى بۆ ئەۋە ئامادەيە، كۆمەلگەى كوردى لەمىژە بانگەۋازى ئەۋە دەكات كە ھىزى سەرۋەى ھىزبى ھەبىت، چونكە ھىزبەكان پەرتەۋازەن. ئىمە ئىستائىشى لەناۋدا بىت ھىزبە كوردىيەكان ئامادە نابىن بۆ يەكگرتنىكى ستراتىژى، تاۋەكو ئىستائىش سىستەمى ھىزبى كوردى

لهوه ده گهړیت که خوۍ حاکم بکات واتا هر کهس له دهسه لاتی حیزبی ده گهړیت.

ئیمه بانگه وازی بؤ حیزبه کوردیه کان ده کهین چاو له جیهانی ده ورو بهری خوتان بکه، نه نجامی دهسه لاتی حیزبی دیکتاتوریه ته، ده بیت ئه وه بزائن. ئه مړؤ کاتی روخانی دیکتاتوریه ته کانه، ئیدی هیچ کهس ناتوانیت به ناوی خهباتی نه ته وه یی دیکتاتوریه ته به سهر حیزبی کوردیدا داسه پینیت. مومکینه هندیک بلین قه ی چ ده کات با کورد دیکتاتوری هه بیت، ئیمه ده لپین زور کیشیه که

بانگه وازی ده کهین با هندیک سازی و دام و دهزگای ژورور حیزبی درووست بکهین، با بتوانین لهوۍ بریاره سیاسیه کان بدهین، با به هه ماهه نگی له گهل یه کتر بریار بدهین چونکه ئیمه ناتوانین ئه و کؤمه لگه یه له وه زیاتر له ت بکهین، ئه و کؤمه لگه یه ئیتر ناتوانین دابه شی بکهین به سهر لایه نگران و ئه ندامانی فلان حیزب و فلان حیزب.

هندیک هه ول بدهن دیکتاتوریه ته بؤ کورد ساز بکه. کؤمه لگه ی کوردی دیکتاتوریه ته قبول ناکات، نه دیکتاتوری کوردی نه دیکتاتوری غیری کوردی. ئیمه ده بیت له ئه زمونی به شه کانی تری کوردستان به راستی وانه و ئه زمون

وه برگرین. له به شه کانی تری کوردستان ده یانوانی ئه زمونی زور زور سهر که ووتر و دیموکراتیک تریان هه بیت، باشوری کوردستان و رؤژئاوی کوردستان، بؤ نمونه له رؤژئاوی کوردستان هندیک بؤ ئه وه هه ولدراوه به لام ئیستایش هه وله کان زور تیر کهر نین ده بیت زورتر هه ولدیریت. له باشوری کوردستان ئیش هه یه له بواری ئه وه ی سیستمی کی فره لایه ن به رپوه بچی، ئیستایش سیستمی حیزبایه تی لهوۍ به رپوه ده چی، ئیستایش زون زونه، ئیستایش هیزی چه کداری - هیزی چه کداری حیزبه - له کاتیکدا ئیدی سهرده می ئه وه تیپه رپوه. لهو بواره وه ئه زمونی رؤژئاوی کوردستان باشتره، به لام وه ک گوتمان ئه و ئه زمونه مومکینه بؤ رؤژه لاتی کوردستان به ته واوی نه توانیت جیگیر بیت به لام وه کو ئه زمونی دیموکراتیک مروؤف ده توانیت به هره ی لی وه برگریت.

ئیمه بانگه وازی ده کهین با هندیک سازی و دام و دهزگای ژورور حیزبی درووست بکهین، با بتوانین لهوۍ بریاره سیاسیه کان بدهین، با به هه ماهه نگی له گهل یه کتر بریار بدهین چونکه ئیمه ناتوانین ئه و کؤمه لگه یه

خاوهن شیرکەت و کارتیلی گەورە لەسەر حیسابی رەنجی ئەو گەلە، ئەو کەسانەى که لە دەرەوێ دانیشتون و لە ئیستاوێ ددانیان تیژ دەکەن بۆ ئەوێ که سبەینێ بێن لەسەر حیسابی ئەو گەلە بەرژەوێندى بۆخۆیان قازانج بکەن، ئەو کەسانەى که لە ئیستاوێ خەریکن کورسى بۆخۆیان ساز دەکەن که بێن حکومەت بکەن لەسەر ئەو گەلە؛ دەبیست پێیان بلیم خەوێهە کانتان هەلەوێشینەو ئەو گەلە ئەوێ قبول ناکات.

- واتا هیچ زەمینیەك نییه كەوا ئەوان ببن بە شتیك یان ببن بە دەسەلاتداریهكى پیاوسالاری یان ببن بە دیکتاتۆریك زەمینیەكى وا نە لە ئێراندا نە لە رۆژھەلاتی كوردستاندا نەماوێ وەكو پێشووتر كەوا دەبینین شۆرش دەکرا و دواتر کەسانیکى تر لەسەر رەنجی گەلان دادەنیشتن؟

* بەلێ ئەو زەمینیە نییه ئەو گەلە ئیتر ئیجازەى ئەو نادات. ئەو گەلە خۆبەرپۆهەرى دیموکراتیکى دەوێت، دەیهوێ خۆى بەرپۆهەریت، هەریم هەریم خۆى بریار بدات. هیچ ناوەندیک بەتایبەت ناوەندى دەرەوێ مافى ئەوێ نییه که بەو گەلە بلیت چى بکات و چى نەکات. ئەو گەلە خاوهن ئەزمونە، ئەو تەجروبه و ئیشەى

لەوێ زیاتر لەت بکەین، ئەو کۆمەلگەیه ئیتر ناتوانین دابەشى بکەین بەسەر لایهنگران و ئەندامانى فلان حیزب و فلان حیزب. کۆمەلگە دەبیست کۆمەلگەیهكى زیندوبیست که لە ناو خۆیدا ئیدى سازى و دام و دەزگای دیموکراتیک بونیاد دەنیت، خۆى بەرپۆه دەبات وە هاوکات دەتوانیت لەسەر هەموو گەلانى تر کاریگەرى بکات. کۆمەلگەیهك که ئیمە پەرتەوازەى بکەین چۆن دەتوانیت ئیتر ئەو کارەى بکات.

حیزبەکان ئیستایش لە فکرى ئەوێدان چۆن هەریهکەى زۆنیک بۆخۆى دابنیت هەرنیمیک بۆخۆى دابنیت، ئیمە ئەوێ بە مەترسیدار دەبینین. ئیمە ئەوێ بە ئاشکرا بە گەل دەلێین کەسانیک هەن که لە ئیستاوێ کیسە دەدورن که چۆن سبەینێ بەرژەوێندى ماددى بۆخۆیان درووست بکەن و خۆیان دەوڵەمەند بکەن لەسەر حیسابی رەنجیک که ئەو گەلە داوێهەتى. ئەو گەلە سەد سألە که ئەشکەنجە دەبینیت و کۆچەر دەبیست، ئیعدام دەکریست. بەتایبەتى لەم چل پەنجە سألەى داویدا ئەو گەلە لە ئاستى هەرى بالادا ئیشى کێشاوێ. بۆیه کەس بۆى نییه لەسەر ئەساسى رەنجى ئەو گەلەوێ حسابى جودا بۆخۆى بکات.

ئەو کەسانەى که دەیانەوێت ببە

ئەو گەلە كە پېشتەر دىۋىيەتى ئەمىرۇ رەنگ دەداتەۋە. گەلپكىسى سىياسى و خاۋەن ئەزمونە، بە سەدان و ھەزاران كەسى شايستە و پېگەشتتو و سىياسى و ئەكادىمىسىيەنى ھەيە، ئەو گەلە دەتوانىت خۆى بەرپوۋەبەرپىت، ئىدى حىزب ناتوانىت خۆى بكتە ھەمەكارە؛ ھىچ حىزىپك، ئەۋەى زۆر بە ئاشكرا دەلپىن. تەنبا ئاتمۇسفىرپكى كە حىزب دەتوانىت خۆى تىدا بكتە ھەمەكارە ئاتمۇسفىرى دەمارگىرى حىزىپىيە واتا ئەۋەى كە ئىمە بە لايەنگران بلپىن دژبەرى ھەموو حىزبەكانى تر بكەن، ئەۋان بە لايەنگران بلپىن دژبەرى ھەموو حىزبەكان بكەن. ئەو خىتابەى كە نە يەكگرتتى، ئەو خىتابەى كە حىزبەكان دەسەلاتخۋازى خۇيان لەسەرەۋە بەرپوۋە دەبەن؛ لە ژرەرەۋە ئەو دەمارگىزىيەى كە لە ناۋ ئەندامانىندا بەرپوۋەى دەبەن، لە داھاتوودا دەتوانىت مەترسیدارىپىت. ئەزمونى شۆرشى سالى ۱۳۵۷، ئەزمونى شەرى ناۋخۋى كوردمان ھەيە لەو بوارەۋە، ئەزمونى شەرى حىزبى دىموكرات و كۆمەلە؛ گەلى رۆژھەلاتى كوردستان ئىتر نابىت مۇلەتى دوبارە كوردنەۋەى ئەو ئەزمونە بدات و نايشيدات.

ھەر بۇيە ئىمە بانگەۋازى بۇ حىزبەكان دەكەين بەر لە دەمارگىزى بگرن. ئىمە ئاگادارىن كەسانىك دەمارگىزى بەرپوۋەدەبەن. ھىچ حىزىپك ناتوانىت

حىزىپكى تر بسىرپتەۋە لە مەيدان، ھىچ ھىزىپك ناتوانىت ھىزىپكى تر، ھەر جۆرە ھەۋلەدانىكى لەو جۆرە دەتوانىت لە داھاتوۋ شەرى لى بكەۋىتەۋە، دەتوانىت كارىگەرى زۆر زۆر خراب و روخىنەر لەسەر كۆمەلگەى كورد و دەستكەۋتەكان بكت. گەلى كورد مۇلەتى ئەۋە نادات، ئىمەيش مۇلەتى ئەۋە نادەين بەراستى. بۇيە بانگەۋازى ئەۋە دەكەين ھەندىك دامودەزگاي زوور حىزبى ھەبىت، دامودەزگاي بە ئىرادە و دىموكراتىك رىگە بەۋە نەدەن. بۇ نمونە ناۋەندى برپارەكان، ئەۋەى كە چۆن ھەلسوكەۋت بكەين، ئەۋەى كە لەگەل دەۋلەتى ئىران چۆن ھەلسوكەۋت بكەين لەگەل ئەو رژىمە، ئەو رژىمە بروخىت يا لاۋاز بىت، كەسانىكى تر ھەبن چۆن ھەلسوكەۋت بكەين لەگەل ئەۋان، خىتابمان بۇ سەرانسەرى ئىران چۆن بىت، خىتابمان بۇ كۆمەلگەى نپونەتەۋەى چۆن بىت، ئايا ھەر حىزبى بىت؟ ھەر حىزىپك بچىت بە بەرنامەيەكى جوداۋە؟ يان خىتابىكى يەكگرتومان ھەبىت، ئەۋە زۆر زۆر گرنگە. ھەتا ھىزە نپونەتەۋەىكان ئەمىرۇ چاۋەروانىان ئەۋەيە كە كورد بەيەك خىتابەۋە بچىت بۇ لايان، بەلام تا ئىستا ئەۋە ديار نىيە.

من ئەۋە بە ئاشكرا ئەلپم ئەۋە ھەلەيە كە چاۋەروانى لە حىزبەكان بكەين بۇخۇيان بەرەۋە پىرى ئەۋە

بېن. ئىستائىش كە ئىستايە حېزبەكان
 ھەر باس لە دەسەلاتخوآزى دەكەن.
 رەبەران ھەمان رەبەرانن، سىستەم
 ھەمان سىستەمە، زۆربەى حېزبەكان
 كۆنن، سىستەمى رەبەرىەت كۆنە،
 زەننەت ئىستائىش زەننەتى پياوسالارى
 دەسەلاتخوآزى، ئەو ە بە ئاشكرا
 دەللىن ەو ەكوو رەخنە دەللىن چونكە
 دەمانەوئىت پئىش لە مەترسىەكان
 بگرىن. بۆيە بانگەوازى لە ەيزى
 دىموكراتىكى كۆمەلگەى كورد دەكەين،
 بانگەوازى لە ژنان و رۆشنىريان دەكەين،
 بانگەوازى لە كەسانىكى خەمخۆر
 دەكەين كە ئەوانە دەستپىشخەرى
 بگرنە دەست، ئەوانە كۆمىتەى تايبەت
 و دەستپىشخەرى بۆ ئەو ە ساز بكەن،
 با بئىنە لای ەك؛ ەك بە ەكى
 حېزبەكان، بئىنە لای ئىمەيش بزائن
 چى شتىك دەبئتە ەوآكار كە لە
 قۇناخىكى مېژوووى ەك ئەمړۆدا كە
 چارەنوسى گەلى رۆژھەلاتى كوردستان
 و چارەنوسى گەلى كورد بە گشتى
 لە رۆژھەلاتى ناوەرآست ديار دەكرئت،
 چى شتىك دەبئتە ەوآكار ئەو ەى كە
 ئىمە نەتوانىن ەندىك ئاتمۆسفېرىكى
 دىموكراتىكى گفگوگۆ و ەكگرتن ساز
 بكەين، ەتا ئىستا ئاتمۆسفېرىك ساز
 نەبوو ە كە ەيزە كوردىەكان لەوئىدا
 بېن لەگەل ەكتر قسە بكەن و ەكتر
 رەخنە بكەن، لە ئەنجامدا بگەن بە
 ەندىك خالى ەابەش چونكە ەست

بە ەىچ زەختىك لەلایەن كۆمەلگەى
 دىموكراتىكەو ە ناكەين، كاتى ئەو ە
 ەاتو ە كە ئەو زەختە ساز بكرئت.
 بۆيە بانگەوازى دەكەين حېزبەكان
 ئايدۆلۇژيان چىيە و بەرژەوندیان چىيە
 بابئت. حېزب سىاسەتى خۆى ەيە
 با بەرپو ەى بەرئت بەلام ناتوانئت
 سىاسەتىكى گشتگرى دىموكراتىكى
 بۆ كۆمەلگەى كورد نەبئت، ئەو ە
 دەبئتە خۆ داسەپاندن، و ەىچ كەس
 نابئت مەجالى خۆ داسەپاندنى ەبئت،
 سالى ۱۳۵۷ نىيە، ەەرکەس دەبئت
 ئەو خەوانە لە بىر بكات، تەجرو ەى
 رۆژھەلاتى كوردستان؛ تەجرو ەى
 باشووريش نىيە، زۆن و مۆن و شتى
 وا ساز نابئت لىرە، دەسەلاتى حېزبى
 فلان ەرئىم و فلان ەرئىم ساز نابئت.
 ئەگەر دەسەلاتىك ساز بئت؛ رپو ەرى
 گەلە، رپو ەرى دىموكراتىكى گەلە،
 دەبئت لە ئىستاو ە ئامادەكارى بۆ ئەو ە
 بكەين كە مەجالىسى گەل ساز بكەين،
 دەبئت لە ئىستاو ە ئامادەكارى بۆ ئەو ە
 بكەين كە ەموو بىر و بۆچون و فكر
 و ئايدۆلۇژىيەكى تىدابئت؛ چەپى تىدابئت،
 ئىسلامى تىدابئت، لىبرالى تىدابئت
 ەەرکەسى تىدابئت. ەموومان دەبئت
 بزائىن لە چى نوقتەيەكدا خزمەت بەو
 گەلە دەكەين.

**- لە راگەيەندراو ەكى پەژاكدا
 باس لەو ە كراو ە كە پاراستنى**

گەل و کۆمەلگە بکریت، مەبەستتان لە پاراستن چییە یان بەچی شیوازیك ئەوە دەکەن؟

بەس لە مژاری چەکداریدا من
دەمەوێت یەک شت بەروونی و بە
ئاشکرایى بلیم زۆر شەفاف ئەوە دەلێن
زۆربەى حیزبە کوردیەکان بەجۆریکی
تەجرووبەى خەباتی چەکداریان ھەیە،
راستە ئیستاکە بەشیک لە حیزبەکان
چەکیان لێ سەندراوەتەو (واتا
زۆربەیان) وە بەجۆریک مەعامەلەى
پەنابەرى و شتیان لەگەڵ دەکریت،
بەلام زەمینەى چەکدارى ھەیە، ئیمە

* لەویدا زۆر بەرونی باسمان لەو
کردوو ھەر جۆرە مەترسیەک،
مەترسی کۆمەلکوژی لەسەر گەل
ھەبێت، ئیمە بە ئەركى خۆمانى
دەزانین کە گەل بپارێزین بێگومان
ئەو مژاری چەکدارى دەگرێتەو، ئەو
نایاتە ئەو واتایەى کە ئیمە

ھەركەس دەیهوێت کە تابلۆیەکی
مەترسیدار لە ئیمە و لە گەلى کورد
ساز بکات واتا کورد وایە و خۆیان
بۆ شەر و ھێرش ئامادە دەکەن لەو
بوارەو تەحریرى ساز دەکەن، ھەم
دەوڵەتى ئێران و ھەم تورکیا لە پشٹی
ئەو تەحریرکەيە.

شەر رادەگەيەنین. چونکە
ھەركەس دەیهوێت کە
تابلۆیەکی مەترسیدار لە ئیمە
و لە گەلى کورد ساز بکات
واتا کورد وایە و خۆیان بۆ
شەر و ھێرش ئامادە دەکەن
لەو بوارەو تەحریرى ساز
دەکەن، ھەم دەوڵەتى ئێران
و ھەم تورکیا لە پشٹی ئەو
تەحریرکەيە. دەیانەوێت گەلى

ئەو بە
مەترسیدار دەبینین کە چەک لەژێر
قۆرخکاری حیزبدا بێت، ئەگەر
ھێزى پراستەن ھەبێت دەبێت ئەو
ھێزە ھێزى پراستەن ئەو گەلەبێت،
دەبێت ئەو ھێزە لەبن چاودێرى دەزگا
و ریکخراوى دیموکراتیکى گەل بێت،
نابى ھێزى چەکدارى حیزبى ھەبێت،
ھێزى چەکدارى حیزبى دەکەوێتە
خزمەت بەرژووەندى تايبەتى حیزبى،
دەکەوێتە خزمەت دەمارگیری حیزبى،

کورد و ئیمە بە مەترسیدار پيشان
بدەن، بابەتەکە ئەوینیە، بابەتەکە
شەرخوازی نییە، ئیمە لەشکرکێشى
ناکەین پيشووتریش گوتومانە ئیمە
خۆمان دەپارێزین ئەو مافى ئیمە،
تەجرووبەى شەنگال ھەيە تەجرووبەى
ھێرش بۆسەر کۆبانى ھەيە، تەجرووبەى
سەرەتای شۆرش ھەيە (شۆرشى ئێران)
ئیمە ناتوانین ھەر ئاوا گەلەکەمان بى
پراستەن بەیلىنەو.

لەو بابەتانه زۆر لە راگەياننده كوردیهكان و لە راگەيانندهكانی تریش دەخریته بەر باس، ئایا شتیکی وا لەئارادا هەیە؟ یان وەلامی ئیوه چییه بۆ ئەو بابەتانهی كهوا دەوروزێندرن؟

* بەشیك لەو راگەیاننده به زانابون و چهواشهکاری تیدایه وهك گوتم دهیانەویت ئیمه به مەترسی پیشان بدەن؛ ئەوه راست نییه. بەرنامەو ستراتیژی ئیمه بۆ بابەتی چهكدارى دیاره، ئیمه دیارمان كردوه كهوا خەباتى چهكدارى كلاسێك له جۆرى كۆن ناكهین، ئەوهی كه پەژاك هیزی دروستكردوه و ئەو هیزانە دەنیریته ناوهوه ئەوه شتیکی راست نییه چونكه هیزی ئیمه لەناوخۆیه، ئیمه لەدەرەوهی رۆژهلاتی كوردستان نین هیزهكانمان لهوین هەركەس ئەوه دەزانیت. ئەو هیزه ئامادهی پاراستنی گەله، هیرش بكریته سەر گەل یاخود ئیمه ئەوا خۆمان دەپارێزین. بەلام ئەوهی كه بچین هیرش و لەشكرکیشی بکهین شتیکی وا لەبەرنامەى ئیمەدا نییه، ئەوه بهجۆریك گەورهکردنى بابەتەكانه و كەنالیزهکردنى شتەكانه بۆ هەندێك ئامانجى تايبەت.

پەژاك هیزیکی سیاسیه و بەرنامە و فكر و ئایدۆلۆژی هەیه بۆ چارەسەرى بابەتەكه، ئیمه پێشتر دوو نەخشەرێمان پێشكەش كردوه ئەو نەخشەرێمان

تەجروبهمان لەوه هەیه بۆیه، هیزیکی چهكدارى گەل و پاراستنی گەل دەبێت هەبێت، ئەو گەله دەبێت بتوانیت خۆی بپارێزێت چونكه بۆشایی ئەمنی دەردەكهوێت، چونكه هیرش دەكریته سەر ئەو گەله.

هەر ئیستاكه كه ناوهنده ئەمنیهكانی كۆماری ئیسلامی هێرشى كراوته سەر و ئەو شتە دەردەكهوێت، ئیمه ئاگادارین كه هەر ئەو ناوهنده ئەمنیانه بانگی گەل دەكەن و یەك یەك هەپەشهیان لى دەكەن، چاومان لەسەرتانە و بچولێنەوه لێتان دەدەین، بچولێنەوه لە كۆمەڵكوژی تیپەرتان دەكەین، ئەو مەترسیانە هەیه، باشه چى كەسێك ئەو گەله دەپارێزێت؟ ئەو گەله چۆن خۆی بپارێزێت؟ ئەوانەى كه ئیستا چهكیان بەدەسته، هەفألانى ئیمه ئەوانە كۆر و كچی ئەو گەلەن، ئەوانەن بتوانن ئەو گەله بپارێزن بەلام ئیمه نامانەوێت تەنیا وهكو حیزب ئەو كارە بكهین، ئیمه دەمانەوێت وهكو كۆمەڵگه ئەو كارە بكهین.

- ئەو بابەتى خۆپاراستنەى كه ئیوه باستان كردوه گەل خۆی بپارێزێت و پشتیوانى گەلەن، زۆر لایەن باس لەوه دەكەن و بهو شیوازه لێك دەدریتهوه كهوا پەژاك ئامادهكاری شەڕ و چوونه ناو رۆژهلات دەكات، وه كۆمەڵێك

زۆر بە ئاشکرایى كارى لەسەر بابەتى
 پرسى كورد تىدايه، ههروهها پيشووتر
 بهرنامه مان هه بوه كه چۆن ههولبدهين
 كۆمه لگهيه كى ديموكراتىك بونىادبنين و
 هه موو هيز و لايه نه كان له به كتر نزيك
 ببنه وه؛ بهرنامه مان ئه وه نيه به ته نيا
 بچين ده ستپوه ردانى له شكرى بكه ين و
 له و جوړه شتانه. به لام ئه وه مان گو توه
 ئه وه به خيتاب به ههر هيزيك ده لئين
 به تاي به ت ئه و هيزانه ي كه و مه ترسى
 له سهر گه له كه مان درووست ده كه ن،
 بزنان كه ئه م گه له بئ خاوه ن نيه.
 پاراستنى گه ل كاتيك مسو گهر ده بئ
 كه ئه و گه له بگاته قوناخى خو پاراستن،
 كاتيك ده گاته قوناخى خو پاراستن كه
 ههر هيزيكى چه كدارى كه هه يه
 هه موويان له ژير چاوديرى گه ل و
 حوكمى به رپوه به رى گه لدا بئ نه ك
 له ژير حوكمى حيزبىدا. ئيمه هه بوونى
 چه كدارى تاي به تى حيزبى به مه تر سى دار
 ده بنين به تاي به ت بۆ داها تووى گه لى
 كورد.

له باشورى كوردستان ئيستايش كه
 مه ترسى له سهر هه ريمى كوردستان
 درووسته بئ به هوى ئه وه وه يه كه
 حيزبه چه كداره كان ئاماده نين يه ك بگرن
 يان هيزيكى چه كدارى دروست بكه ن
 كه هى گه ل بئ، ئه وه مه تر سى داره و
 ده توانيت هه موو ده سته كه وه تان خراب
 بكات و به ره و دوا وه مان ببات. بۆيه
 ديسان بانگه وازيه كه مان له و بواره وه

دوباره ده كه ينه وه كه و ئيمه ئاماده ين
 هيزى چه كدارى خو مان تيكه ل
 به هيزيك يان خزمه تى رپوه به رى
 ديموكراتيكى گه ل بكه ين؛ له و روه وه
 هيج گومانىك نيه.

- له م جهنگه دا كه و ئيستا له نيوان ئيران و ئيسرائيل و هاوپه يمانه كانيانه وه ده ركه و توه، چى سيسته مي ك پيويسته بۆ بونىادنانه وه ي كۆمه لگه؟

* هه تا ئيستا ده سه لاتدارى كۆمارى
 ئيسلامى به زهخت و زۆرى نه به يشتوه كه
 گه ل خۆى به ريكخستن بكات. بچو كترين
 خو به ريكخستن گه ل ده ستپوه ردانى
 كراوه، كه سانيك له سهر زمانى كوردى
 و ميژوو و ژينگه پاريزى كاريان كردوه
 هه لسو كه وتى ئه منيان له گه ل كراوه،
 ههر جوړه به ريكخستن بو نيكى نه هيشتوه،
 ويسته تيه تى كۆمه لگه بپريكخستن
 به يليلته وه، وه حيزب و جولانه وه
 سياسى دژايه تيان له گه لدا كراوه،
 ئه گهر ئه م رو به شيك له جولانه وه
 سياسى كورد به شارا وه يى كار ده كات و
 زهختيان له سهره و ناچارن كه چه كيان
 به ده ست بئ، ده رنه جامى سياسه ته
 ئه منيه كانى ده ولته تى ئيرانه؛ كه ئه ليم
 ده ولته م به ستم سيسته مه به گشتى
 نه ك ته نيا رژيمى كۆمارى ئيسلامى،
 چونكه ئه وه سه د ساله ئه و هه لسو كه وته
 له گه ل گه لى كورد ده كرئ، ئيمه
 ههر له گه ل زيندان و گرتن و به شى

ئەمنى و سەربازىيەۋە روبەروو بويىنە بۆيە
ئەۋ دەرفەتە نەدراۋە، ئىستا ھىرشىك
لەبەرامبەر ئەۋ سىستەمە و كۆمارى
ئىسلامى ھەيە ئىدى ئەۋان ناتۋان
ئەۋ ھوكمە ئەمىنەتە لەسەر ئىمە
بىسەپىنن. بۆيە كاتى ئەۋە ھاتۋە كەۋا
گەل دەستپىشخەرى بىكات و خۇيان
بەرىكخستىن بىكەن.

ئەم شەپە شەرىكى زۆر زۆر
كورتخايەن نابىت، ژىرخانەكان خراپ
دەبن، لەبۋارى ئابۋرىيەۋە دۇخى گەل
زۆر قەيراناۋىيە، لەبۋارى كۆمەلەيەتەۋە
شەپ دەتۋانىت كارىگەرەكى زۆر زۆر
خراپ و دارۋىخەنەرى ھەبىت بەتايىبەت
لەسەر جوانان، ئەم كۆمەلگەيە دەبىت
بەھانى خۇيەۋە بچىت. ھەربۆيە ئەم
كۆمەلگەيە دەبىت خۇي بەرىكخستىن
بىكات و سىستەمى خۇيەپۋەبەردن
درووست بىكات، ژنان لەۋ بۋارەۋە دەبىت
پىشەنگايەتى بىكەن، چۈنكە ئىشى
ھەرى گەۋرەۋى شەپ لەسەر ژنانە و
قوربانى سەرەكى ئەۋانن كەۋا جەرگيان
دەسۋى و ھىرشى سەرەكىان لەسەر
دەكرىت، تۈندىرەۋىيەكان و فاشىزم ژنان
بە ئامانچ دەگرن، بۆيە ژنان دەبىت بىنە
كۆلەكەي سەرەكى خۇيەپۋەبەردن
كۆمەلگە و خۇيەپۋەبەرى دىموكراتىك
درووست بىكرىت لە ئاستى ھەرىمى و
شار و گەرەكەكاندا، كۆمىتەكان دروست
بىكرىن كەۋا چۈن خۇيان بەرىكخستىن
بىكەن، چۈن لە بۋارى ئابۋرىيەۋە بىتۋانن

سىستەمىك دروستبىكەن كە لەسەر
پىنى خۇيان رابۋەستىن و نەيەلن بەشى
زۆر ناسكى كۆمەلگە بەتايىبەت چىنى
زەحمەتكىش و كاركەر و بىكارى كۆمەلگە
زۆر ئىش بىكىشىت. بىتۋانن ھەندىك
سىستەمى ھەرەۋەزى و خۇپاراستىنى
دروستبىكەن، بە بچۈكتىرىن ئامرازەكانى
دەستيانەۋە بىتۋانن رىگرن لەۋەۋى كەۋا
ھىرش بىكرىتە سەر كۆمەلگە. ئىمە
لەۋ بۋارە و ھەر بۋارىكەۋە دەتۋانىن
يارمەتيدەرىبن. دەبىت سىستەمى
بىپاردان دروست بىكرىت ئىتر كاتى
ئەۋە ھاتۋە كەۋا لە ھەر ھەرىمىكەۋە
بۇخۇيان بىپار لەسەر ئەۋە بەدن و خۇيان
سىستەمى شارەدارى و خۇيەپۋەبەردن
دروست بىكەن، لەۋ بۋارەۋە دەبىت
ھەركەس قۇلى لىيەلمالىت. ئەۋە
تەنبا سىستەمىكى ئايدۇلۋىزى و خىتابى
حىزىيك نىيە ھەركەس دەبىت تىيدا
بەشداربىت.

ئەۋە ھەلەيە لەۋ بۋارەۋە كەۋا
ھەندىك كەس بەياننامە بىلادەكەنەۋە
كە سىستەمىكىان دروست كىردۋە،
بەۋ شىۋازە نابىت سىستەم ئاۋا
دروست نابىت. سىستەم بەۋ جۋرە
دروست دەبىت كە ھەمۋو گەل تىيدا
بەشداربىت. دەبىت بەشىۋازى مەجلىسى
بىت كەۋا ھەمۋوان تىيدا بەشداربن
و بىپارى لەسەر بەدن. حىزىيك
يان جۋلانەۋەيەك ناتۋانىت بىپارى
لەسەر بدات. دۋابەدۋاى ئەۋە دەبىت

بلیین و وه کو حیزب کاریش بکهین
 بؤ بهرنامه کانمان و هه قمان ههیه که
 پروپاگهندهی خۆیشان بکهین بهلام
 نابیت خۆمان بکهین به ههمه کاره،
 بویه ده بیئت ئاتمۆسفیریکی دیموکراتیک
 و تیکۆشانکردن هه بیئت. باس لهوه
 ناکهم که حیزبه کان رهخنه لهیه که
 نه کهن؛ وانیه. ده بیئ ئاتمۆسفیریکی
 دیموکراتیک هه بیئت لهوئ شه ری
 فکره کان بکهین بهلام ده بیئ ئه نجامیک
 ده رکه و بیئت.

ئیدی ئه و خیتابه ی که یه که به کتر

وریای ئه وه بین که دهستی وه ردانه که مان
 کۆمه لگه نه شیوینیت، ئیستا به شییک
 له حیزبه کۆنه کان دین ئارشیفه
 کۆنه کانیا زیندوو ده که نه وه، وینه
 و دیمه نی سه رده می چه کداری
 بلأوده که نه وه، به راستی کاتی ئه و شتانه
 نییه، کاتی ئه وه یه هه موو سه رنجمان
 له سه ر ئه و گه له بیئت، ئه وه یش کاتیک
 ده کریت ببینه هیزی راسته قینه ی
 ئه و گه له، ئه و گه له ده بیئت بزانیئت
 چیمان لیی ده و بیئت، ئیستا ئه وه نده
 خاوه نی بویری و دلیری که یه خه ی
 هه موومان بگریئت. هه ندیک

له ده ره وه ی ولآت خیتابی زور
 گهرم و قاره مانانه ده کهن، باشه
 جه نابتان له کوین؟ به حیسابی
 کی ئه و قسانه ده کهن؟ ئه و
 گه له زولم ده بینئ و زوری
 و زه حمه تی ده کیشیت و
 خۆیشی ده توانیئت خاوه ن
 بریار بیئت، له وانه یه ئه و گه له
 تۆی قبولیش نه بیئت، به لام
 تۆ و قسه ده که ی که ها

گه لی کورد ده بیئ بیئه تاجی سه ری
 ئازادی و دیموکراسی هه ری مه که، ئه و ماته وزه
 و توانا کاریه ی تیدایه، هه رکه سیش به و
 شیوازه حساب له سه ر گه لی کورد ده کات.
 هه موو ئه و که سانه ی لیکۆلینیان کردوه
 یان به جۆریک نزیک ی بونه ته وه ئه وه ی
 تیدا ده بینن، ئه و پۆتانسیله میژوو ییه.

له ناو ده بات، یه که ده توانیئت بیئه ته
 حاکم ئیتر ئه و خیتابه نه ما له راستیدا
 سه رکه وتوو نه بوو. ئیمه ده بیئت مافه کان
 و ریوه به ری و خۆبه ریوه به ری و ستاتۆی
 گه لی کورد مسۆگهر بکهین، ئه وه
 ئه رکه مانه. به لام ئه وه به س نییه،
 گه رهنه تی هه موو ئه و شتانه سیسته میکی
 دیموکراتیکه. له گه ل گه لانی دیکه چۆن

ئه وه هاتینه وه و ده بینه هه مه کاره؛ شتی
 وانیه. هه رکه س ده بیئت له و باره وه
 به ری زه وه نزیک ی گه ل بیئه وه.

سه رده م سه ده ی بیست و یه که مه،
 ده بیئت بیر له وه بکهینه وه که سه د سالی
 داها توو ئه و گه له چۆن بژیئت، ستراتیژی
 و ئه قلانی بیر بکهینه وه، نابیت خۆمان
 به هه موو شتیک بزانیین، بهرنامه کانمان

بژین؟ ئەوانەى كە ئەو جۆره قسانە دەكەن چى بەرنامەيەكيان هەيه؟ هەر نەورۆزى ئەمسال دياربوو كەوا دەولەت زۆر بە ئاسانى توانى كەوا ئازەريەكان لەبەرامبەر گەلى كورد هانبدات و دەست بەسەر بابەتەكەدا بگریت. چۆن دەتوانین پيش له ئەوانه و گەشەسەندنى فاشيزم بگرين؟ كاتى ئەوەنييه كە دانيشين بزانيں كى له تاران حوكم دەكات ديسان بچين خۆمانيان لەبەردەم خوار بكەينهوه و داخوآزى پيشكەش بكەين، ئيمە داخوآزى پيشكەشى هيج كەس ناكەين، پرۆژەمان هەيه و دايدەنيينه مەيدان و كارى بۆ دەكەين، زۆر بەباوەرپن بە گەلەكەمان و بەهيزى خۆمان. ئەمرو ئەقلايترين و دروستترين بەرنامە؛ بەرنامەى گەلى كوردە ئەوه سەلميندراوه، گەلانى تريش پيشەنگايەتى گەلى كوردبان قبولە، شۆرشى ژن زيان ئازادى ئەوهى نيشاندا. خيتابى زۆر بەرتەسك دەكریت كە من ناتوانم ناوى بنيم نەتەوهپەرستيش چونكە ئاستەكەى زۆر لەوه نزمترە، ئەو جۆره قسانە خيتابى خراپکردنى پرۆژەى پيشەنگايەتى گەلى كوردە.

هەميشە پرسيارىك روبەرپوى ئيمە دەبیتەوه(دەمەوى گەل لەو بابەتەدا روون بێت) دەمەوى لە بابەتى شەردا قسەبكەم، ئيمە ئەو شەرە بەبونيادنەر نازانيں بۆيە لەگەلیدا نين، ئەم شەرە كاريگەرى هەيه و ئەمە نايت

وا لىك بدريتەوه كە ئيمە لەگەل ئەوەنين ديكتاتۆريەت لەناوبچيت يان لاواز ببیت، زۆر بەرپونى و ئاشكرایى دەتوانين هەندىك شت بلين، من باس لە بىرەوهى ژنىك دەكەم كە زىندانى بووه لەگەل شیرين عەلەمەهولى كە باسى ئەوه دەكات سەرەكيترين ئەشكەنجەيان ئەوهبووه كە لەسەرى شیرين عەلەمەهوليان دەدا، بۆچى؟ چونكە لە ميشكى ئەو دەرسان. هەر گورزىك كەبەر سەرى شیرين عەلەمەهولى كەوتوه دەمانەويت سەد بەرابەر بەوه بەر سەرى ديكتاتور بكەويت، گومانيان لەوه نەبیت. هەر ئەشكەنجە و ليدانىك لە حەبیبوللا گولپەريپور كراوه لە حسين خزرى كراوه لە زىندانىيانى سياسى كراوه لە تىكۆشەرانى كۆن و نوێ كراوه دەمانەويت سەد بەرابەر زياتر لەوهيان بەسەربیت، دەبیت ئەوه بزانی كە هەستياريمان پرە لەو بابەتەدا، ئيمە دۆست و دوژمنى خۆمان دەناسين، كەس گومانى لەوه نەبیت و نايشیبهخشین.

- لەسەر ئەو بابەتە باس لەوه دەكریت كەوا پەژاك بكەویتە ژێر كاريگەرى هەندى هيزى ئيمپرياليزمەوه، ئايا شتىكى وا رىى تى دەچیت يان پەژاك سياسەتى هيزى ئيمپرياليزمى پى خۆشيبت و هەولى هاريكارى بدات؟

* ئىمە دەبىننن كهوا گۆرانكارى ههيه و گورز دهخۆن و دهبنين كه گهل بهوانه خۆشحال بهلام ئەوه بهس نيه كه تهنيا له فكرى ئەوهدا بين چۆن تۆله بستينينهوه يان دلمان رهحەت بێت، ئىمه له فكرى ئەوهداين كه چۆن بژين گهلهكهمان چۆن بژیت سەد سالى داهاووو چۆن بژين له سيستمى داهاوووى رۆژهلاتى ناوهراستدا وهزنى كورد چيه له سيستمى داهاوووى ئيراندا وهزنى كورد چيه و لهكويين، ئەوه بو ئىمه گرنگه. تۆلهسەندنهوى هەرى گەوره ئەوهيه كه كورد خاوهن رۆل بێت، ئەو كوردهى كه پەراويزخراوه لهناو دلى بابەتهكاندا بێت ئەوه گەورەترين تۆلهيه، ئىستا ئىمه بو ئەوه كار و تيكۆشان دهكهين.

لايهنيكى ترى ئەو شەره ههيه ئەويش هيزه جيهانى و هەريمهكانن وهك ئەمريكا و ئيسرائيل، هەتا ئىستا ئىمه بهدياريكراوى هيج بهرنامهيهكمان بو ديموكراسى و چارهسەرى پرسى كورد لهوانه نهبنينهوه، بۆيه ناتوانين خۆمان بخهينه هيج بهريهكهوه، بهرژهوهندى و داهاوو و ئيرادهى گهلهكهمان بو ئىمه گرنگه، بهراستى نه ئيرادهى خۆمان و نه ئيرادهى ئەو گهله نادهينه دەستى هيج كهسەوه، ئىمه هيلى سييهمين لهسەر بنگهى بهرژهوهندى گهلهكهمان كاردەكهين و لهسەر ئەو بنگهيه سياسەت و ديپلوماسيهت دهكهين و نابينه سەربازى هيج كهسيك زۆر بهرونى و ئاشكراى

ئەوه دەلئين له خزمەت هيج كهسيكدا شەر ناكهين. شەر و قوربانيدان هەبى له خزمەتى گهلهكهمان و داهاوووى گهلهكهماندا دهيكهين، پيمان خۆشه بينين كه له داهاووودا مندالەكانى ئەم گهله به ئازادى دهژين نهوك بهترس بژين، ناگيرين و ئەشكهنجە ناگرين و لهسیداره‌دانبان لهسەر نيهه و بهفەرهنگى خويان دهژين و خويان بهرپوهدهبهن هاوكات له ناوه‌ندى برپاره‌كاندان.

ئەقليت و هيز و ديموكراسيه‌تى گهلى كورد دهتوانيت بپته مه‌شخەل بو هه‌موو گهلان دهتوانيت ئەو ريگا پيشاندەرەبیت و ئەو ماته‌وزەيه‌ى هه‌يه، نابى ئەوه سنورداربكه‌ينه‌وه چونكه ئەوه هه‌له‌ ده‌بیت، كورد به ئەندازەى ئەوه‌ى له كوردستان هيزه‌كه‌ى دياريكه‌ره؛ ده‌بیت له تاران و مه‌شه‌هد و شيراز و ته‌وريز دياريكه‌ر بیت. گه‌لى كورد ده‌بى بپته تاجى سه‌رى ئازادى و ديموكراسى هه‌ريمه‌كه، ئەو ماته‌وزه و تواناكاريه‌ى تيدايه، هه‌ركه‌سيش به‌و شي‌وازه‌ حساب له‌سەر گه‌لى كورد ده‌كات. هه‌موو ئەو كه‌سانه‌ى ليكۆلينيان كردوه يان به‌جۆريك نزيكى بونه‌ته‌وه ئەوه‌ى تيدا ده‌بينن، ئەو پۆتانسيله ميژووويه. له سەد سالى رابردوودا ده‌ولەت نه‌ته‌وه ئەو ده‌رفه‌ته‌ى نه‌داوه له‌مه‌ودوا ئەم ده‌رفه‌ته‌ ده‌خولقيت، بو ئەوه ده‌بیت به‌هيز و ري‌كخستن و خاوهن بير و به‌رنامه‌بين و گوئى بو يه‌كتر راگيرين. كاتى ئەوه هاتوه كه فكر و به‌رنامه و پرۆژه‌كان مه‌ترەح بپیت.

- له کۆتايی نهم چاوپیکه وتنه دا په يامی کۆتايستان چیه؟

* به شهرتی ئه وهی له چوارچی وهی
ئیرانیکی دیموکراتیکدا؛ له کوماری
ئیرانیکی دیموکراتیک فره پنگی و
هممه جۆردا ئاماده بین له گهل ههموو
لایه نه كاندا هاوکاری بکهین. ئاماده بین
بهیه که وه تیکۆشانی بونیادنا نه وهی
ئیرانیکی دیموکراتیک بکهین و
سه دهیه کیتر دهست پیکهین به لام
به وه مه رجهی ئه وه هیژانه خۆیان له
زه نیه تی ده سه لاتداری و خۆسه پیانی
رزگار بکهن، خۆیان له زه نیه تی
دروستکراوی ده ولت نه ته وه رزگار
بکهن. کامه هیژ دیموکراتیک نزیک
بییت و چاره سه ری پی بییت و خیتابی
چاره سه ری و دیموکراتیکی هه بییت ئیمه
ئاماده بین و ئه وه یش پیویسته که بکریت،
شتیک به ناوی ئۆپوزسیونی ئیرانی ئیستا
له بهر باسدا نییه، بۆچی؟ چونکه ئه وهی
که ده بییت دژبه ری بکریت نه ک ته نیا
رژیمی که ئه وهی که ده بییت دژبه ری
بکریت سیسته می که مه ودا ی
دیموکراسیه تی نه دا وه، ئه وه سیسته مه
سه د ساله هیه؛ سیسته می ده ولت
نه ته وه، سیسته می ده سه لاتی ئیرانی
ده بییت سه ره له نوێ پیناسه بکریته وه
و بیته سیسته میکی دیموکراتیک،
بۆ ئه وه که سانیک که ده یانه ویت
سیسته م سه ره له نوێ ریشه یی و رادی کال
پیناسه بکریته وه ئه وانه ئۆپوزسیون،

به داخه وه ئیمه ئه وه زۆر نابین،
بۆیه ده بییت ئۆپوزسیونیکی پیکیت
به خیتابی دیموکراتیکی رادی کال که
جیاوازیه کانی گهلان قبول بکات و
جولانه وهی رزگاریخوازی گهلان بینه
لای یه کتر، ده بییت ده ست له خیتابی
ئمه جوگرافیای منه، ده ست هه لگرن،
ئه گه ر ئیمه نه ته وهی بنده ست بین ئه وه
بانگه شه جوگرافیا مانه سه به رت به یه کتر
له چیه؟ ئایا ئیمه ناتوانین نیشتمان و
کار و ریوه به ری هاو به ش پیکه وه دروست
بکهین؟ به لێ ده توانین دروستی بکهین،
چونکه ناتوانین گهلان له یه کتر دابهرین
و سنور به ندی بکهین.

خیتابمان بۆ گه لی کورد له به شه کانی
تری کوردستان هیه به تابه ت بۆ
هیژه کانیان؛ رۆژه لاتی کوردستان و
گۆرانکاریه کانی ناوی ده توانیت له سه ر
چاره نوی گه لی کورد له ههموو
به شه کانی تری کوردستان کاریگه ری
زۆر گه وه بکات، ده توانیت ده سته که وتی
گه لی کورد له ههموو به شه کانی تری
کوردستان به ره و سه رکه وتن ببات و
بیاریژییت. دیموکراسیه ت له ئیراندا و
چاره سه ری پرسی کورد له ئیراندا و
به ئه نجامگه یشتن و به ئازادی گه یشتنی
گه لی کورد له رۆژه لاتی کوردستاندا
ده بیته هیژ بۆ ههموو به شه کانی تری
کوردستان. گۆرانکاری له ده ولت
نه ته وه له ئیراندا گۆرانکاری له
سیسته می سه رکوتکاری و دیکتاتۆری

له ئيراندا نەفەس و مەودايەك دەدات
بۇ چارەسەرى كېشەى كورد له
هەموو بەشەكانى تىرى كوردستاندا.
بۆيە بەشەكانى تىرى كوردستان زۆر بە
هەستىارىەو دەبىت چاۋ لەو پېشەتانهى
ئىران و رۆژەلاتى كوردستان بىكەن،
دەبىت يارمەتيدەربىن، هېچ هېزىك له
بەشەكانى تىرى كوردستاندا نابىت هەول
بدات هېزى سىياسى و رىكخستى گەلى
كورد له رۆژەلاتى كوردستان پارچە
بكات، نابىت هەول بدات ئەوانە بىننە
لاى يەكتر، دەبىت خىتابى كۆكردنەو و
چى كەسىك خاوەنى چى كارىگەريەكە
لەسەر هېزىك؛ ئەو دەبىت بىخاتە
گەرەو بۇ يەكگرتن.

گەل له بەشەكانى تىرى كوردستان
دەبىت پشتىوان بن، بە چالاكى و بە
مادى و مەعنەوى و بە هەموو شتېك،
ئېمە ئاستىكى خاوەندارى دەبىنن،
بەلام ئەو خاوەندارىيە دەبىت بگاتە
ئاستىكى هەرى ژوور، شۆرشى ژن ژيان
ئازادى ئەو شۆرشەى كە رۆژەلاتى
كوردستان ئىستا پېشەنگايەتى دەكات
دەتوانىت كارىگەريەكى زۆر زۆر ئەرپنى
لەسەر كۆمەلگە و سىستەمى دەسەلاتى
سىياسى لەسەر هەموو شتېك بىت
لەسەر دەولەتەكانى دراوسى و لەسەر
كۆمەلگەكانىش بۆيە لە بوژانەوئەى ئەو
شۆرشەدا و لەسەر كەوتنى ئەو شۆرشەدا
دەبىت رۆلىان هەبىت.

ژنان له بەشەكانى تىرى كوردستاندا

دەبىت پشتىوانى بزوتنەوئەى ژن له
رۆژەلاتى كوردستاندا بىكەن و له
باوەشى بگرن.

گەنجان له بەشەكانى تىرى كوردستاندا
دەبىت بەشېك بن له تىكۆشانى ئازادى
رۆژەلاتى كوردستان.

كۆمەلگەى بەشەكانى تىرى كوردستان
دەبىت پشتىوانى بىكەن و ئەزمونەكانيان
و هەم وانەكانى كە هەيانە له بوارى
سىياسى يا كۆمەلايەتى تىيدا بەشداربن،
رۆژەلاتى كوردستان كراوەيە بۇ ئەو
بەشدارىيە. له ئەنجامدا ئېمە يەك
جەستەين، نەتەوئەى كورد يەك نەتەوئەى،
دەبىت كە هەندى جياوازى هەبىت له
بوارى سىياسىيەو يان كۆمەلايەتەوئەى يان
فەرەنگىيەوئەى له هەندىك شوپن جياوازى
هەبىت بەلام له دەرئەنجامدا يەك جەستە
و يەك چارەنوسىن، سەر كەوتنى گەلى
كورد له هەر بەشېك له كوردستاندا
سەر كەوتنى گشتى گەلى كوردە. گەلى
رۆژەلاتى كوردستان ئەوئەى نیشاندا
كە چەندە دلخۆشە بە سەر كەوتن له
باكور يا باشور، چەندە دلخۆشە بە
سەر كەوتن بۇ رۆژئاوا ئەوئەى بە كردارى
پيشانداو، چەندە پشتىوانى شۆرشە له
باكورى كوردستان، چەندە له خەمى
بەشەكانى تىرى كوردستانە و خۆى تىدا
بەشدار دەبىنن و ئەو چاوەروانيەى له
بەشەكانى تىرى كوردستانىش هەيە كە
دلىيان پىكدىت.

ملهورپیه‌کانی رژیم ئاگری شمیری هه‌لگرساند



✍ ئامەد شاھۆ

له‌بنه‌ره‌تدا شه‌ره‌که له نیوان دوو هیزی هه‌ژمونگه‌رای ناوچه‌که له پیناو زیادکردنی فراوانخوازییه‌کانیان به‌رپه‌وه ده‌چیت. هه‌ر لایه‌ک رۆلی سه‌رکه‌وتن و تیکشکاندنی لایه‌نی به‌رامبه‌ر به‌خۆی ده‌به‌خشیت. له‌کاتیکیدا ئه‌و شه‌ره شه‌رپکی دوو ده‌ولت - نه‌ته‌وه‌ی هه‌ریمی، شه‌ری ده‌سه‌لات و قازانج و سه‌رمایه‌یه. واته شه‌رپکه که سه‌رتاپای له‌دژی به‌رژه‌وه‌ندی گه‌لان، دیموکراسی و ئازادییه. چون ئه‌و شه‌ره ناتوانیت ئازادی بو‌گه‌لان مسۆگه‌ر بکات.

**رژیم له لیواری مه‌رگ نزیک
بووه‌ته‌وه**

رژیمی ئێران به‌رپرسی یه‌که‌مه له‌هه‌لگرساندنی ئه‌و شه‌ره نا‌ره‌وایه‌دا.

قوناغیک له شه‌ری ئیسرائیل و ئێران تیپه‌ری. ره‌هه‌نده‌کانی ئه‌و شه‌ره تا ده‌روات فراوانتر ده‌بی‌ت. شوینی هاوڵاتیان له‌هه‌ر دوو لای شه‌ره‌که ده‌کریته ئامانج. وێرانی و کاولکاری ته‌شه‌نه ده‌سینیت. ئاماری کوشتنی هاوڵاتیان روو له‌هه‌لکشان ده‌کات. شه‌پۆلی کۆچبه‌ری و کۆچ کردنی هاوڵاتیان له‌ زیدی له‌دایکبوونیان فراوانتر ده‌بی‌ت. گرانی و نه‌بوونی پێداویستییه سه‌ره‌کییه‌کانی ژبانی هاوڵاتیان رووی له‌به‌رز بوونه‌وه کردوه‌ته‌وه. ئه‌وه‌ش نیگه‌رانییه‌کانی له‌سه‌ر ده‌رئه‌نجام و لیکه‌وته‌کانی ئه‌و شه‌ره زیاتر کردوو.

واته ئه گهر رژيم له چوارچيويه ئالوگور و گه شه دانه کانی ناوچه که له پيناو چاره سهري پرسى کورد، گه لان، ژنان و ديموکراتيزه کردنى ئيران ههنگاوى ههلبگر تايه، ئه مپرو پزيسكى شهري جيهانى سيههم نه ده که وته ناوخوى ئه و ولاته. به لام مله وري، له خوړازى بوون، هاشوو هووش و زيهنيه تى دوا که وتوو و کونه پاريزانه ي

ئيسرائيل به بيانوى له ناو بردنى بنکه ئه تۆمى و مووشه کيبه کانی رژيم، له بوردومانى بى ناوبه رى خوى بو سهر ئيران به رده وامه. دياره ئه و هيرشانه ش به رى و ريبازى جياجيا به رده وام ده بن. چون کيشه ي ئيسرائيل له گه ل رژيمى ئيران فراوانتر و زياتر له و بابه تانه يه.

داتاشراو ره وايهت به ميلتاريزه کردنى کوردستان ده دات. جاريكى ديكه گه لى کورد به گرووپى جوداخواز، ئاژاوه گير و تيروريست تۆمه تبار ده کات. گيراوانى سياسى وه ک بارمه راگرتوو و به له سيداره دانيان هه ره شه له گه لى کورد ده کات. بيگومان ئه و سياسه ته ي رژيم هيچ خزمهت به ناسايش و نارامى ناوخوى ئيران ناکات، به لکوو رژيم له ليوارى مهرگ نزىک ده کاته وه. بويه رژيم به و تۆمه تانه ناتوانيت گه لى کورد بو پهلکيش کردنى ناو شه ره که ته حريک بکات. له کاتيکدا يه که مين گوژمى هيرشى ئيسرائيل بو سهر ئيران گورزيكى جه رگبرانه و تیکشکينه رانه ي وه به رکه وتوو. چون له يه که مين گورزدا به رپرسه درجه بالا و

يه که مه کانی سوپاى پاسداران، ناوه نده ئه منيه کان و زانا ئه تۆميه کانی رژيم کوژراون. واته رژيميک که ئه و نه ده هيزنوئيتى و خوى به زبه لاح نيشان ده دا، له يه که مين گورزى شه ردا زه مين کيش ده کريت. ئه وه سه لماندی که رژيم چه نديک له بواری سه ربازى، ئه منى و سياسيه وه ئاماده کارى بو شه ر کردوو و خاوه ن هيز و توانايه. له کاتيکدا سه ره تاي ئه و شه ره په ياميکى راشکاوانه ي بلاو

واى کرد که ولات گيروده ي ئه و شه ره مالمو پرا نکه ره بکات. دياره لوژيک و زيهنيه تى شه رانگيزانه ي ده سه لاتدارانى رژيم زياتر ناوچه که گيروده ي شه ر و پشيوى ده که ن. ئه وه ش نه به واتاي به هيزبوونى رژيمه، به لکوو به واتاي لاوازی و سه رگه ردانى رژيم و ناوه نده شه رانگيزيه کانيه تى. هه ر چون که له ئيستادا له ناو په له قاژه کردندا يه هه ره شه و گوره شه کانی بو سهر گه لى کورد کو تايى پى نايهت. به سيناريوى

بانگه‌شه و ئايدۆلۆژى و پەروەردەيىيەكانى زياتەر دەكاتە ئامانجى بۆردومانى فرۇكە جەنگىيەكانى. لەھەمان كاتدا تىرۆرى بەرپەرس و سىخوڧ و مۆرە ديارەكانى رژی‌م سەرھەلبدەن و ناوخۆى ئی‌ران ئالۆز و شلەژاوتر بکری‌ت.

ئەو‌ه‌ش دەرئەنجامى سىاسەتى نكۆلى كارانەى رژی‌مە كە بە دریژایى تەمەنى دەسەلاتدارى خۆى مردن بۆ ئیسرائیل و س‌رپنەو‌ه‌ى لەسەر

کردەو‌ه كە رژی‌م لەلاوازترین دۆخى دەسەلاتدارى تەمەنى دەسەلاتدارى خۆى ژيان بەسەر دەبات. چون ئەو‌ه‌ندە بە ئاسانى دزە كراو‌ه‌تە ناو دەزگا هەوالگىرى، لەشكەرى، سىاسى و ئابووریيەكانى كە دەسەلاتدارانى رژی‌مى تووشى شۆك، تۆقاندن و ئىفلىج بوون ك‌ردووەتەو‌ه.

ئیسرائیل بە بیانووى لەناو بردنى ب‌نكە ئەتۆمى و مووشەكییەكانى

رژی‌م، لەبۆردومانى

بى ئابو‌ه‌رى خۆى بۆ سەر ئی‌ران بەردەوامە. ديارە

ئەو ه‌یرشانەش بە رى و ریبازى جىاجىا بەردەوام دەبن. چون ك‌یشەى ئیسرائیل لەگەل رژی‌مى ئی‌ران فراوانتر و زياتەر لەو بابەتانەيە. بۆيە

لەيەكەمىن قۇناغدا بەرپ‌رسە بالاکانى

بۆاردەيەكى ديكەى بەردەم رژی‌مى ئی‌ران لەئارادايە، بە بى شەرت و مەرج تەسلىمى ئەم‌رىكا بىی‌ت. بۆيە بەو ه‌یرشانە دەيانەو‌یت رژی‌م ناچارى گەپانەو‌ه بۆ سەر م‌یزى دانوستان بکەن. بە گەپانەو‌ه‌ى بۆ سەر م‌یزى دانوستان رژی‌م هەموو ناو‌ه‌ندە ئەتۆمییەكانى دابخات و واز لەدروستکردنى چەكى ئەتۆمى و فراوانخو‌ازيیەكانى لەناوچەكە بىی‌ت.

گۆى زەوى بەرز ك‌ردووەتەو‌ه. هاوكات زياتەر لە ٤٦ س‌الە ئابوورى ولاتى بۆ پ‌رچەك كردن و رىكخستن كردنى ه‌یزە پ‌رۆكسىيەكانى تەرخان ك‌ردووە. لەھەمان كاتدا ٤٦ س‌الە بە سىاسەتى لەس‌یدارەدان، تىرۆر، ئەشكەنجە، گ‌رتن، بىكارى، ماددەى ھۆشبەر و برس‌يتى و هەژارى گەلانى ئی‌ران دەچەوس‌ينىتەو‌ه.

سوپاى پاسداران و دەزگا ئەمنى و زانا ئەتۆمییەكان و ب‌نكە و بارەگا سەربازيیەكانى ئامانج گ‌رتووە. بەلام ه‌یرشەكان بەو ناو‌ه‌ندانەو‌ه س‌نووردار نام‌ينى. واتە ئیسرائیل لەمەو بەدوا هەموو ناو‌ه‌ندە حكومییەكانى رژی‌م بە تايبەت ناو‌ه‌ندە سەربازى، ئەمنى، ژىرخان و سەرخانى ئابوورى و ناو‌ه‌ندە

واته هم له دهروه و هم له ناوځو
ولات پهره به سياسته تې شته انگيزي
و نژاوه گيرې و تيرور داوه. له پيناو
چاره سهرې ناشتيا نه و ديموکراتيکي
پرسی کورد، ژنان و گهلان هېچ
هنگاوېکې نه ناوه. نيازپاکي، پرېژنه و
پلانه ديموکراتيکه کاني گهلي کوردی به
سياسته تې له سیداره دان، تيروريزه کردن،
جوداخوازی و نژاوه گيرې وه لامل داوه ته وه.
واته له سياسته تې سهرکوت، داپلوساندن
و چهوساندنه و پيداگري کردوه. بويه
به و سياسته تانه ي بووه ته هره شه و
مه ترسيه کي جددی بؤ سهر گهلي
کورد و گهلانی ناوچه که.

رژيم دوا بزمار له تابووتي دهسه لاتداری ځوی ده دات

بهم ده ستیوه درانه له پيناو ديزاين
کردنه وه ي رژوه لاتې ناوين له يه کم
هنگاودا پتيويستی به وه بيندراوه که
هيز و دهسه لاتداری رژيم لاواز و بچووک
بکريته وه. واته تا ئه و ئاسته ي که به
هره شه و گوره شه بؤ سهر ئيسرائيل
و ئه مريکا له قه لهم نه درييت. هه لبت
ئو سياسته ته به لاواز کردن و بئ
کاريگر کردن ي هيزه پرؤکسيه کاني
رژيم سنووردار نه کرا. به لکوو لاواز
کردنی پروکسيه کاني رژيم دهره تي
ره خساند که ده ستیوه ردانی دهره کي
بؤ سهر ئيران زووتر فراهه م بکات.
واته بزاردی يه کم ته وه يه که رژيم

هاوشيوه ي هماس و حيزبوولا لاواز
و بئ کاريگر بکن. رژيميکي بئ
سوپای پاسداران، بئ عهلي خامنه يي و
بئ ولايه تي موته قه ي فقيه بهيلنه وه.
بويه کوشتنی توندپوهه کاني ناو
رژيم له پيلانی يه که می شه ره که دايه.
واته کوشتنی عهلي خامنه يي و
هاورهنه کاني به دوور له و سيناريؤيانه ي
شه ره که نييه. نه گره شه وهش روو نه دات
مانه وه ي خامنه يي و دهسته و تاقمه که ي
له سهر کورسي دهسه لات زور ته ستم
ده بييت و پتيويستی به ده ستاوده ست
کردنی دهسه لات ده بييت.

بزاردیه کي ديکه له چاوه روانيدا
ده بييت، ته وه يه که شه ره که
وه چه رخيته شه ريکي ماندووکهر بؤ
هر دوو لايه ن. شه وهش مالویرانی و
کولکاری ناوچه که ي به دواوه ده بييت.
يان شه ره که په لکيشی ناوچه که بييت
و ناوچه که له و شه ره وه تيوه بگليريت.
بويه شه ره که چه نديک دريژخايه ن
بيت، ته وه نده له زيانی گهل و کومه لگه
ده شکيته وه. له م قوناغه دا ئه مريکا
له شه ري ديپلوماسيدا رژيم گوشه گیر
و لاواز ده کات. ئيسرائيليش به هيرش
و بوردومانه کاني، رژيم لاواز و ناچاری
ته سليم بوون ده کات. نه گره رژيمي
ئيران له ميزي دانوستاندن پيداگري
له سياسته و به رژه وه ندييه کاني ځوی
بکات، به زه بري هيرشی ئيسرائيل
ناچاری ده کهن که هنگاو به ره و

دواوه هه لېنېت. هه لېهت هېرشه کانی ئیسرائیلیش هه رگیز ناتوانیت ئازادی و دیموکراسی بۆ گه لان به دی بېنیت. بژارده یه کی دیکه ی به رده م رژی می ئیران له ئارادایه، به بئ شەرت و مەرچ ته سلیمی ئەمریکا بېیت. بۆیه به و هېرشانه ده یانه ویت رژی م ناچار ی گه رانه وه بۆ سەر میزی دانوستان بکەن. به گه رانه وه ی بۆ سەر میزی دانوستان رژی م هه موو ناوه نده ئەتۆمییه کانی داخات و واز

ئەو شەپه ئەوه به سەر هه موو لایه کدا فەرز ده کات که زیاتر له هەر قۆناخیک گەل خۆی به ریکخستن بکات. به ریکخستییکی به رین و فراوان ده توانیت به رگه ی لیکه وته کانی ئەو شەپه بگریت. به و میکانیزمه گەل خاوه ن هیز و پلان ده بیت.

ده یانه ویت به بئ شەپ رژی م بئ کاریگەر و ته سلیم وه برگرن.

له لایه کی دیکه وه پانتایی هېرشه کان به و ئقاره دا ده روات که ئیسرائیل نیازی گۆرین و رووخانی رژی می هه بیت. بۆ ئەوهش په لکیش کردنی ئەمریکا و ئەوروپا بۆ شەپه که زیاتر له ئارادا ده بیت. هاوکات چهک و ته قه مەنی مه ترسیدارتر له شەپه که له دژی یه کدی به کار ببرد ریت. شوینی نیشته جیی هاو لاتیان زیاتر بکرینه ئامانج و شاره کان ویران بکرین. ئەوهش بژارده یه که که مه ترسییه کی جددی بۆ داهاتووی گه لانی ئیران درووست ده کات و ئیران به ره و پارچه بوون و شەپه ناوخۆیی په لکیش ده کات.

ده رنه نجامی هەر یه ک له و بژاردانه ی له به رده م ئیراندا دانراوه، ناتوانیت سه قامگیری و ئارامی بۆ ناوخۆی ئیران بگه رینیته وه. به لکوو ئەو بژاردانه به رپا بوونی کاره ساتی مرۆیی به دوا ی خۆی دینیت. چون رژی م لهم شەپه دا ته نانه ت هاو لاتیانی مه ده نی وه ک بارمته ی شەپ و قه لغانی پاراستن به کار بردووه. واته رژی م به و سیاسه ته ی دوا بزمار له تابووتی ده سه لاتداری خۆی ده دات.

له دروستکردنی چه کی ئەتۆمی و فراوانخوازییه کانی له ناوچه که بېنیت. به لینی ئەوه بدات که نه بیته هه رەشه و گوپه شه بۆ سەر ئیسرائیل و ئەمریکا. له و لاشه وه خامه بی ده سه لات راده ستی ئەو هیز و لایه نانه بکات که ئەمریکا پالپشتی ده کەن. ئەم بژاردهش به واتای مه رگی نه رم و بیدهنگی رژی م. واته به کشانه وه ی رژی م بۆ سەر میزی دانوستان

باشترین بژاردە بۆ گەلانى ناوخۆى ئىران برەودان بە يەكيتى و يەكپىزى نيوخۆييه

ئەگەر ئەو شەپ نە لەقازانجى بەرژەوندىيەكانى گەلانى ئىران، پرسى ديموكراسى و ئازادى بىت، لەو كات و ساتەدا رۆل و بەرپرسىارى گەلان چى دەبىت؟ ئەزموونى شەپ و ناآرامىيەكان لە ناوچەكە ئەوەى خستووتەروو كە گەلان لەو شەپ و مەملەتيە خۆ بە دوور دەگرن و نابنە سووتەمەنى هېچ لايەنكى شەپكە. واتە لەو پىناویدا باشترین بژاردە بۆ گەلانى ناوخۆى

هەلومەرج بۆ سەرھەلدانەوێ شۆرشى ژن ژيان ئازادى لەم قۇناغەدا زياتر فەراھەم دەبىت، پەژاك نامادەيە رۆل و بەرپرسىارىتى مېژوويى خۆى بە جى بىت. تەنانەت بە ھەموو ھېزىەو پالپشتى پەرژە ديموكراتىيەكانى گەل دەكات

لەيەكدى بكن. لەم قۇناغە سەخت و دژوارەدا پىويستە گەلان بە ھانى يەكديەو بەرپۆن و لەپالپشتى كردن و ھاوکارى و يارمەتيدان بە يەكدى دريغ نەكەن. لەو پىناویدا دامەزراندنى كۆمىتەكانى ھاوکارى بۆ بە ھاناچوونى گەلەو پىويستى سەردەمەكەيە. بۆيە رىكخراو و دامەزراو مەدەنيەكان ئەرک و بەرپرسىارى مېژووييان بۆ خاوەندارىتى گەل لەئەستۇدايە.

ئەو شەپ ئەو بە سەر ھەموو لايەكدا فەرز دەكات كە زياتر لەھەر قۇناخىك گەل خۆى بە رىكخستن بكات. بە رىكخستنكى بەرين و فراوان دەتوانىت بەرگەي ليكەوتەكانى ئەو شەپ بەگريت. بەو ميكانيزمە گەل خاوەن ھيز و پلان دەبىت. بە برەودانى پاراستنى جەوھەرى دەتوانىت بەرپەرچى ھەر ھېرشىك بۆ سەر دەستكەوتەكانى بداتەو. بۆيە لەم قۇناغەدا پشت بەستن بە ھيز و تواناي گەوھەرى گەل

زامنى سەرکەوتن و بە ديھتوانى ئازادى و بەرقەرارى ديموكراسى دەبىت. سەرھەلدانەوێ بليسى شۆرشى ژن ژيان ئازادى پىويستىيەكى سەردەميانەيە. چون گەلان بۆ خۆيان خاوەن شۆرشىكى ھاوچەرخن. ئەو شۆرشەش دەتوانىت ھەبوون

ئىران برەودان بە يەكيتى و يەكپىزى نيوخۆييه. سادەتر بليم پىويستى بە دامەزراندنى پلاتفورمى ديموكراتىك گەلان ھەيە، تا لەسەر چارەنووس و داھاتووى خۆيان بربار بدن و پەرە بە كار و خەباتە ديموكراتىيەكانيان بدن. ھاوكات پىويستە گەلان ئاميز بۆ يەكدى ئاوەلا بكن و خاوەندارىتى

و ئازادىيەكانىيان مسۆگەر بىكات. بۆيە سىنارىيۇ راپەرىنى گەل بۆ بەرەنگاربوونەۋەى لەدژى دەسەلات بە پارادىگما، فەلسەفە، ئالا و نرخەكانى شۆرشى ژن ژيان ئازادى مسۆگەر دەبىت.

يەك خىتابى، يەك ھەلۋىستى و يەكگوتارى بۆ پارتەكانى رۆژھەلات پىۋىستىيەكى سەردەميانەيە

ئەزمۇۋى گىرنگ و پىر بە نرخى ھىز و لايەنە سىياسىيەكانى رۆژھەلاتى كوردستان لەشۆرشى ژن ژيان ئازادى لەئارادايە. چ كاتىك يەكگوتارى، يەك ھەلۋىستى و يەكىتى لەنيوان ھىزب و لايەنە سىياسىيەكانى رۆژھەلات لەئارادا بوويىت، گەل تىكرا بە ھەلۋىستى دىموكراتىيەيان پىشوازيان لەبىرار و پىرۆژەى ھىزبەكان كىردوۋە. بۆيە ھەستىارى دۇخەكە ئەۋەى دەۋىت كە ھىز و لايەنە سىياسىيەكانى رۆژھەلات بىنە خاۋەن يەك خىتاب، يەك ھەلۋىست و گوتارىكى ھاۋبەش. واتە بە پىرۆژەيەكى ھاۋبەش ئالوگور و پىشھاتەكانى داھاتوۋ لەئامىز بگىرن. تايبەت گەلى كورد بۆ ئەۋەى شۆرشى ژن ژيان ئازادى تاجدار بىكات و ماف، ھەبوون و ئازادىيەكانى مسۆگەر بىكات، پىۋىستى بە دامەزراندنى كۆنگىرەى دىموكراتىكى نەتەۋەى كورد ھەيە كە بەدوور لەعەقلىيەتى تەسكى

ھىزبايەتى، خىلايەتى، بىنەمالەگەرايى، ناۋەندگەرايى و دىكتاتورىيەت بىت. چون ھەر ھىز و لايەنىك بىەۋىت سۋارى ئەۋ شەۋلەى شەر بىت و بىەۋىت لەپىناۋ بەرژەۋەندىيە تەسكەكانى خۆى سەروەرى بە سەر گەلدا دروست بىكات، لەزىلدانى مېژوۋ دەگرىيەتەۋە.

پەژاك لەۋ پىناۋەدا چون لەسەرەتاۋە پىشەنگايەتى بۆ شۆرشى ژن ژيان ئازادى كىردوۋە، لەم قۇناغەدا بۆ چارەسەرى دىموكراتىك و ئاشتىيانەى پىرسى كورد و پىرسى گەلانى ئىران بە پىشت بەستىن بە چەمك، تىروانىن و پىرنەسىيەكانى چارەسەرى دىموكراتىك و بۆ پىشخستى رىكارى نەتەۋەى دىموكراتىك پەرە بە تىكۆشان و خەباتى ئازادىخوازەنى دەدات.

ھەرچەند كە ھەلۋەرج بۆ سەرھەلدانەۋەى شۆرشى ژن ژيان ئازادى لەم قۇناغەدا زياتىر فەراھەم دەبىت، پەژاك ئامادەيە رۇل و بەرپىسارىيىتى مېژوۋىيى خۆى بە جى بىنىت. تەننەت بە ھەموو ھىزىيەۋە پالېشتى پىرۆژە دىموكراتىيەكانى گەل دەكات و لەئەگەرى ھەر ھىرشىكىدا بۆ سەر گەلى كورد، ئەركى پاراستنى گەل بە ئەستۆ دەگرىت.



ئێران لەنیوان هیڤشی ئەمریکا و دەستپێشخەری رێبەر ئاپۆ

سەردار ستار

حافز ئەسەد هەولێ سازشیدا لەگەڵ ئەمریکا، بەلام لەسەر دەمی بەشار زیاتر بەلای رووسیا و ئێرانیدا شکاندەو، بۆیە تاوانی کوشتنی رەفێق حەری و مەترسی بۆسەر بەرژەوێندیەکانی ئێسرائیلی کەوتە سەر.

لە دواى ۲۰۰۳ ئەمریکا زیاتر لە خۆرەلاتی ناوەراست خۆی بەجێکرد، هەرچەندە تورکیا ناپازیبوو بۆ لەناوبردنی رژیمی سەددام، بەلام ئێران سازشیکی زیاتری لەگەڵ ئەمریکا بەرەوپێشەوێ برد، چونکە لایەنگرانی ئێران هاتنە تروپکی دەسلەلاتی عێراق، بۆیە سازشیکی ناپراستەوخوا لە نیوان ئەمریکا و ئێران بەرپێوە دەچوو.

لەگەڵ تورکیا، سوونیه‌کانی عێراقیش دەسلەلاتیان بایکۆت کرد، ئەمە وایکرد بەرەى پەدەکەى عێراق و سوونە و تورکیا رۆلێکی لاوەکیان هەبێ، ئەمەش

ئەمریکا و ئێسرائیل وەک دوو هیڤی جمکە، بەردەوام پلانیان بەهاوبەشی بەرپێوە دەبن. واتا ئەمریکا هیچ پلانیکی بەرپێوەنابات، ئەگەر ئێسرائیلی هاوبەش نەبێ، یان لە بەرژەوێندی ئێسرائیل دا نەبێ. دواى کەوتنی سوڤیەت، بەگشتی جیهان و بەتایبەتی خۆرەلاتی ناوەراست دەرگاکیان بۆ کرایەو. بەلام بەتەواوی کۆسپەکانی بەردەمی تەواو نەبیبوون، ئەوانیش رژیمی بەعسی عێراق و کۆماری ئیسلامی ئێران بوون. هەرچەندە دەولەتی سوریا لەسەر دەمی

هۆكاربوو ئەمىرىكا و شىيە پىيوستيان به كەسايەتى ج.تالەبانى هەبوو بۆ سەرۆككۆمارى عىراق .

نارەزايى سوونىيەكان لە رېڭەى سەعودىيە، قەتەر، ئىمارات لەلايەك و توركيە و پارتي لەلايەكيتەر، گرووپە توندئاژۆ و رادىكالەكانى بەردايە گيان سوپاي ئەمىرىكا و دامودەزگاي شىيەكان و كورد. تا گەيشتە ئەو ئاستەى

ئەوئەى بونىاد دەنرېت لەوئەى دەگۆرڧرېت بەرهەمدارترە، ئەگەرييت و هەمەلايەنى خاوەندارىيەتى لېبكرېت، واتا ئەركەكان تەنها لەسەر شانى رېيەر ئاپۆ نەهيلىن. سەرجهەم گەلى كورد و ئازادىخوازان، بە پېشەنگايەتى ژنان و گەنجان دەكرى وەك هەلمەتېكى نوپى شۆرشيگىرەنە رۆلى خۆيان تيا بېينن.

بەئاگادارى ئەمىرىكا و ئيسرائيل لە پايتەختى ئوردن يەكەمىن كۆنگرەى دامەزراندنيان بۆ داعش بەست.

داعش سەرەراى زۆرى پششتيگىرييە هەريمىيەكەشى، بەلام نەبتوانى بەسەر كورد و شىيە سەرکەوئ، دواى ئەوئەى ئەمىرىكا بىنى لە كۆبانى داعش تىكدەشكى، بۆيە بەناچارى هيزەكانى گەرانندەو، سنوريكىشى خستە نيوان خۆى و داعش و بەرەى

نوسەر، زياتر كارەكان و پششتوانىيەكانى بۆ گرووپە ئىخوانىيە توندئاژۆكان لە رېڭەى توركيە و قەتەر بەرپۆە دەبرد. تىكشكانى داعش لەسەر دەستى شەرقانانى رۆژئاواى كوردستان، پلانى ئيسرائيل - ئەمىركاي تىكدە، بۆيە رېڭەيان بۆ توركيە

كردەوئە بۆ داگيرکردنى عەفرين و گرى سىي و سەريكانى، لەلايەكيتريش خۆيان زياتر بلاوکردەوئە لە رۆژئاوا، گوايە پششتوانى شەرقانان لە شەرى دژى داعش دەكەن.

لەشەرى داعش ئيران لاواز نەبوو، بەلكو لەلايەك حەشدى شەعبى دامەزراند وەك مۆڧىلى سوپاي پاسداران، حەماس و حيزبولاى بەهيز كرد، سورپاي بەعسى بە هاوكارى رووسيا خستە ژيەر كۆنترۆلى خۆى، لەلايەكيتريش حوسىيەكانى بەردايە

كۆشكى سىي برپارى كشانەوئەى هيزەكانى لەعيراق بەدات، لە سەردەمى باراك حسين ئوباما. ئەمەش لەلايەك دەستى توركيەى كردەوئە، هەمانكات سوونىيە توندئاژۆكان زياتر پششتيان بەهيزە خۆمالىيەكان بەست، ئەنجام بە كۆکردنەوئەى گروپە پەراگەندەكانى وەك گاردى كۆمارى، فيدايانى سەددام، كۆنە بەعسى بەسەرپەرشتى عيزەت دوورى و رەغد سەددام و مەسعود بارزاني، لەگەل نەخشەبەندى و كاديرەكانى ئەلقايعدە،

گیانی سعودیہ و ئیمارات. ئەمریکا و ئیسرائیل ویستیان بە ھێرشى لۆکالى سنورىک بۆ ئيران دابنن، بەتایبەت کشانەوھى ئەمریکا لە پەیمانى ئەتۆمى، کوشتنى قاسم سلیمانى لە بەغدا و ھێرشەکانى ناوخۆى ئيران تا کوشتنى ئیبراھیم رەئیسى، بەلام ئەمانە ھەموویان کاریگەرى ئەوتۆیان لەسەر لاواز کردنى ئيران لە ھەریمەکە نەدەکرد.

ئيران و ھاوپەیمانیەکانى ویستیان بە ئۆپەراسیۆنى ئەقسای ۷ى ئۆکتۆبەر، ئیسرائیل ئاقل کەن و سنورىکی بۆ دابنن، بەلام بەپێچەوانەى ئامانجى ھێرشەکەى ئەوان، ئیسرائیل نەکەوتە پاراستن، بەلکو ھێرشى ھەمەجۆرى پێشخست و تا ئەم کاتژمێرەش ھێرشەکانى ئیسرائیل و ئەمریکا بەردەوامیان ھەبە. ئەنجامى شەرى دووسالە، ھەماس و حیزبولا لە پەلۆپۆکەوتن، سوریاى بەعس رووخا، ئيران کشاوتەو سنورەکانى، حوسییەکان تەنگیان پێھەلچندراو، رووسیا لە ناوچەکە پێگەى لاواز بوو. لە ئیستادا ئەمریکا و ئیسرائیل خەریکی چینیەوھى بەرھەمەکانى دواى شەرن، بەتایبەت لە پرۆژەى رێگەى بازىرگانی داود و ریکخستنى دەولەتەکان لەناو پرۆژەى ئیبراھیمی، ھەژموونى خۆیان لە ناوچەکە ئەسەپنن.

پرسیارە گەورەکە لیڤەدايە،

- ئەمریکا دەستیوەردانە نوێکەى بۆ ئيران چۆن دەبێ، عێراق دەکەوتنە بەر باى لاواز بوون و سنوردار کردنى ئيران؟؟

- ئەو نەخشەى ناتانیاهۆ لە کۆبونەوھى سالى رابردووى نەتەوہ یەگرتووہکان دەریخست، ئایا دەتوانى جێبەجێى بکات؟

- ئیسرائیل بەبێ ئەمریکا ھێرشى ئيران دەکات؟

- تورکیا و کورد بە چ دۆخیک دەگەن؟؟

گەلى کورد لە کەسایەتى رێبەر ئاپۆ و پەکەکە، لەماوہى ۲۴ سالى رابردوو، لە دەرفەتیک دەگەران، بۆ ئەوہى بتوانى لەناو شەرى سینیەمى جیھانى، شوین قەوارەیک بۆ گەلى کوردستان بەدەستبخت، بەلام پەکەکە لەلایەن ئەمریکا و تورکیا و ھاوپەیمانی کوردەکانیان، رووبەرپووى شەرى ئۆکتۆبەرى ۱۹۹۲ کرایەوہ. پاشان لە سەرەتای نەورۆزى ۱۹۹۳ بەنیوەندگیرى ج.تالەبانى، ئاگرەبەستى راگەیان و دەرفەتیکى دۆزیوہ، تاکو گەلى کورد و گەلانى تورکیا تیبگەيەنئى کە کورد دەبەوئ کیشەکانى لە تورکیا بەبێ شەر چارەسەر بکات، بەلام گلاڤیۆ ناتۆ لە ناو دەولەتى تورکیا و چەتەکانى ناو پەکەکە لە رێگەى شەمەدین ساکک، نەیان ھیشت پرۆسەکە دەستپێکات، ئەمەش ھۆکاربوو بۆ لەناوبردنى تورگۆت

ئۇزالى سەرۋەككۇمار .

رېبەر ئاپۇ بەردەوام بوو لە دەستپېشخەريەكانى، لەلايەك گۇرانكارىەكانى ناوخۇ پەكەكەى دەستپېكر، بەتايبەت لە كۇنگرەى پېنجى ۱۹۹۵، ديسان لەگەل دەولەتېش لە موخاتەبېك دەگەرا. نەجمەدىن ئەربەكان ھەولېكى سەرەتايىدا، بەلام ديسان رووبەرووى ھېرش و كودەتاي ناوخۇيى كرايەو لەلايەن گلاديو، ئەويش بەناوى كودەتاي پۇست مۇدېرن لە شوباتى ۱۹۹۸ و ھېنانە دەسەلاتى كاديرانى گلاديو لە كەسايەتى تانسۇ چيللەر و سلىمان دەميرال .

ھەرچەندە رېبەر ئاپۇ ھەولەكانى چر كىردو، لە پايسى ۱۹۹۸ پىرۇزەيەكى چارەسەرى ديموكراتيانەى لە رۇما پېشكەشى راي گشتى كرد، بەلام لەلايەن گلاديو ناتۆو بە سەرپرەشتى ئەمريكا و ئيسرائيل جارى پيلانگىرى نيودەولەتياندا، ئەنجام لە ۱۵ى شوباتى ۱۹۹۹ رېبەر ئاپۇيان بەدىلى رادەستى توركيە كىردەو لە ئيميراليان توند كرد .

لەبەر دووربىنى بۇ رووداوەكە و زانىنى بەرپۇەچوونى پيلانگىرىەكى نيودەولەتى، بۇيە رېبەر ئاپۇ بانگى ئاشتى و چارەسەرى ديموكراتيانەى كرد لە بەرپۇەچوونى يەكەمىن دادگا كىردنى لە ئيميرالى لە حوزەيرانى ۱۹۹۹ . لەسەر ئەو بنەمايەش لەلايەك

داواى دوو گروپى كرد بۇ نياز پاكى بگەپنەو توركيە، لەلايەكىش گۇرانكارى ستراتىژى لە ھەوتەمىن كۇنگرەى نااسايى پەكەكەى خستە گفتوگۇو .

گۇرانكارى لە ستراتىژ و پاشان پارادايىمى پەكەكەش لەلايەنى ھىزرى و فەلسەفى پىنكھاتن، ھەولدىرا لە شىوازى بەرپۇەچوونى تىكۇشانىش گۇرانكارى دروست بى، بەلام لەبەر ئەوئەى دەولەتى توركيە بەتاكىكى قازانچ كىردى كات، دەچوو پىرۇسەكانى دانۇستان . بۇيە ھەربەك لە دانۇستانەكانى ئيميرالى لە ۲۰۰۰ تاكو ۲۰۰۵، دانۇستانەكانى ئۇسلۇ لە ۲۰۰۷ تاكو ۲۰۰۹، پاشان دانۇستانەكانى دووبارەى ئيميرالى لە ۲۰۱۲ تاكو ۲۰۱۶، بى ئەنجام كۇتايان ھات .

لە ۲۰۱۴و دەولەتى توركيە ستراتىژى خۇى گۇرى، لە چارەسەرى سياسى، بۇ لەناوبردى يەكجارەكى بەناوى (پىرۇزەى ئەزىنۇ شكاندن) . بۇ ئەمە ئەمريكا و ئيسرائيل و ناتۆ پشتيوانىەكى سەرەكى بوون، بۇ گۇرپىنى ھاوسەنگى شەر، بەتايبەت لە دابىن كىردنى تەكنەلۇژياى شەر و فرۇكەى بېفرۇكەوان، تا دەگاتە پەيوەندىە سىخووپەكان لەلايەن دەزگاي پاراستن و كەوتنە خزمەتى حكومەتى ھەرىم و عىراق . ئەم پشتوانىە زىادى كرد كاتىك بۇ جارى يەكەم ئەمريكا راستەوخۇ لە پايسى ۲۰۱۸ سى كادىرى

پېشەنگ و سەرپەرشتیاری خەباتە سەرەکیەکان، نرخى بۇ دیاری کردن ئەوانیش (جەمیل بايک، دوران کالکان و مورات قەرەیلان) بوون. ئەوان ھەموویان چاوەڕێ بوون کە پەکە کە بەرگەى ھێرشەکان و رێبەر ئاپۆش بەرگەى گۆشەگیرە کە ناگرێ. بەلام دواى ۱۰ سال لە سەختترین شەڕ، لە ھەرسى بەرەى ھەرىمەکانى پاراستنى میدیا و رۆژئاواى کوردستان و ئیمپالى، نەگەشتنە ئەو ئەنجامەى چاوەڕێیان دەکرد.

دواى کەوتنى سوريا و پاشەكەشى ئێران لە ناوچە کە، تورکیا پەيامى خۆى وەرگرتوو، نۆرە دیتە سەر تورکیا. بۆیە ئیستا دەولەتى تورکیا، سیاسەتى تاکتیکی خۆ رزگار کردن پیادە دەکات. تورکە گورگە بۆرەکان کە خۆیان بە پلە یەکی تورکیا دەزانن، بۆیە کەوتنە ھەلمەتیک، بۆ ئەوێ تورکیا بەر لەوێ بکەوێتە بەر شەپۆلى گۆرانکاری ئەمریکا – ئیسرائیل، ئەوان خۆیان گۆرانکاریەکان بکەن. واتا ئەوێ دەولەتى تورکیا دەیکات، بۆ دەولەت ستراتیژیە، بەلام لەگەڵ کورد تاکتیکە، بەبێ کوردیش ناتوانن مەترسیەکان لەسەر خۆیان تێپەڕێنن، بۆیە لەم سۆنگە یەو ئیستا دەولەتى تورکیا، ھىچ ھەنگاویک بەبێ کورد ناتوانى باوێژێ.

ئەوێ ئەم قۇناغە جیا دەکاتەو لە

قۇناغەکانیتر، ئەویش دەستپیشخەرى لە ناو خودى دەولەتە، واتا لەلایەن دەولەت باخچەلى سەرۆکی پارتى نەتەو پەرستەو (مەھەپە) ھاتوو، بە واتایە کیتەر کیشەى کورد موختەبى ھەيە، رووبەر ووش تۆپە کە ئاراستەى موختەبى کورد و پەکە کە ئەویش رێبەر ئاپۆ کراو.

دواى جیگر بوونی ئەمریکا لە رۆژئاوا و پشتیوانیەکانى بۆ قەسەدە، دەولەتى تورکیا کێچى کەوتە کەول. وای لێکدەداتەو ئەمە ھاو پەیمانەتى پەکە کە و ئەمریکایە. بۆیەش ترسى ھەيە ئەمریکا و ئیسرائیل، بەگشتى پەکە کە لە دژى تورکیا وەک کارتیک بجولێنن. واتا ئەو یاریەى ئەمریکا لە باشوور دەیکات لەرێگەى پەدە کە و یەنە کە، ھەمان یارى لە باکوور و تورکیا بکات. بۆیە لە ئیستاو رێکارەکانى پاراستنى خۆى وەرەگرێ و داواى ھەلوەشانەوێ پەکە کەى کرد. لەلایە کیتريش فاشیزمى نەتەو پەرستى تورک، لەکەسایەتى دەولەت باخچەلى، تیگەشتن ھەتا نکۆلى لە گەلى کورد بکری، دەولەتى تورکیا بەردەوام کراو دەبێ بۆ دەستیوەردانى دەرەو. بۆیە دواى ۹۹ سال فاشیزمى تورک دانى بەھەبوونی کوردنا و گوتى کورد و تورک بران. لەسالى ۱۹۲۵ وە تورک کوردیان نەک وەک دوژمن پەسەند نەبوو، بەلکو ھەبوونیان وەک مرۆف قەبول نەدەکرد،

سەرۆككۆمار و سەرۆكى مەھەپە ھاتون
بۇ دیدارەكان، بەلام ھیچ بەلین و
پەیمان لە نیوانمان نییە.

دەولەتی داگیرکەری تورکیا، لەبەر
ئەوێ زالمترین و بێ رحەمترین
و گەورەترین داگیرکەرە لە سەر
کوردستان، بۆیە خەلکی کوردستان
ترسیان لە ھەر ھەلسووکەوتیکی ھەیە.
مێژووی سالانی ۲۰ لە ئامەد و سالانی
۳۰ لە دێرسیم و ئاگری، گەواھیدەرن
بۆ خۆپڕیژترین دوژمنی سەر رووی
زەوی. لە پەنجا سالی رابردووش
خودی باخچەلی زۆرتین دوژمنایەتی
لە دژی گەلی کورد و پەکەکە

کردوو، کۆمەڵکۆژی مەرەش و ۱۷
ھەزار بکەری نادیار و ملیۆنیک
جەیش و جاش لە کوردستان،
دەیسەلمینی کە ئەوێ
رووبەرۆوی بووبنەتەو و دەمانەوێ
بە ئاشتی و رێبازی سیاسەتی
دیموکراتیانە کێشەکە لە گەل
چارەسەرکەین، ھەروا سادەو
ساویلکە نییە.

بویری رێبەر ئاپۆ بۆ وەلامدانەوێ
دەستپێشخەریکە باخچەلی –
ئەردوغان، کۆمەڵگە نیودەولەتی
تووشی سەرسورمان کرد، بۆیە لە
چینەو تا ئەمریکا ھەموو ھیز و
لایەنیک پشتگیریان کرد، لەبەر
ئەوێ بانگەوازی ۲۷ی شوباتی ۲۰۲۵،
بەناوی ئاشتی و کۆمەڵگە دیموکراتی،

دەیانگوت کلکیان پێوھە، واتا ھیشتا
لە قۆناغی سەرەتای مرقایەتین و لە
مەیمون جیا نەکراونەتەو. تائیسش
نەیان سەلماندووە کە شەرپان لە گەل
گەلی کورد ھەیە، بەلکو دەلین، شەر
لە دژی تیرۆر.

وەلامدانەوێ رێبەر ئاپۆ بۆ
دەستپێشخەریکە دەولەت
باخچەلی لە ماوھەکی کورت، بەلام
بە وەرگرتنی رای ھیز و لایەنە
سیاسیە کوردستانیەکان، ھەروھا
رای پەکەکە و تەڤگەری ئازادی،
لەلایەک جیگە سەرسورمان بوو،

ئێران ئامادەییە ھەموو سازشکاریەکی بۆ
ئەمریکا بکا، بەلام نایەوێ شەر و ئازاوە
لە خۆرھەلاتی ناوھراست لە گەل سوونی
و ئیسرائیل تەواوبێ. بەھەمانشیوە لە گەل
گەل و نەتەوێکانی ناوخواشی تەنھا زمانی
چەکی سەرکوتکردن و سیدارە دەزانی.

لەلایەکیش ھەلسەنگاندنیکی ژیرانە
بوو بۆ بەرپرسیانی دەولەتی تورکیا.
زۆر کەس و لایەن ئەوێان دەگوت
کە دەولەتی تورکیا دەمیک سالە لە
گفتوگۆدان لە گەل رێبەر ئاپۆ، بەلام لە
دیدارەکانیدا رێبەر ئاپۆ گووتی، سێجار
لە گەل بەرپرسی یەکەمی میت رامان
گۆربووەتەو، ئەویش بەنۆینەرایەتی

و ئازادىيەكانى گەلى كورد لە دەستور و ياسا بنەرەتەكان، دواتر پرسى چۆنىەتى بەكارهينان و دانانى چەك خستنه گفوتگو. بۆيە وەك چۆن دەلێن، سياسەت بە رەش و سپى ناكړئ، بەهەمان شيوە تيكۆشان لە پیناو ئازادى و چارەسەرى ديموكراتيانەش، تەنها بە رەنگى رەش و سپى ناكړئ، دەكړئ شيوەزەكانيتريش لە تيكۆشان تاقى بكرتەوه.

لە باكوورى كوردستان و توركيە و ئەوروپا، بەهەمانشيوە لە پارچەكانيتري كوردستانيش، لەگەڵ ئەوئە ريبەر ئاپو و پەكەكە كاريگەرەيەكى سەرەكیان هەيە، ديسان بە هەزاران دامودەزگا و ريكخراوى مەدەنى و هونەرى و پەرورەدى و ژنان و گەنجانيان ئاواكردوو، ئەم بنكە جەماوەريە دەيان مليۆنيە، لە سەردەمى ئيستا لە خەباتى چەكدارى و توندوتىژى شۆرشگيرانه، دەگۆردريت بۆ خەباتى سياسى ديموكراتى، لەو پیناوەش ستراتيژيەت و پاراداييميش ئامادەكارى بۆكراوه. ئەوئە بونىاد دەرئيت لەوئە دەگۆردريت بەرھەمدا ترە، ئەگەرييت و هەمەلایەنى خواھندارىەتى ليبيكرت، واتا ئەركەكان تەنها لەسەر شانى ريبەر ئاپو نەھيلىن. سەرجمە گەلى كورد و ئازادىخوازان، بە پيشەنگايەتى ژنان و گەنجان دەكړئ وەك هەلمەتتیکى نوپى شۆرشگيرانه رۆلى خويان تيا بيينن.

هەمانكات كۆتای هينان بە خەباتى پەكەكە وەك پارتى و هەپەگە وەك تيكۆشانى چەكدارى بوو، دواى ۵۲ سال لە تيكۆشان، برباريكى هەروا سادە و ساكار نەبوو. كيشەى كورد پيوستى بەچارەسەرى هەيە، پەكەكە بۆ ئاوا كردنى دەولەتتیکى كوردى سۆسياليسىتە دەرکەوتبوو، بەلام هەلومەرج گۆران، بۆيە دەكړئ لە شيوەزيتري چارەسەرى بگهړيت، سۆسياليزمى بونىادنراو يان سۆسياليزمى دەولەتى هەلەوشايەوه، بەلام گەلان دەتوانن سۆسياليزمى خويان ئاوا بكەن، بەناوى سۆسياليزمى كۆمەلگەى ديموكراتى.

هەموو بزووتنەوكانى كوردستان و بزافە رزگاربخوازەكان، تا چەك لەشانيان بوو، وەك هيزتیکى شۆرشگير و راديكال و گۆرانخواز پیناسە كراون، دواى ئەوئە بيچەك بوونە، وەك هيزتیکى خۆبەدەستەوئەدەر ناسراون. ديارترين نمونەش لە ميژووى نوپى كوردستان، چەكدانان و وازهينانى (ئاشبەتالى) پەكەكە و م. بارزانيە لە سالى ۱۹۷۵. ئەو پرۆسەيەى ئيستا ريبەر ئاپو دەستى پيكردوو بەتايبەت لە توركيە، بەبئى چەك بەردەوامى كردنى تيكۆشانى شۆرشى ديموكراتيه، واتا چەكەكانى ياسا و سياسەت دەبنە چەكى سەرەكى تيكۆشان، ديسان لە سەر بنكەيەكى جەماوەرى بەھيز. هەروەها گرەنتى كردنى ماف

ئىران ۋەك يەككىك
لەو دەۋلەتەنە
كە پىئويستى
بە گۇرئانكارى
دىموكراتىيەنە ھەيە،
چونكە خودى
ئىران ۋەك كۆمارى
ئىسلامى لەبەردەم
دەستىۋەردان و
گۇرئانكارى يەككى
ھەژمونى دايە،
ئىتر ھەژمونىگەرايى

ئىران ۋەك چۇن ئىستا بۇتە ناۋەندى گەرمكردى
شەپ و ئالۇزى، بەھمانشېۋە دەكرى بېتە ناۋەندى
ۋەرچەرخانى دىموكراتىيەنەش. گەلى كورد و
گەلانىترىش لەۋبارەيەۋە دەكرى رۇللىكى پۇزەتيف
بىنن و كۆتاي بە شەپ و ناكۆكى و مەلمانىي
چەكدارى پاسيف بەيئەندى، يېكەۋە ئىرانىكى
دىموكراتى ئاۋا بكرى كە ماف و ئازادى سەرچەم
گەل و نەتەۋە ئاين و ئاينزاكانى تېدا مسۇگەربى.

ئەمىرىكا - ئىسرائىل دەيانەۋى سىنورىك
بۇ ھەژمونى ئىران دابىنن و لە ئەتۇم
دايىمالن. ئىسرائىل پەلەيەتى نايەۋى
جاريكىتر ئىران بېتەۋە خاۋەن ھەمان
دەستۇرىي جاران و خۆى كۆبكەتەۋە،
ھەندەى ئەمىرىكايە دەيەۋىت نەكەۋىتە
ناۋ شەپكى گەرم لەگەل ئىران، بۇيە
دەيانەۋى لەجياتى شەپ بە ھىزى
دىپلۇماسى ئىران لاۋاز بكن، واتا بە
با و بەباران لە تەمەنى بەفر كەم
دەكەنەۋە.

سوونى و ئىسرائىل تەۋاۋى.
بەھمانشېۋە لەگەل گەل و نەتەۋەكانى
ناۋخۇشى تەنھا زمانى چەكى
سەركوتكردن و سىدارە دەزانى.
گەلى كورد و گەلانى جوگرافىاي
ئىران، شەپى چەكدارى و تىكۈچۈونى
شىرازەى كۆمەلگەى ئىران، لە
بەرژەۋەندىاندا نىيە، بەلام چىترىش ئەم
رژىمە بەمشىۋازە ناتوانى بەردەۋامبى،
پىئويستە لەئىران بەبى دەستىۋەردانى
دەرۋە گۇرئانكارى بكرى، ئەگەر كۆمارى
ئىسلامى بۇ گۇرئانكارى ئامادە نەبى،
ئەۋا دەستىۋەردانەكانى دەرۋە دەكەنە
ئەستۇى ئەۋ. گەلى كوردستان و گەلانى
ترى ئىران لە سى سالى رابردوۋ خاۋەن
ئەژمونى شۆپش و سەرھەلدانەكانى ژن،
ژيان، ئازادىن، ئەمەش دەيسەلمىنى
كە گەلانى ئىران دەيانەۋى گۇرئانكارى

ئىران دەزانى رۈۋبەرۋى ھىرشى
ھەژمونىگەراى ئەمىرىكا و ئىسرائىل
بۇتەۋە، بەلام ۋەك دەسەلاتى ھەرىمى
كوردستان، رىۋى دەرۋەۋ شىرى
مالەۋەن. ئىران ئامادەيە ھەموو
سازشكارىك بۇ ئەمىرىكا بكا، بەلام
نايەۋى شەپ و ئازاۋە لە خۇرەلاتى
ناۋەرئاست لەگەل

لە سیستەمی ئیـران بکەن، نەوێک بپروخینن. پارادایمی گۆرانکاریشیان دیاری کردوو، بە واتایەکیتر گەلانی ئیـران لەسەر پارادایم و دروشمی تیکۆشانی دیموکراتیانەیان ریککەوتوون، بۆیە هەنگاونان بەرەو تیکۆشانی دیموکراتیانە رادیکال کاریکی ئەستەم نییە.

هێزە سیاسییە کوردستانییهکان پێویستە لە یاری دەستی هەریکی کوردستان و هێزە دەستیوێدەرەکان دەرکەون، دیسان بەیەک پاکێج دانوستان لەگەڵ رژێم ئەنجامبدەن، چونکە هەر هێز و گروپیەک بەتەنها لاوازه. لە هەریکی کوردستان هەندیک هێز هەولێدەن بۆ ئەوێ هێز و لایەنەکانی رۆژەهلات، دانوستان لەگەڵ ئیـران ئەنجامبدەن، بەلام وەک بەردەوام لەنیوێ رێگە بەتەنها بەجیان دەهێلن. لە ۱۹۹۳وێ تاکو ئەمڕۆ هێزەکانی رۆژەهلاتی ژێر هەژموونی دەسەلاتی هەریکی کوردستان، بەنیوێ رۆحەوێ وەک کارتێک لە دژی ئیـران بەکاردهیتریـن. چەندیـن جار دانوستان و دیداریان دەستپیکردوون، بەلام ئەنجام بە کارەسات تەواو بوو. بەتایبەتیش تیرۆری د.قاسملو و شەرەفکەندی، هەروەها تیرۆری سەدان کادیر و ئەندامی حیزبەکان لە هەریکی کوردستان، رووی راستەقینەیی دۆخەکەمان باشتەر بۆ شی دەکەنەوێ.

ئەو پرۆسەییە رێبەر ئاپۆ لە باکور و تورکیا دەستپیکردوو، وەک چۆن کاریگەری راستەوخۆی لەسەر رۆژئاوا و سوریا هەیه، بەهەمانشیوێ کاریگەری لەسەر رۆژەهلات و ئیـرانیش هەیه. چونکە کۆدی چارەسەری کێشەکان دۆزراوێتەوێ، ئەو کات پێویستە لایەنەکان گفتوگۆیەکی لەشیوێ پلانفۆرم لەناوخۆ پێکەوێ بکەن، بۆ ئەوێ بتوانرێ ریککەوتن و هاوێبەرێ بەرفراوان هەبێ لەسەر گۆرانکاری و وەرچەرخان لە ئیـران و رۆژەهلاتی کوردستان. گۆرانکاری لە ئیـران تەنها لە بەرژەوێندی گەلی کوردا نییە، بەلکو خزمەت سەرچەم گەلان و نەتەوێکانی ئیـران دەکات بەبێ جیاوازی. بۆ ئەوێ زەمینەیی دانوستان و باوێر هێنان بە گۆرانکاری دروستبێ، لەلایەک پێویستە هێزەکانی ئۆپۆزسیوێی دەرەوێ لەکارتی دەوڵەتە هەژموونگەرەکان دەرکەون، بەهەمانشیوێ دەوڵەتی ئیـرانیش وەک دوژمن سەیری هێزە ئۆپۆزسیوێنەکان نەکات، پێچەوانە زەمینەیی باوێر بوون بە دانوستان و پێکەوێ چارەسەر کردنی کێشە بنەرەتیەکان دروست بکریـت، لەهەمووشی گرنگتر گۆرانکاری لە دەستور و یاسا بنەرەتیەکانی ئیـران بپێتە خالی وەرچەرخان.

ئیـران وەک چۆن ئیستا بۆتە ناوێندی گەرمکردنی شەر و ئالۆزی، بەهەمانشیوێ دەکری بپێتە ناوێندی

چاره‌سهری دۆزی کورد و دیموکراتیزه کردنی ئیران له‌گه‌ل بریار به‌ده‌ستانی بکری.

ده‌وله‌تی ئیران ئه‌گه‌ر به‌نیازه کیشه‌کانی له‌گه‌ل کورد و نه‌ته‌وه‌کانیتر، به‌ناشتی چاره‌سهر بکات و خۆی له ده‌ستیوه‌ردانی ده‌ره‌وه‌ رزگار بکات، ئه‌وا ته‌فگه‌ری ئاپۆچی ده‌کری له‌ رۆژه‌لات

دیموکراتیزه‌کردنی تورکیا و ئیران، شارپه‌گه‌کی چاره‌سهری دیموکراتیانیه‌ی کیشه‌ی کورده. ئه‌ه‌وکات خۆره‌له‌لاتی ناوه‌راستی دیموکراتیانه‌ش ده‌بیته‌ حه‌قیقه‌ت، ئیتر شه‌ر و ئالۆزی و کۆمه‌لکوژی و له‌ناوبردن، به‌رۆکی گه‌لان به‌رده‌دات.

ئه‌و باره‌ بخاته‌ سه‌رشانی و ئاماده‌کاری خۆی بۆ قوناخه‌کی به‌وشیوه‌یه‌ بکا. دیموکراتیزه‌کردنی تورکیا و ئیران، شارپه‌گه‌کی چاره‌سهری دیموکراتیانیه‌ی کیشه‌ی کورده. ئه‌ه‌وکات خۆره‌له‌لاتی ناوه‌راستی دیموکراتیانه‌ش ده‌بیته‌ حه‌قیقه‌ت، ئیتر شه‌ر و ئالۆزی و کۆمه‌لکوژی و له‌ناوبردن، به‌رۆکی گه‌لان به‌رده‌دات. ئیدی کاتی هاتووه‌ گه‌لانی خۆره‌له‌لاتی ناوه‌راست به‌ ئازادی و یه‌کسانی له‌سه‌ر خاک و ئاوی خۆیان پیکه‌وه‌ به‌ ناشتی و دیموکراتیانه‌ بژین.

وه‌رچه‌رخانی دیموکراتیانه‌ش. گه‌لی کورد و گه‌لانیتریش له‌وباره‌یه‌وه‌ ده‌کری رۆلێکی پۆزه‌تیف بینن و کۆتای به‌ شه‌ر و ناکوکی و ململانی چه‌کداری پاسیف به‌ئیدری، پیکه‌وه‌ ئیرانیکی دیموکراتی ئاوا بکری که‌ ماف و ئازادی سه‌ره‌جهم گه‌ل و نه‌ته‌وه‌و ئاین و ئاینزاکانی تیدا مسۆگه‌ری.

ته‌فگه‌ری ئاپۆچی له‌ رۆژه‌لاتی کوردستان و ئیران، خاوه‌ن پیکه‌یه‌کی ریکخستنی و پراکتیکه‌کی ۲۵ ساله‌یه. له‌و پێناوه‌ قوربانیداوه‌ له‌ شاخ و له‌شار و له‌ زیندانه‌کان، به‌شیکه‌ له‌ هاوسه‌نگی سه‌ره‌کی ریکخستنی سیاسی له‌ ئیران. له‌ئیستاشدا خاوه‌ن هیزیکه‌ی تۆکه‌یه‌ و له‌ ناوخۆ و ده‌ره‌وه‌ خۆی

به‌ریکخستن کردووه‌ باوه‌ریشی داوه‌ته‌ گه‌لی کورد و گه‌لانی تری ئیران، ئه‌مه‌ش له‌ سه‌ره‌له‌دانه‌کانی ژن، ژیان، ئازادی به‌ناشکرا دیاربوو. بۆیه‌ له‌شوینی خۆیه‌تی پرۆسه‌ی ناشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتی که‌ ربه‌ر ئاپۆ پێشه‌نگایه‌تی ده‌کات، ره‌نگدانه‌وه‌ی له‌ گۆره‌پانی ئیران و رۆژه‌لاتی کوردستانیش هه‌بی. ده‌وله‌تی ئیران خودی خۆی پشتیوانی له‌ هه‌نگاوه‌کانی ربه‌ر ئاپۆ و په‌که‌که‌ کرد، ئه‌ه‌وکات زه‌مینیه‌ زیاتر له‌باره‌ بۆ ئه‌وه‌ی دانوستان و گفتوگۆ له‌باره‌ی



ئىيران دەگۈردىت يا دەيگۈرن؟!

كە ئارام كەرىم

لەسەرۋى ئىرادەى گەلەۋە داپرشتوۋە،
كەسەكە سزا دەدەن و لەزۇربەى
دۆسىيەكاندا، ئەۋكەسەى بەۋ تاۋانانە
دادگايى بگرىن، يا لەسپدارەيان دەدەن
يا تا ھەتاھەتايە لەكونجى بەندىخانەى
دەكەن و دەپرزىنن. ئەمە لەسەر ئاستى
پرسە گشتىيەكان لەبابەتى پرسە تايبەت
و نەتەۋەيىيەكان ھەمىشە ھەۋلدەدات
چىنىكى مشەخۇر و ئەلقەلەگوئ
دامەزرىنىت و ئەۋان بەنۆپنەرى گەل و
كۆمەلگە نەتەۋەيى و چاندىيەكان نىشان
بدات. بەتايىبەتى لەپرسى كورددا لەم
ماۋەيدا بەھۆى ئەۋ سىياسەتە شىكست
خواردۋىيە لەماۋەى شەرى نىۋوخۋى
سورىا گرتىيەبەر و ھاۋشانى لەگەل
دەۋلەتى تورك و روسيا بوو بەھۆكار

ھېرشەكانى ئىسرائىل دەرئەنجامى
سىياسەتەكانى رژیى ئىرانە!

رژیى ئىران لەبرى ئەۋەى لەگەل
نۆپنەرانى راستەقىنەى كۆمەلگە
دانۇستان بىكات، پەنا بۆ ھېزە ھەرىمى
و نپودەۋلەتەكان دەبات، كەچى كاتىك
كەسىكىش دەستبەسەر دەكەن تاۋانى
پەيۋەندى گرتن بە ھېزە نەيارەكانەۋە
دەداتە پال و بەۋ پپۋەر و پپۋانەى

بۇ ئەۋەدى بەدەستەبال لەھاوکیشەكە بېكەنە دەرەۋە. لەپرسی ھەماس و ھیزبۇللا و ھوسىيەكانىشدا و تەنانەت ھىزە نىۋخۇيەكانى عىراق سىياسەتتىكى دروست و ستراتىژى بەرپۈە نەبرد، بۆيە لەسياسەتى دەرەۋەى خۆيدا شكىستىكى بەرچاۋ توۋشى بوو. بەتايىبەتى لەنزيكبوۋنەۋەى بۇ پىرسى كورد و عەلەۋى و دروزى و ... لەسوريا رژیىمى ئىران نەيتۋانى سىياسەتتىكى راست و بەگۈپرەى رئاليتەى جوگرافى، سىاسى، كەلتورى، ئەتنىكى پىادە بکات، بۆيە بەئاسانى دەۋلەتى تورک و ھىزە ھەريىمى و نپودەۋلەتپەكان لەھاۋسەنگىەكانى سوريا خستىانە دەرەۋە. ھەمان نزيكبوۋنەۋەشى لەبەرامبەر بەھەماس و ھوسىيەكان و ئەمىرۋشى لەگەلدا بىت لەبەرامبەر بە گروپە نىابەتپەكانى عىراق پەپرەۋى دەكات، دوور نىيە ئەۋانىش لەداھاتوۋپەكى نزيكدا بەھۋى بەرژەۋەندىيە نپۋخۇيەكانى دەۋلەت و دەسەلاتى ناۋەندى ۋلاتەكەيانەۋە پشت لەئىران و رژیىمەكەى بکەن. لەگرتنەبەرى سىياسەتتىكى ھاۋشپۈە ئىران زىدە لەخۋى پشتى بەدەۋلەتى تورک و ھىزە نپودەۋلەتپەكان بەست، ئەۋەش ھۆكارى سەرەكى دۆراندنى ئىران و خستەنە دەرەۋەى لەھاۋسەنگىەكانى ناۋچەكەۋ زياتر سەپاندنى گەمارۋكان بوو لەسەر دەۋلەت و كۆمەلگەى ئىران، لەلايەكى تر شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى

دەرفەتتىكى زىرين بوو بۇ ئەۋەدى رژیىم و دەۋلەت و دەسەلاتى ئىران بۇ خۇيان بەدەرەتانىك ھەليانسەنگاندا، بەلام لەبەر ئەۋەدى خويندەۋەى تەسك بىنانەيان بۇ ھاۋكىشە جىھانى و ھەريىمەكان و وزەى نپۋخۇى گەل و كۆمەلگەى ئىران؛ نەتوانرا ئەۋەلە بۇ رزگارى خۇيان و بونىادنانى سىستەمىكى ديموكراسى سودى لى بىنين. بەتايىبەتى بەھۋى ئەۋە ھەلوپستانەى رژیىم لەبەرامبەر بە ژنان و گەنجان و سىياسەتى زەخت و گوشارى لەرادەبەدەرى دام و دەزگا سەرکوتكەر و چەۋسپنەرەكانى رۆژبەرۆژ درزى نپۋان گەل و كۆمەلگە و دەۋلەت زياتر بوو. ئەۋەش ھۆكارىكى ترى سىياسەتى چەۋتى نپۋخۇيى رژیىم بوو لەبەرامبەر بەراستىنەى كۆمەلايەتى گەلان و كۆمەلگەى ئىران. گرتن و لەسپدارەدان، برىندارکردن، زىندان و سەپاندنى سزاي قورسى ماددى لەبەرامبەر بە راپەرىنى گەنجان و ژنان ۋاى کردۋە كە توۋرەيى گەنجان و ژنان و چىن و توپژەكانى كۆمەلگە زياتر پەنگ بخۋاتەۋە و لەدەرفەت دەگەرپن بۇ ئەۋەدى جارىكى تر برىسكەى ئاگرى شۆرش بگەشپنەۋە و بەگور و تىنىكى گەرەتر بەرۋوى رژیىم و دام و دەزگا سەرکوتكارەكانىدا بتەقنەۋە. ھەرچەندە شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى لەقۇناخى يەكەمىدا بپدەنگى چەندىن دەيەى شكاندۋە و چاند و كەلتورىكى

ژن، ژيان، ئازادى و بەردەوام بوون
لەسەر رەگ و رېچكەى بەرخۇدانى
شەھيدانى شۆرش.

دەسەلاتداران خاۋەن يەك زەھنيەتن

ھېچ گۆران و گۆرانكارىەك بەبى
ئېش و ئازار پېكنايەت. نەخاسم
ئەو گۆرانكارىەش گۆرانكارىەكى
سىياسى، ستراتېژىك، ھزرى بىت،
ئەو ئېش و ژانى لەدايىكونەوئەكى
نوى دووقات زياترە لەوئەكى
گۆرانكارىەكە لەئاستى تاكەكەس،

بەرخۇدان و يەكگرتن و ھاودەنگى و
پېكەوئەيى پېكەوئە ناو و رەوايەتى
رژىم و دامەزراوەكانى بەتەواوئەتى
خستە ژىر پىرسىارەو. بەلام بەھوى
دەستىووردانى دەرەكى، بى بەرنامەيى
نېوخويى ھىزولايەنە سىياسىەكان و
دامەزراوەكانى كۆمەلگەى مەدەنى و
پارچە پارچەبوونى ھەلۆيست و بەرنامە و
ستراتېژى تېكۆشان و رووبەروو بوونەوئەكى
گەل بەئاگر و ئاسن، شۆرش
لەقۇناخى يەكەمى دا بەتەواوى نەيتوانى

ئامانجەكانى خوى
بېيىكىت. بەلام ئەوئەش
بەو واتايە نايەت
كەشۆرش بەتەواوئەتى
خنىكىندراو، چونكە تەنيا
بەرخۇدانى زىندانىان و
بەتايبەتى زىندانىانى ژن
لەزىندانەكانى رژىمدا
گەوئەترىن بەرخۇدان و
خۇراگرى و نوينەرايەتى
ھەموو گەل و كۆمەلگە
و چينەكانى شۆرش

ئەگەر بەراستى ئەو ھېرشانەى ئىسرائىل بۆ سەر
كۆمەلگە و خەلگى سقىل بىت، ئەو وا باشترە
كە تۆرەكانى ئىنتەرنېتى نەپچراندبا و رېگەى
بەبەكارھىنەرانى تۆرەكانى ئىنتەرنېت بدبا كەزەرەر
و زيانەكانى گەل و كۆمەلگە بۆ راي گشتى جىھانى
و كۆمەلگەى مەرقى بگوازنەوئە. بەلام ديارە ھۆكارە
سەرەكەكە شىتېكى ترە و ھېچ پەويوئەندىەكى
بەھېرشەكانەوئە و بابەتى پاراستى نىيە.

ياخود تەنيا ھەلۆيستىكى روو كەشانە و
جوولەى رۆژانەيى بىت. ئىستاش كە
سىستەمى جىھانى لەقەيرانىكى قولى
سىياسى، ئابورى، ئىدارى، پاراستى و
ھزرىدايە، ئېش و ژانىكى زۆر دەكىشى.
ئەوانەشى پېشەنگايەتى ئەو سىستەمە
ھەژمونخاۋىيە دەكەن، ناچارن قبولى
ئەو دەر و رەنج و ئېش و ئازارە بگرن

دەكەن و بەدەستى خالى لەزىنداندا
بە ئىرادەى پۇلايىن و خۇنەويستانەيان
رژىميان بەچۇكدا ھىناو و ئەوئەش
سەلېمەنەرى زىندوويەتى و بەھىزى
ماتەوئەى شۆرشە لەھەناو و ناخى
تاك بەتاكى كۆمەلگەدا و لەدەرفەتېك
دەگەرئ بۆ سەرھەلداوئە و ھەستانەوئە.
ئەمەش واتا شەپۇلى دووئەمى شۆرشى

بۇ ئەۋەى بتوانن نوپوونەۋەىەك بەيئە ئاراه، بەلام مەرج نىيە ئەۋ نوپوونەۋە و گۇرئانكارىەش ھەر ھەموو پۇزەتيف و ئىجابى بىت و لەخمەتى پىشكەوتن و بەرەوپىشبردنى كۆمەلگە و رىچكە و پىۋان و بەرزكردنەۋەى پرنسپىيە كۆمەلايەتى، مرقىقەكان بىت. بەتاييەتى كاتىك دەسەلات بىەۋىت گۇرئانكارىەك لەھەلۋىست و نزيكبوونەۋەكانىدا بكت، سەر لەھەزار و يەك فىل و تەلەكەبازى و ھەلخەلەتاندن دەدات، بۋىە دەبىت بزائىن ھەر گۇرئانىك، پۇزەتيف ناپىت. ھەندى جار نوپوونەۋە و گۇرئان پىچەۋانە دەبنەۋە و زياتر دەكەۋنە خزمەتى ھىزى دەسەلات و ھەژمۇنگەرايى و سىستەمى نكولىكار و قركەر و كۆيلەكردنى مرقۇف و كۆمەلگەۋە. بۋىە دەبىت ھەر نوپوونەۋەىەك پىشت بەپاشخانى مېژۋوىى، كۆمەلايەتى، چاندى كۆمەلگەكان و گەلان بىستىت. زىيەنىيەتىكى دەسەلاتدارى لەلاى ھەموو دەسەلاتداران بوونى ھەيەكە باكيان بەھىچ نىيە. بەدەر لەخۇيان و پاراستنى دەسەلاتەكەيان رەچاۋى ھىچ پىۋان و پرنسپىيىكى ئەخلاقى، وىژدانى، سىياسى، كۆمەلايەتى، مرقىقى ناكەن و ھەر يەكەيان دەيانەۋىت ئەۋى بەرامبەر بەھەموو دەسەلاتەكانىەۋە بەھەموو شكۇ و كەرامەت و ئابرو و شەرف و ناموسىيەۋە تەسلىمى داۋايەكانى بىت. دەسەلاتدار چونكە خاۋەن باگراۋەندىكى

لۇژىكى تەجاۋزكار، دەستدرىژكار، قۇرخكار، زۇلم و ستەم و چەۋساندەۋە و كۆيلەكردن و تالان و تالانكارى و ئىنكار و لەناۋبردنە بەخۇى رەۋا دەبىنىت لەبەرامبەر ھىزەكانى دىكە بەشىۋەىەكى ملھورانە و چاۋسورانە بۋەستىتەۋە. دۋابەدۋاى ئەۋ ھەموو ئەزمۇونە مېژۋويىە لە سەدام حسين و بەشار و قەزافى و سىسى و ھەنىيە و نەسرۇللا بگرەكەچى جاريكى تر دەيەۋىت كويركويرانە بەرەنگارى دەسەلاتى ناۋەندى بىتەۋە و پەرە بەتەمەن و دەسەلات و پىنگە نەرىتيەكەى خۇى بدات. لەگەل ئەۋ ھەموو چەقبەستۋويى و قەۋارەپاريزىيە رۇژمى ئىران، زىيەنىيەتى دىكتاتورانەى لەگەل خۇيدا بونىدانۋە و روى لەبۋىادگەرايى وشك كردۋە. چاۋەروانى ھەرە زۇر لەرژمى ئىران چە لەنىۋخۇ و چە لەدەرەۋەش ئەۋە بوو كە رۇژم لەم ھەموو ئەزمۇونە ۋانە ۋەربگرىت و بەسىاسەت و ھەلۋىستە سەقەت و كۈنەپاريزىيەكانىدا بچىتەۋە و ۋلات بەرەۋە شەرىپكى نەخۋاززاۋا پەلكىش نەكات. چون دەسەلاتى ناۋەندى پىداگرە لەسەر ئەۋەى كە دەبىت رۇژم بگۇردىت. دەبوو رۇژم پىش ئەۋەى لەدەرەۋە ھىزى گۇرئان و گۇرئانكارى بەسەردا بسەپىنن، خۇى ھەۋلى گۇرىنى بدابا؛ ئەم ھىرشانەى ئىستاكەش لەسەر رۇژم بەرىۋە دەچىت بەئامانجى گۇرىنى، ئەۋا جا گۇرىنى

هه‌لۆیست و کردوه‌کانی بێت، یا خود گۆڕینی رژێم و سیستهمه‌سی و ئیداریه‌که‌ی.

چه‌واشه‌کاریه‌کانی رژێم له‌م کاته‌هه‌ستیاره‌دا!!

چه‌واشه‌کاریه‌کانی رژێم هاوکات له‌گه‌ڵ هێرشه‌کانی ئیسرائیل بۆ سه‌ر دامه‌زراوه‌ سه‌ربازی و ئه‌منی، ئیستخباراتی و سه‌کۆکانی هه‌ڵدانی مووشه‌ک و که‌سه‌ په‌له‌بالا‌کانی رژێم، یه‌کسه‌ر ناوه‌نده‌کانی شه‌ری تایه‌ت ده‌ستیان به‌هۆینه‌وه‌ی درۆ و ده‌له‌سه‌ و به‌لاری‌دایردنی راستیه‌کان و شارده‌نه‌وه‌ی که‌موکوپی و لاوازییه‌ ئه‌منی - ئیستخباراتی، پاراستیه‌کانی رژێم کرد که‌ به‌سالانه‌ به‌گه‌لی ئێرانی ده‌فرۆشنه‌وه‌ و له‌و چوارچۆیه‌دا جاریکی تر ده‌ستی داوه‌ته‌ راوه‌دونان و ره‌شگیری و گرته‌نی خه‌لکی بێتاوان و تاوانبارکردنیان به‌وه‌ی که‌ ده‌سته‌که‌لا و سیخوپی ئیسرائیلین و ته‌نیا له‌ماوه‌ی هه‌فته‌یه‌که‌دا زیاتر له‌ ۵۰۰ که‌سیان ده‌ستگیر کردوه‌ و ژماره‌یه‌ک له‌زیندانیانی نیو زیندانه‌کان که‌ له‌به‌رامبه‌ر به‌ زه‌خت و گوشاره‌ سیاسیه‌کانی رژێم سه‌ریان نه‌وه‌ی نه‌کردوه‌ له‌زیندانه‌یه‌کانی تر جیاکردۆته‌وه‌ و بۆ شوێنی نادیار گواستوو‌یانه‌ته‌وه‌ و ئه‌وه‌ش گوايه‌ به‌مه‌به‌ستی چاو‌ترساندنی زیندانیانی تر ئه‌نجام داوه‌.

تۆره‌کانی ئینته‌رنیټیان له‌سه‌ر هاولاتیان پ‌چ‌راندوه‌ له‌ژێر ناوی پاراستن

و ریگری له‌هێرشێ فرۆکه‌سیخوری و شه‌رکه‌ره‌کانی ئیسرائیل، به‌لام له‌راستیدا بۆ ئه‌وه‌یه‌ که‌ گه‌ل نه‌توانن به‌ئاسانی له‌گه‌ڵ یه‌کترا له‌په‌یوه‌ندیدا بن و به‌و شیوه‌یه‌ ئاسته‌نگیان له‌به‌رامبه‌ر به‌په‌یوه‌ندییه‌ کۆمه‌لایه‌تیه‌کانی گه‌ل دروست کردوه‌ و له‌ترسی ئه‌وه‌ی گه‌ل ئاستی زه‌ره‌ر و زیان ئه‌و هێرشانه‌ی ئیسرائیل بۆ ناوه‌نده‌کانی راگه‌یاندن و تۆره‌ نیوده‌وله‌تیه‌کان نه‌گوازنه‌وه‌، که‌چی رژێم به‌هۆی ئه‌و زیهنیه‌ته‌ کۆنه‌ و به‌رته‌سکه‌ی ناتوانیټ، ده‌رک و هه‌ست و نه‌ستی کۆمه‌لگه‌ی نیوده‌وله‌تی و مافه‌کانی مرۆف بکات. ئه‌گه‌ر به‌راستی ئه‌و هێرشانه‌ی ئیسرائیل بۆ سه‌ر کۆمه‌لگه‌ و خه‌لکی سقیل بێت، ئه‌وا وا باشتره‌ که‌ تۆره‌کانی ئینته‌رنیټی نه‌پ‌چ‌راندبا و ریگه‌ی به‌به‌کاره‌ینه‌رانی تۆره‌کانی ئینته‌رنیټ بدابا که‌زه‌ره‌ر و زیانه‌کانی گه‌ل و کۆمه‌لگه‌ بۆ رای گشتی جیهانی و کۆمه‌لگه‌ی مرۆقی بگوازنه‌وه‌. به‌لام دیاره‌ هۆکاره‌ سه‌ره‌کیه‌که‌ شتیکی تره‌ و هیه‌چ په‌یوه‌ندیه‌کی به‌هێرشه‌کانه‌وه‌ و بابه‌تی پاراستنی نییه‌.

جاریکی تر رژیمی ئێران به‌هۆی ترسی له‌سه‌ره‌ه‌ڵدانه‌وه‌ی گه‌ل و به‌تایبه‌تی له‌ ناوچه‌ کوردستانیه‌کان هێزیکی زۆری ئاسایشی - ئیستخباراتی بلأوه‌ پ‌یکردوه‌ و که‌شیکی میلیتاریستی و عه‌سکه‌رتاریه‌تی ئافرانده‌وه‌، ئه‌و هیزانه‌ی رژێم له‌ترسی هێرشه‌کان و شارده‌نه‌ویان

هەریمی باشوری کوردستان "نچیرقان
 بارزانی" و بانگه‌یشتکردنی سه‌رۆک
 پارێزگاگان بۆ رۆژه‌لاتی کوردستان و
 ئێرانیان کرد، که‌چی خودی ئەو رۆژمه
 له‌برامبه‌ر به‌کوردانی باکوری عێراق،
 زنجیره‌ فیلمی ره‌خنه‌ی دروست کرد
 و هه‌ولێری وه‌ک ناوه‌ندیکێ سیخوری
 و ئیستخباراتی ئیسرایلی
 به‌ناو کرد و ته‌ناهت به‌وه‌ش
 نه‌وه‌ستا و ئەو شارهی دایه
 به‌ر مووشه‌ک و چه‌ندین
 باله‌خانه‌ی خاپوور کرد و
 گیانی چه‌ندین که‌سیان له‌و
 مووشه‌کبارانه‌ گرت. که‌چی
 له‌م ماوه‌یه‌دا جاریکی تر
 په‌نایان برده‌وه به‌ر ده‌رگای
 ئەو هێژانه "په‌ده‌که" و هه‌ولێاندا
 وای پێشانی رای گشتی و
 کوردان بده‌ن که ئەوان دان به‌بوونی
 کوردان له‌هه‌ریمه‌که‌دا ده‌نێن. به‌لام
 له‌و چوارچیوه‌یه‌دا ئاماده‌نه‌بوون گوێ
 له‌داواکاری و ویست و ئامانجه‌کانی هه‌چ
 کام له‌حیزب و لایه‌نه‌ سیاسیه‌کانی
 رۆژه‌لات و ئێران یاخود که‌سایه‌تی
 و دامه‌زراوه‌ مه‌ده‌نیه‌کانی ئەو به‌شه‌ی
 کوردستان بگرن، ئەمه‌ش سیاسه‌تیکێ
 دووفاقانه و چه‌واشه‌کارانه‌یه و ته‌نیا
 خزمه‌ت به‌ئه‌جێندانی ده‌ره‌کی
 و به‌تایبه‌تی هێزه‌ نێوده‌وله‌تی و
 هه‌ریمه‌یه‌کانی کرد.

له‌چاوی فرۆکه‌شه‌ره‌که‌ر و سیخوریه‌کانی
 ئیسرایل په‌نایان برده‌وته به‌ر ناوه‌نده
 کۆمه‌لایه‌تیه‌کان له‌وانه "مزگه‌وت،
 خوێندنگه‌کان، په‌رتوو‌خانه، سینه‌ما و
 مالی خه‌لک و له‌ویدا خۆیان به‌جێ
 کردوه و به‌ئاشکراش هه‌ره‌شه له‌ گه‌ل
 ده‌که‌ن. هه‌ر له‌و ناوچانه له‌ژێر ناوی

گه‌لی کورد له‌رۆژه‌لاتی کوردستان و هێژ
 و لایه‌نه‌ سیاسیی و که‌سایه‌تی رۆشنییر و
 ژنان و گه‌نجان له‌ژێر چه‌تریکی هاوبه‌شدا
 یه‌کێتی دیموکراتیکێ خۆیان بونیاد
 بنێن و هێژیکێ یه‌کگرتووی پاراستنی
 بۆ پاراستنی گه‌ل و نیشتییمان و نرخه
 نه‌ته‌وه‌یی و دیموکراتیه‌کان دامه‌زرێنن

ئۆپراسیۆنی پاراستنی سنوره‌کان و
 رێگری کردن و دزه‌کردن له‌بازرگانانی
 چه‌ک و ته‌قه‌مه‌نی و هه‌ستی
 جیاخوازی، بانگه‌شه‌ی ئەوه ده‌که‌ن
 ده‌ستیان به‌سه‌ر چه‌ندین پارچه‌ چه‌ک
 و ته‌قه‌مه‌نی و گرتنی چه‌ندین که‌س
 داگرتووه.

هه‌ر به‌نێسه‌ت کوردانه‌وه له‌م
 ماوه‌یه‌دا رۆژم بۆ هه‌لخه‌له‌تاندنی
 رای گشتی و شه‌قامی کوردی و
 کوردستانیان، په‌نای برده به‌ر پارێزگاری
 هه‌ولێر "ئومێد خۆشناو" و سه‌رۆکی

هەر لهوچارچێوهیهدا هه‌ڕه‌شه له گه‌ل ده‌که‌ن، به‌هیچ شێوهیه‌ک دیمه‌ن و ده‌نگ و نووسین له‌سه‌ر هێرشه‌کان و ئاستی زه‌ره‌ر و زیانه‌کان و شوین و جیگه‌ و پێگه‌ی بۆمبارانکراو و بریندار و کوژراوه‌کان نه‌گرن، ته‌نانه‌ت نابیت دیمه‌نی ته‌لقه‌ته‌نوره‌ی هێزه‌کانی پاراستنی هه‌وایی بگرن و نه‌وانه به‌تاوان هه‌ژمارده‌کرین و سزای قورسی نه‌و که‌سانه ده‌درین که دیمه‌ن و ده‌نگ و نووسینی له‌و به‌وارده‌دا بلاو بکه‌نه‌وه و به‌هاوکار و سیخوری ئیسراییل به‌ناویان ده‌که‌ن.

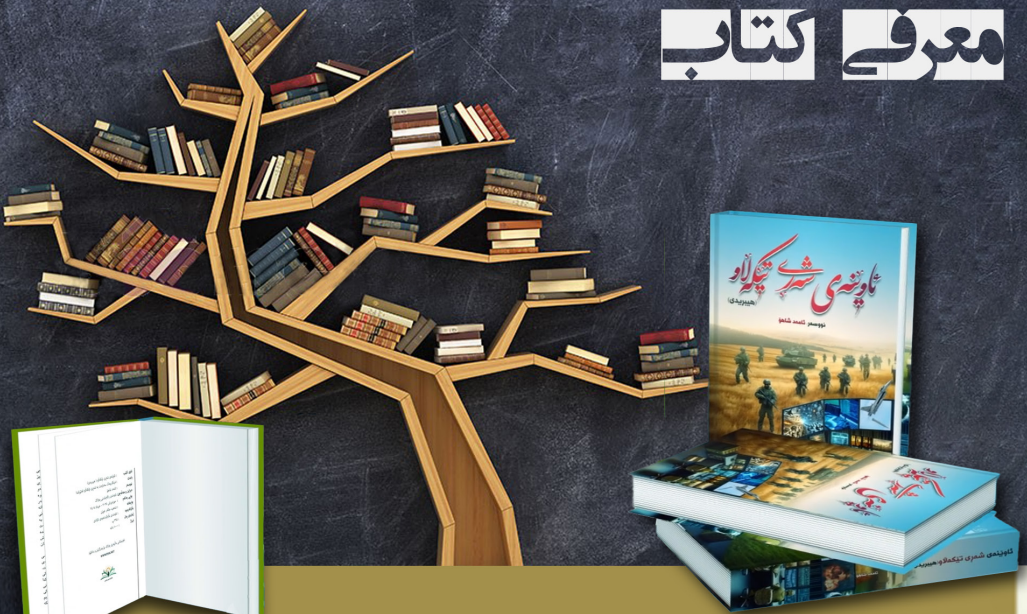
ئه‌م چه‌واشه‌کاریانه هاوچه‌شنی چه‌واشه‌کاریه‌کانی کاتی سه‌ره‌له‌دانی شو‌رشی ژن، ژیان، ئازادییه که به‌نامنجی سه‌رکوت و بیده‌نگکردنی شو‌رش گرتیان به‌ر. له‌سه‌ره‌له‌دانی شو‌رشی ژن، ژیان، ئازادیدا به‌هه‌زاران گه‌نج و ژن و چالاکوان، هونه‌رمه‌ند، خوێندکار، پیشه‌وه‌ر و ولاتپارێز و نیشتیمانپه‌وه‌ر بێسه‌روشوین و که‌مه‌ندام و زیندانی کران، رووبه‌رووی ده‌ستدریژی و ته‌جاوز و ئه‌شکه‌نجی هه‌وفانه و سزای گران کران و تا ئه‌م ساته‌ش چاره‌نووسی زو‌ریک له‌و که‌سانه‌ش به‌نادیاری ماوه‌ته‌وه. رژی‌م به‌هه‌وی کاراکته‌ری ده‌سه‌لاتداری، چاوچنۆکی و ناوه‌ندگه‌راییی و قبۆله‌کردنی ئیراده‌ی

راسته‌قینه‌ی کۆمه‌لگه‌و تاک و پیکهاته فره‌نگیه‌کی له‌و کاته‌شدا ئاماده نه‌بوو دان به‌بچووکتیین و ساده‌ترین و ئاسایی ترین مافه‌کانیان له‌مافی ئازادانه‌ی بیرو‌را ده‌برین بناسیت و دانی پێدا بنیت. ئه‌م نزیکبوونه‌وانه‌ی رژی‌م وای کردوه که گه‌ل و کۆمه‌لگه زیاتر له‌هه‌رکاتی تر له‌ده‌سه‌لات و کۆی گشتی سیسته‌می به‌رپه‌وه‌بردنی نه‌و رژی‌مه دوورکه‌ونه‌وه و تاک و کۆمه‌لگه رق ئه‌ستوورتر بێ له‌دژی سیسته‌می ده‌سه‌لاتداریه‌تی له‌ئێران و قوولکرده‌وه‌ی نا‌کۆکیه‌کان و گه‌وره‌بوونی درزی نیوان ده‌ولت و کۆمه‌لگه به‌هێتیه ئاراوه و نه‌و درزه گه‌وره‌یه‌ش هه‌رچی چوو؛ ده‌رفه‌تی ده‌ستیوه‌ردانی ده‌ره‌کی له‌کاروباری نیوخه‌وی ئێراندا زیاتر و به‌رفراوانتر کرد. ئیستاکه‌ش که ده‌ستیوه‌ردانی ده‌ره‌کی له‌ئێران هاتووه‌ته کایه‌وه، رژی‌م هه‌ولده‌دات توو‌ره‌یی و لاوازی و بێ چاره‌یی خه‌وی به‌سه‌رگه‌ل و کۆمه‌لگه‌دا به‌تال بکاته‌وه. رژی‌می ئێران ده‌بیت له‌وه زیاتر ده‌رفه‌ته‌کان له‌ده‌ست نه‌دات و ده‌بیت قه‌ناعه‌ت به‌وه به‌هێت که دانوستان له‌گه‌ل ئه‌مریکا و ئیسراییل و ئه‌وروپا ناتوانیت قوتاری بکات و کات کوشتنیش له‌به‌رژه‌وه‌ندی رژی‌مدا نییه و نابیت.

رېځخستن بوونی گهل و دامه زراوه بوونی بهرپوه بهر ایه تی هاوبه ش

له هه لگړساندنې ئهم شهړ وناکوکیانه ی نیوان رژیمی ئیران، واتا دیکتاتوریه ت و تۆتالیتاریه ت و ئهو شهړه داسه پاوه ی به سه ریاندا سه پاوه، گهل نابیت لایه نگرې هیچ لایه کیان بکات و خو ی بکاته سووته مه نی ناکوکیه کانی هه ردوو سیسته می ده سه لات که ئامانجیان ته نیا و ته نیا ده سه لات و هه ژمونخوازی زیاتر و بهر فراوانتره. بو گهل ده بیت له م قوناخه هه ستیاره به ده م یه کتره وه بن، ئیش و ئازاره کانی یه کتر ساپژ بکه ن، هاوکاری و هاوده نگی و پشتیوانی یه کتر بکه ن. ریزه کانیان پته و و خوبه رېځخستن بوونی گه وهه ریانه و دیموکراتیانه ی خو یان بونیاد بنین و هاوشان له گهل هیزه کانی ئوپوزسیونی نیوخو و ده ره وه ی ئیران هه ولی بونیادنانی بهرپوه بهر ایه تی هاوبه ش و دیموکراتیک بدریت. گه لی کورد له رۆژه لاتی کوردستان و هیز و لایه نه سیاسی و که سایه تی رۆشنیر و ژنان و گه نجان له ژیر چه تریکی هاوبه شدا یه کیتی دیموکراتیکی خو یان بونیاد بنین

و هیزیکی یه کگرتووی پاراستنی بو پاراستنی گهل و نیشتمان و نرخه نه ته وه یی و دیموکراتیه کان دامه زرینن، ئهمه ش وه ک ناچاریه ک و پنیوسیته کی قوناخه که بینن و به ره وپییری بانگه وازییه میژوویه که ی په ژاکه وه بچن و تاقه ریگه ی ده ربازبوون له م ته نگه ژه میژووییه ئاشتی و بونیادنانی کومه لگه یه کی دیموکراتیکه که ریبه ر ئاپو وه ک پرۆژه یه ک بو گهلان و کومه لگه ی خستوه ته پروو. بۆیه ش ئهرک و بهرپرسیاریه تی گهل، رۆشنیران، ئاکادیمیسیه ن، ژنان و گه نجان، که سایه تی دیموکراتیکخواز و نیشتمانپه وه ر و چالاکانی مافی مرؤف و رووناکییران له م قوناخه، پشتگیری زیاتر له داواکاری ئازادی جهسته یی ریبه ر ئاپو و چاره سه ری پرسى کورد و به شدارکردن له هه لمه تی"منیش ده مه ویت له گهل ریبه ر ئاپودا دیالوگ پيش به م"بکه ن. ته نیا له حاله تیکی ئاوه هادا ده توانریت پیش به ده سه تیوه ردانی ده ره کی و دیکتاتوریه تی نیوخویى بگيردریت و دیموکراسی کومه لایه تی و سو سیالیستی پیشبخریت.



کتاب آینه‌ی جنگ ترکیبی (هیبریدی) چاپ و منتشر شد

کتاب آینه‌ی جنگ ترکیبی (هیبریدی) کتابیست که محتوای آن، شیوه‌ی جنگ مدرن است. این کتاب به تحلیل انواع جنگ، روش‌های معاصر جنگ، رژیم علیه خلق‌های ایران، به ویژه خلق کورد، می‌پردازد. تعریف، اهداف، ویژگی‌ها، ابعاد، ابزارها و مراحل جنگ هیبریدی نیز به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

این کتاب نقش و جایگاه رسانه‌ها، هوش مصنوعی، حملات سایبری، تبلیغات، تحریک و تحریف واقعیت را در جنگ‌های ترکیبی توسط مقامات و کشورهای مستقل ارائه می‌دهد.

در این کتاب؛ اتهامات بی‌اساس علیه جنبش آزادی‌خواهی خلق کورد در شرق کردستان (پژاک) برجسته شده و استراتژی مبارزه کوردها و خلق‌های آزادی‌خواه در برابر دامنه جنگ ترکیبی به طور خلاصه ارزیابی و تحلیل شده است.

این کتاب شامل هشت فصل است که هر فصل، بعدی از جنگ ترکیبی را ارزیابی و مورد بحث قرار می‌دهد.

این کتاب توسط آمد شاهو به زبان کوردی (لهجه‌ی سورانی) نوشته شده و توسط مرکز رسانه‌ای پژاک منتشر شده است.

برای دریافت فایل می‌توانید به سایت پژاک مراجعه نمایید

پہلا شہر نیا



